آینه پژوهش

ISSN:2322-3316
ان | ۵۴ صفحه | شماره ۱۴۴ | شهریور ۱۴۰۳

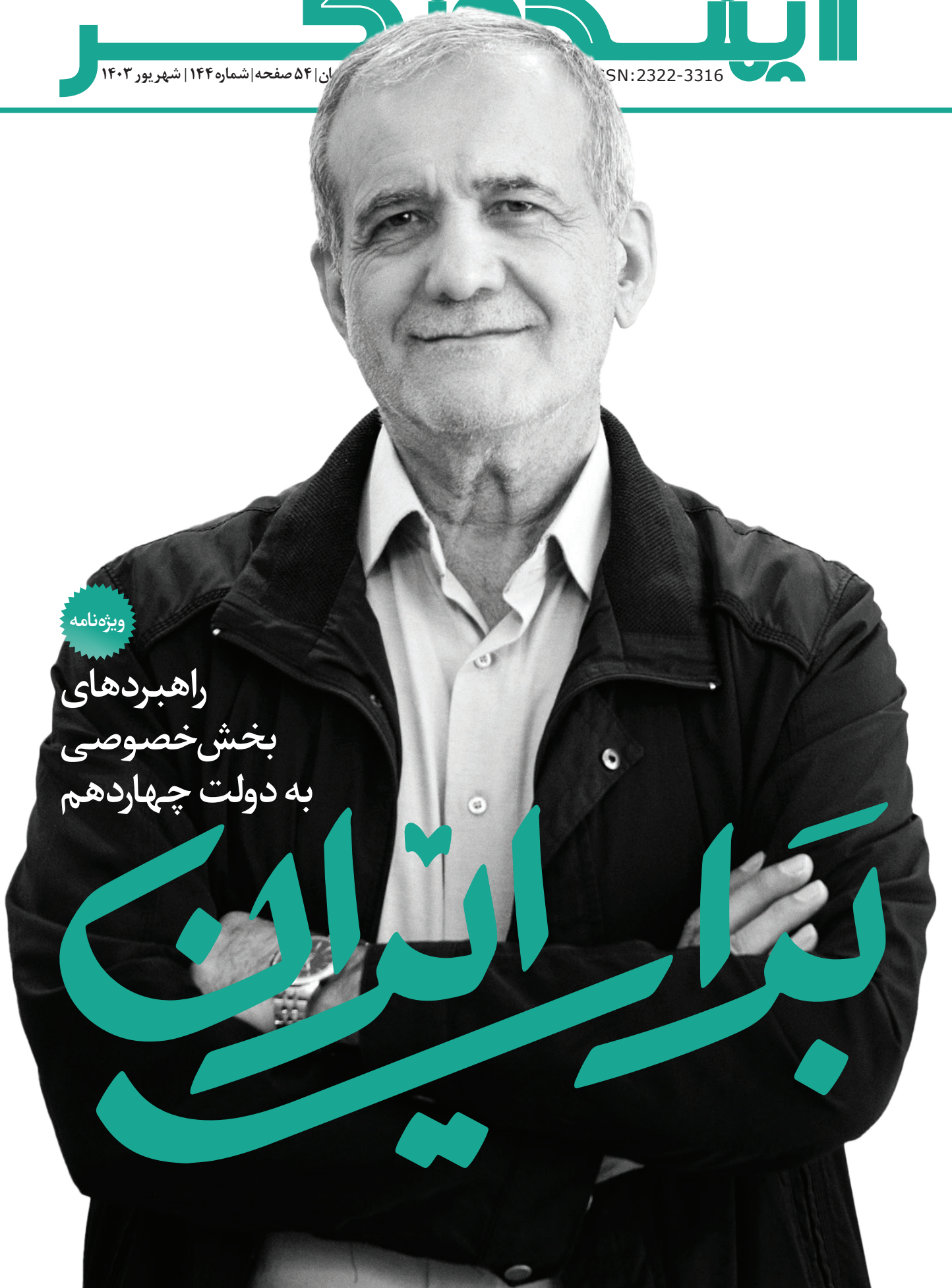

ویژه‌نامه

راهبردهای
بخش خصوصی
به دولت چهاردهم

برای ایران



داشتن کارت عضویت اتاق بازرگانی تهران چه کمکی به کسب‌وکارها می‌کند؟

مزایای گرفتن کارت عضویت اتاق تهران

- ثبت برند، شرکت و تغییر آن
- صدور ویزای تجاری
- دریافت مشاوره رایگان
- اعزام هیات تجاری به کشورهای خارجی
- برقراری ارتباط با بازرگانان خارجی
- دریافت خدمات بیمه و بیمارستان بازرگانان
- استفاده از خدمات حل‌اختلاف و داوری
- اطلاع از اخبار، دریافت کتاب و نشریات تخصصی

مدارک مورد نیاز برای اشخاص حقیقی

- داشتن حداقل ۲۰ سال سن
- کارت ملی و شناسنامه
- امضا تعهدنامه منشور عضویت
- داشتن مدرک تحصیلی حداقل دیپلم
- پرداخت حق ورودی و حق عضویت سالانه
- پروانه فعالیت اقتصادی

یا معرفی‌نامه از پارک علم‌وفناوری و مراکز رشد
یا گواهی ثبت در دفتر تجاری از حوزه مربوطه

مدارک مورد نیاز برای اشخاص حقوقی

- داشتن حداقل ۲۰ سال سن
- کارت ملی و شناسنامه
- امضا تعهدنامه منشور عضویت
- داشتن مدرک تحصیلی حداقل دیپلم
- پرداخت حق ورودی و حق عضویت سالانه
- ارائه روزنامه تاسیس شرکت تا آخرین تغییرات
- ارائه کلیه صفحات اساسنامه شرکت
- پروانه فعالیت اقتصادی

یا معرفی‌نامه از پارک علم‌وفناوری و مراکز رشد
یا گواهی ثبت در دفتر تجاری از حوزه مربوطه

چطور بیمه تکمیلی با تخفیف و قسطی بگیریم؟

چه کسانی می‌توانند این بیمه را بگیرند؟

یک نفر هستید، یک کسب‌وکار کوچک دارید
یا صاحب یک شرکت بزرگ هستید.

می‌توانید با تخفیف و قسطی از خدمات بیمه تکمیلی اتاق بازرگانی تهران استفاده کنید.

بیمه تکمیلی درمان برای اعضای اتاق بازرگانی تهران

- **بدون محدودیت تعداد برای اعضای حقوقی**
- **بیمه انفرادی برای اعضای حقیقی**
- **امکان پرداخت قسطی**

در اغلب شرکت‌های بیمه امکان دریافت بیمه تکمیلی درمان برای واحدهای کوچک وجود ندارد، اما با همکاری اتاق بازرگانی تهران با بیمه آسیا این امکان برای کسانی که کارت عضویت اتاق را دارند وجود دارد. واحدهای اقتصادی کوچک هم می‌توانند برای اعضای خود بیمه تکمیلی دریافت کنند

دیگر خدمات بیمه‌ای ویژه اعضای اتاق تهران

- **بیمه ثالث: تقسیط بلندمدت**
- **بیمه آتش‌سوزی: فقط ۱۱۹ هزار تومان**
- **بیمه بدنه: تا سقف ۲۵٪ تخفیف + تقسیط بلندمدت**
- **بیمه باربری: تا سقف ۲۵٪ تخفیف + تقسیط بلندمدت**
- **بیمه مکمل بازنشستگی: امکان پرداخت ماهانه**
- **کارت اختصاصی باشگاه مشتریان بیمه‌ای اتاق تهران**

اطلاع از خدمات: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
توئیتر: twitter.com/TCCIM اینستاگرام: instagram.com/TCCIM.pr
تلگرام: t.me/TehranChamber آپارات: www.aparat.com/TCCIM
کدپستی: ۱۵۱۱۹۱۷۶۱۳ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۸۱۸

آینده‌نگر

شماره ۱۴۴ . شهریور ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

مدیرمسئول: مسعود خوانساری — رئیس شورای سیاست‌گذاری: محمود نجفی‌عرب

شورای سیاست‌گذاری: بهمن عشقی، مصطفی درویشی، ابراهیم بهادرانی، فریدون وردی‌نژاد
شهاب جوانمردی، رامین خسروخاور، عطاالله اشرفی‌اصفهانی

سردبیر: بهراد مهرجو — معاون سردبیر: ولی خلیلی

تحریریه: محمد عدلی، کاوه شجاعی، فرزانه سالمی، سعید ارکان‌زاده، آرش پورابراهیمی، لیلا ابراهیمیان
نسیم بنایی، متین‌دخت والی‌نژاد، مریم بابایی، فاطمه صدقی، فاطمه برزگر، مریم رحیمی، زهرا بارانی

پادکست: کریم نیکونظر

آتلیه طراحی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده — ویراستاری: بابک آتشین‌جان

ویرایش عکس: علیرضا لاجورد — ناظر فنی: هانی شمس

مخاطبان ماهنامه آینده‌نگر می‌توانند، دیدگاه‌ها و انتقادات خود را از طریق پست الکترونیک و همچنین شماره تلفن‌های تحریریه با ما در میان بگذارند.

Email: ayandehnegarmag@gmail.com — www.tccim.ir

نشانی: خیابان خالد اسلامبولی، روبه‌روی خیابان ۲۱، پلاک ۸۲
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
تلفن امور اشتراک: ۱۸۶۶

چاپ: هم‌میهن فارس — تلفن: ۴۶۸۹۶۳۳۰

برای دریافت اشتراک

آینده‌نگر

با شماره

۱۸۶۶

تماس بگیرید



بسم الله الرحمن الرحیم

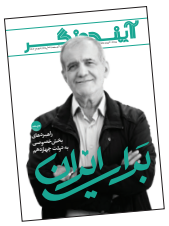

۴ **توجه به مسائل اصلی به جای حاشیه‌های فرعی**
محمود نجفی عرب

۶ **۱۴ وعده اقتصادی پزشکیان**

۱۰ **عبور از بحران**
راهبردهایی برای اقتصاد دولت چهاردهم

۲۱ **مطالبه از رئیس‌جمهور**
عباس آرگون

۲۲ **پابند وعده‌ها باشید**
سیدمرتضی حاجی‌آقامیری

۲۳ **سنگلاخ راه‌ها**
پیمان سنندجی

۲۴ **لزوم تجدید ساختار**
سعید تاجیک

۲۶ **دولت در بازار دخالت نکند**
مهراد عباد

۲۷ **استهلاک دارویی**
محمد عبده‌زاده

۲۸ **بخش خصوصی را نادیده نگیرید**
محمدرضا غفراللهی

۲۹ **در انتظار جراحی اقتصادی**
هرویک یاریجانیان

۲۹ **تحول اقتصادی**
شهاب جوانمردی

۳۰ **تعامل در تجارت**
ایرج رهبر

۳۰ **بحران شهرسازی**
رامین گوران

۳۱ **بازنگری در فیلترینگ**
فرزین فردیس

۳۲ **رنج اقتصاد ایران**
علی نقیب

۳۳ **مسیر پرپیچ وخم توسعه مسکن**
سهیل آل‌رسول

۳۶ **فیلترینگ، سدی مقابل توسعه**
مازیار نوربخش

۳۷ **نیاز اساسی به تدوین استراتژی توسعه**
علیرضا کلاهی صمدی

۳۸ **نفت‌سوزی**
رضا پدیدار

۴۰ **احیای رابطه دولت و بخش خصوصی**
مهرداد صابری

۴۱ **شرط خروج از رکود**
احمدرضا فرشچیان

۴۱ **عاقبت ناترازی**
حمیدرضا صالحی

۴۲ **بخشنامه‌های تشویقی به جای تنبیهی**
محمدرضا بهرامن

۴۳ **توسعه بخش معدن با اختلال مواجه است**
سجاد غرقی

۴۳ **اقتصاد ایران نیازمند استراتژی بلندمدت است**
قدیر قیافه

۴۴ **چالش‌های آبی**
حسن فروزان‌فرد

۴۴ **دردهای اقتصادی**
داوود رنگی

۴۵ **گردش مالی واحدها مختل شده است**
مریم تاج‌آبادی ابراهیمی

۴۶ **در اهمیت یافتن زبان مشترک**
محسن خلیلی

۴۷ **دولت چهاردهم و زایشی تاریخی**
حسین حقگو

۴۹ **در طلب از منتخب**
پریسا مطرانلویی

مروری بر متن حکم تنفیذ چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران

ایران، عقلانیت، متانت

رهبر انقلاب اسلامی: اینجانب به پیروی از ملت بزرگ، رأی آنان به جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان را تنفیذ و ایشان را به ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب میکنم.

ویژگی چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری



برگزاری با آرامش در شرایط دشوار به همت مردم و مسئولان

یکی از افتخارات ملت ایران

برگزاری پس از دوره‌ی ناتمام‌مانده‌ی رئیس‌جمهور فقید شهید



نشانه استقرار نظام پایدار اسلامی

نشانه عقلانیت و متانت فضای سیاسی کشور



خصوصیات رئیس جمهور منتخب

فرزانه — صادق — مردمی — دانشمند

شرط تداوم تنفیذ رهبری

تداوم پیمودن صراط مستقیم اسلام و انقلاب

۷ مرداد ۱۴۰۳

KHAMENEI.IR



اقتصاد؛ اولویت دولت چهاردهم

هشت توصیه

رهبر انقلاب اسلامی در مراسم تنفیذ حکم چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳/۰۵/۰۷)، توصیه‌هایی را برشمردند که در این اطلاع‌نگاشت مرور می‌شود.

توصیه‌هایی به مسئولان و مردم

۱. استفاده از ظرفیت صاحبان فکر، ابتکار و تجربه

۲. ورود مجاهدانه در میدان و اجتناب از کنترل از راه دور کارها

۳. تعامل ارکان کشور و جدی گرفتن جلسات رؤسای سه قوه

۴. اولویت دادن به مسائل اقتصادی و بهبود معیشت مردم

۵. ادامه پیدا نکردن دوقطبی سازی‌ها و دلخوری‌ها در مجادلات انتخاباتی

۶. تکیه به توان داخلی و متوقف نکردن مسئله داخلی به یک موضوع خارجی

توصیه‌هایی درباره مسائل سیاست خارجی

۷. برخورد فعال و اثرگذاری در حوادث جهانی و منطقه‌ای

۸. رعایت اولویت‌ها در ارتباطات خارجی

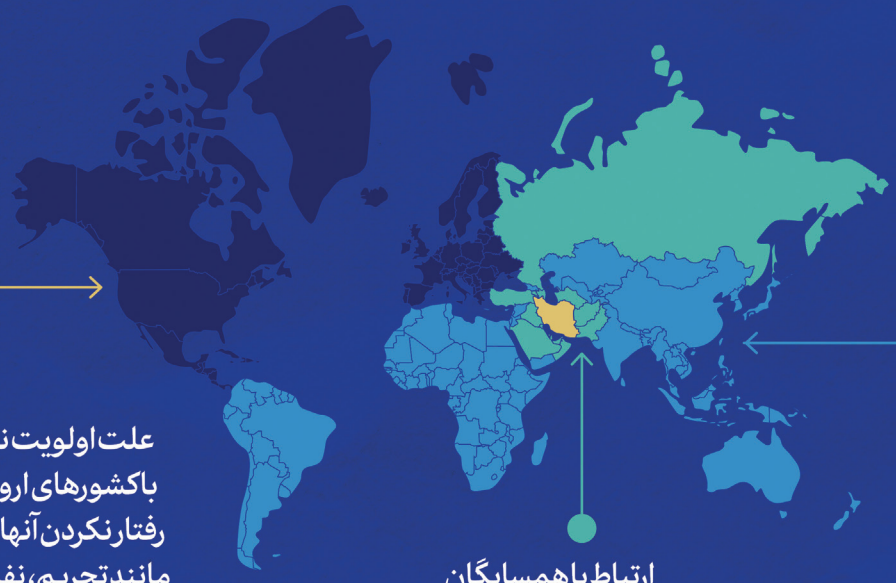

KHAMENEI.IR



مقام معظم رهبری:

بخش خصوصی توانا و قدرتمند است

آن حقیقتی که انسان به طور روشن مشاهده می‌کند، این است که بنگاه‌های تولیدی بزرگ کشور ما، در طول سال‌های متعدّد، رشد چشم‌گیری داشـــته‌اند. این رشد چشم‌گیر از سوی بخش خصوصی ــ این بنگاه‌هایی که گفتم، منظورم بنگاه‌های بخش خصوصی است ــ خیلی پُرمعنا است؛ این نشان‌دهنده‌ی وجود یک بخش خصوصی توانا و قدرتمند در کشور است و این خبر مهمّی است؛ چرا؟ چون این رشد و پیشرفت و کارهایی که انجام گرفته، همه در شرایط تحریم انجام گرفته و علاوه بر اینکه در این میان، بعضی از دوره‌ها هم دوره‌های کم‌کاریِ دولت‌ها بودهــ دهه‌ی ۹۰ دهه‌ی پیشرفت خیلی خوبی برای ما نبود ــ امّا درعین‌حال این کارها انجام گرفته. این نشان‌دهنده‌ی اینَ است که در شرایط کنونی کشور، بخش خصوصی ما قادر است کشور را به آن چیزی که مطلوب برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی هفتم است، یعنی رشد [اقتصادی] هشت درصد برساند؛ یعنی مشاهده‌ی این کاری که دارد انجام می‌گیرد و حرکتی که دارد انجام می‌گیرد، انسان را واقعاً امیدوار می‌کند به اینکه ما بتوانیم به رشد مورد نظر برسیم.

بیانات رهبر انقلاب در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی

۱۴۰۲/۱۱/۱۰

عکس: khamenei.ir

توجه به ۲۶ اصل برای بهبود وضعیت اقتصاد ملی

توجه به مسائل اصلی به‌جای حاشیه‌های فرعی



محمود نجفی عرب
رئیس اتاق تهران

دولت با بیم و امید سر کار آمده است. وضعیت عمومی اقتصاد ایران شرایط مطلوبی ندارد و دولت باید با گذر از تنگناهای بسیار شرایط موجود را به موقعیت مطلوب تبدیل کند. به‌خصوص این‌که وضعیت معیشتی مردم هم موجب بروز نارضایتی‌های بسیاری در میان آحاد جامعه شده است.

به این وضعیت ناپایداری‌های بسیار مانند وجود ناترازی انرژی به همراه خاموشی‌های گسترده در صنایع را باید اضافه کرد. همزمان فشار ناشی از تحریم‌ها به‌شدت افزایش پیدا کرده و همین جریان موجب بروز نگرانی‌های شدید در مورد آینده تجارت خارجی کشور شده است. ضمن آن‌که در حال حاضر هم شرایط تراز تجاری حالت مطلوبی ندارد.

اما همه اینها موانع و مشکلاتی است که دولت چهاردهم پیش از قبول مسئولیت و حضور در عرصه انتخابات هم از آن آگاهی داشته‌است. آنچه امروز اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، انجام اقدامات فوری برای رفع برخی نارسایی‌ها و ارائه این پیام به جامعه است که مسیر اقتصادی به سمت بهبود پیش می‌رود.

دستیابی به هر موفقیتی در اقتصاد و جامعه ایران بدون اتحاد ملی ممکن نیست. به همین دلیل توصیه اصلی و مهم به همه جناح‌های سیاسی این است که طی این مدت از هر نوع اختلاف یا پرداختن به مسائل سیاسی فرعی پرهیز کنند و اجازه دهند دولت با وحدت و استفاده از نیروی تمام نخبگان کشور در مسیر اصلاح اقتصاد ملی پیش برود. پرهیز از سیاست‌های عوام‌زده و به‌خصوص توجه به اصل تصمیم‌گیری براساس منافع ملی به جای انواع و اقسام منفعت‌های سیاسی می‌تواند مهم‌ترین رکن رفتاری دولت در حوزه اقتصاد باشد.

مقام معظم رهبری با انتخاب شعار سال، هدف و نقشه راه را به‌درستی ترسیم کرده و اکنون دولت باید با توجه به معنای واقعی این شعار، مسیر بهبود را با سرعت و دقت طی کند. البته با توجه به وضعیت عمومی اقتصاد ایران، حرکت به سمت اصلاحات بزرگ شاید در کوتاه‌مدت ممکن نباشد ولی دولت می‌تواند با تعریف برخی اقدامات کوچک و ممکن، شرایط را به حالت طبیعی بازگرداند و پس از آن به سمت اجرای ایده‌های اصلی پیش برود.

انجام اصلاحات اقتصادی به نفع بهبود شرایط عمومی کشور مهم‌ترین اقدام دولت حداقل طی ۱۰۰ روز آینده به شمار می‌آید.

بهبود توان اقتصاد رقابت‌پذیر و هم‌پیوندی با اقتصادهای جهانی هم اقداماتی است که بدون توجه به آنها نمی‌توان انتظار تغییر شرایط را داشت. اما با اصل قراردادن این مفاهیم می‌توان ضمن عبور از خاکریزهای اولیه، به سمت توسعه بلندمدت و پایدار گام برداشت.

در این مسیر باید دقت داشت که سرفصل مسائل نباید از یاد برود. آنچه دولت می‌تواند در ماه‌های آینده به آن توجه کند چنین است:

۱ مقابله با بی‌ثباتی قوانین و مقررات
۲ عمل مسئولان به وعده‌ها
۳ تقویت تولید ملی
۴ جلوگیری از بسط دیوان‌سالاری کم‌تجربه و غیرکارشناسی
۵ تقویت جایگاه بخش خصوصی
۶ بازگشت دولت به جایگاه تنظیم‌گری به جای تصدی‌گری
۷ تلاش در جهت رفع تحریم‌ها و کاهش هزینه‌های مبادلات تجاری
۸ تقویت دیپلماسی اقتصادی کشور به‌خصوص با کشورهای منطقه
۹ کاهش وابستگی به منابع نفتی و کوچک‌سازی دولت
۱۰ کاهش دامنه نفوذ و فعالیت شرکت‌های شبه‌دولتی
۱۱ مبارزه جدی با فساد از طریق برخورد با علل به جای معلول
۱۲ تقویت سرمایه اجتماعی در تمام سطوح
۱۳ توجه به انتصاب مدیران کارآمد و متخصص
۱۴ تقویت جذب منابع و سرمایه‌های جدید داخلی و خارجی
۱۵ اتخاذ راهکارهایی برای جلوگیری از استهلاک سرمایه
۱۶ تلاش در جهت حفظ نخبگان در کشور و ایجاد مزیت برای آنان به جهت انجام انواع فعالیت‌های اقتصادی در ایران
۱۷ کنترل تورم
۱۸ ایجاد انضباط مالی در دولت به‌خصوص از طریق کاهش میزان کسری بودجه
۱۹ تلاش در جهت بهبود وضعیت اشتغال کشور
۲۰ کنترل نرخ رشد نقدینگی
۲۱ انجام اصلاحات اساسی در حوزه‌های پولی، ارزی و مالی
۲۲ اصلاح نظام ارزی و حذف ارز چندنرخی
۲۳ بهبود نظام حکمرانی و حرکت به سمت اصل حکمرانی مطلوب
۲۴ حذف نظام اقتصاد دستوری و به‌خصوص قیمت‌گذاری دستوری
۲۵ بسط شفافیت و ایجاد محیط رقابت‌پذیر در اقتصاد ایران
۲۶ اصلاح نظام مالیاتی، بانکی و بیمه‌ای.

در صورتی که دولت با اجماع عمومی و استفاده از تمام ظرفیت‌های کشور بتواند مسیر دستیابی به رشد پایدار را تسهیل کند، به طور حتم موقعیت اقتصادی کشور نیز دگرگون می‌شود.

مسعود پزشکیان درباره چالش‌های اقتصادی و راه حل‌های عبور از مشکلات چه می‌گوید

۱۴ ایده اقتصادی

۱ اجرای سیاست‌های کلی و قانون برنامه هفتم

رئیس جمهور قرار نیست برنامه جدیدی بنویسد و سیاست جدیدی در کشور اجرا کند بلکه سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری روشن و مشخص است و برنامه‌های توسعه نیز وجود دارد بنابراین هر دولتی که سر کار آمد باید برنامه‌های موجود را عملی و اجرایی کند.

۲ حذف قیمت گذاری دستوری

مگر می‌شود وقتی قیمت نهایی یک محصول برای تولیدکننده ۱۰ واحد (برای نمونه) تمام می‌شود، به او دستور بدهیم که با قیمت ۸ واحد محصول خود را به فروش برساند و اینکه الان قیمت در کارخانه‌های خودروسازی و بازار آزاد متفاوت است، به خاطر دستوری بودن اقتصاد است.

۳ تک‌نرخی کردن ارز

به دنبال ارز تک‌نرخی هستم و ارز ترجیحی را صرفا به کالاهای اساسی اختصاص خواهم داد.

۴ سیاست گذاری قیمت بنزین

اگر قرار است قیمت بنزین افزایش پیدا کند، باید خودروهای کم مصرف و با کیفیت وارد شوند تا مردم مجبور به خرید خودروهای پرمصرف داخلی نباشند. همچنین باید مردم اعم از شهری و روستایی (حتی کسانی که خودرو ندارند) از یارانه بنزین بهره‌مند شوند.

۵ کاهش تورم

تورم را دولت ایجاد می‌کند. عامل تورم و گرانی دولت است. گرانی ربطی به مردم ندارد. یکبار شب جیب از پول مردم بر می‌دارد و یک بار از آنها مالیات می‌گیرد. طرف می‌خوابد صبح بیدار می‌شود متوجه تورم می‌شود و دولت از همان تورم دوباره مالیات می‌گیرد. با تورم دو بار جیب مردم خالی می‌شود. یک بار جیب طرف خالی می‌شود و یکبار هم از داشته فرد مالیات گرفته می‌شود. دولت باید اینها را حل کند.

۶ کوچک سازی دولت و خصوصی سازی

۸۵ درصد اقتصاد دولتی است. وقتی مبارزه با فساد رخ می‌دهد که دیوان‌سالاری و تعارض منافع نباشد؛ در این صورت همه چیز شفاف می‌شود. بنابراین، بزرگ‌ترین فساد در کشور ناکارآمدی است و دیوان سالاری و فساد و ضعف در اقتصاد در این جا رخ می‌دهد.

۷ تداوم پرداخت یارانه به دهک‌های پایین

باید به دهک‌های کم برخوردار یارانه پرداخت کرد. عدم توزیع عادلانه ثروت در کشور عامل اصلی افزایش فقر است.

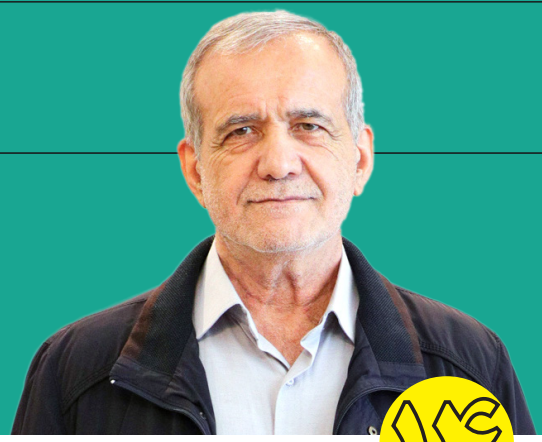

پزشکیان

۸
برداشتن تحریم‌ها و پیوستن به FATF:
باید مشکلات بین‌المللی کشور را حل کرد و برداشتن تحریم‌ها باید از اولویت‌ها باشد. همچنین باید بعد از گذشت بیش از ۱۰ سال به موضوع FATF پایان داد. علت قاچاق، زمین‌خواری، رانت و رشوه عدم اجرای FATF است. علت گم شدن پول در کشور به دلیل عدم شفافیت در داده‌ها است.

۹
متناسب سازی حقوق با تورم
تفاوت میان نرخ دستمزد و تورم چشم‌گیر است. در شرایطی به کارگران و کارمندان حقوق پرداخت می‌شود که تورم ۴۰ درصد است اما در بهترین شرایط افزایش حقوق‌ها تنها ۲۰ درصد است. کسری بودجه دولت عامل ایجاد تورم و خالی شدن جیب مردم است، اگر حقوق‌ها متناسب با تورم رشد کند، مشکل اجاره‌نشینی نیز حل خواهد شد.

۱۰
مدیریت هزینه‌های دولت
بدهی دولت به بانک مرکزی از آغاز سال ۱۴۰۰ تا بهمن از ۱۱۵ همت به ۳۰۲ همت رسیده است یعنی ما ۱۸۷ همت افزایش بدهی داریم؛ همچنین بدهی دولت به بانک‌ها از همان سال از ۴۱۶ همت به ۸۱۹ یعنی نزدیک به دو برابر رسیده است باید هزینه‌های دولت مدیریت شود.

۱۱
تهیه گزارش جامع رانت‌های اقتصادی
به شما قول می‌دهم گزارشی از انواع رانت‌ها که در کشور توزیع می‌شود و جز فساد و نابرابری و بی‌اعتمادی تولید نمی‌کند به مردم ارائه کنم.

۱۲
حل مساله ناترازی انرژی
الان که ما در دنیا در زمینه گاز و نفت جمعا اول هستیم در زمستان گاز نداریم به مردم بدهیم و تابستان نیز برق آنها را قطع می‌کنیم. قطر، عمان، امارات و کویت در میادین مشترک سهم خود را می‌برند اما ما اصلا عین خیالمان نیست.

۱۳
تقویت معیشت کشاورزان و روستائیان
دسترنج روستاییان کشاورزان عشایران و قومیت‌های کشور در معرض سوء استفاده رانت‌خواران و دلالان است. آمده‌ام تا اطمینان حاصل کنم ضمن ارتقاء سطح بهداشت و آموزش آنان رابطه مستقیم این اقشار و بازار محصولاتشان برقرار شود.

۱۴
حمایت از بخش خصوصی
هر اقدامی که در توان من باشد، برای هموار شدن مسیر تولید و توسعه اقتصادی انجام خواهم داد. دولت چهاردهم بستر توسعه اقتصادی را با همکاری خود بخش خصوصی فراهم خواهد کرد.



نگاه رئیس‌جمهور به فعالان بخش خصوصی

بخش خصوصی با دولت همکاری کند

در جریان مناظره‌های انتخاباتی و دیدارهایی که مسعود پزشکیان با فعالان بخش خصوصی داشت، قول‌هایی به آن‌ها داد و از اهمیت بخش‌خصوصی در کشور گفت که مهم‌ترین آن‌ها را بازخوانی می‌کنیم:

۱

بدون مشارکت بخش خصوصی ره به‌جایی نمی‌بریم.

۲

باید اتاق فکری تشکیل شود و در آن دولت از نگاه و تجربه بخش خصوصی استفاده کند و من هم می‌توانم این مسیر را در دولت پیگیری کنم.



۳

شما به‌عنوان بخش خصوصی با دولت همکاری کنید و نقشه حرکت آینده را بکشید، از دانشگاه کمک بگیرید و از تجربه خارج هم استفاده کنید.

۴

بخش خصوصی باید در انتخاب وزیر صنعت، معدن و تجارت کمک کند؛ اما خودش هم باید کار کند.

۵

دولت و بخش خصوصی با هم می‌توانند مشکلات را حل کنند. حل مشکلات و تغییر یک فرایند دفعتاً ممکن نیست. بدون طی مراحل، حل مسئله ممکن نیست.

راهبردهایی برای اقتصاد دولت چهاردهم

عبور از بحران

تقریبا در تمامی دولت‌های گذشته، سیاست‌گذاری بلند مدت و کلان اقتصادی به منظور تغییرات ساختاری در اقتصاد ایران، با ناکامی مواجه بوده است و آنچه فضای غالب سیاست‌گذاری را قبضه نموده، سیاست‌گذاری‌های مناسبتی و اقتضایی بوده است. به عبارتی فعالان اقتصادی یا به دلیل وابستگی اقتصاد به نفت، در معرض شوک‌های خارجی قرار داشتند و یا به دلیل عدم وجود برنامه‌ای هدفمند و قابل اجرا، در معرض تصمیمات خلق الساعه قرار دارند. فضایی که قربانی اصلی آن، تولید و در نتیجه اشتغال و رفاه عمومی است.

مقدمه

دهه هاست که منابع حاصل از نفت و گاز، ساختار اقتصاد و سیاست ایران را تحت تاثیر قرار داده است و نقش اساسی در تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران داشته است. آثار ناشی از این منابع در اقتصاد، صرفا به شکل حجم منابع ارزی و ریالی وارد شده به بودجه عمومی دولت، قابل اندازه‌گیری نیست. ارزش فرآورده‌های نفت و گاز در داخل (به شکل مصرف نهایی توسط خانوار و به ویژه مصرف واسطه توسط بخش‌های حمل و نقل، کشاورزی، صنعت و معدن و خدمات) با قیمت‌های دستوری نیز در چرخش چرخ‌های اقتصاد ایران در پنج دهه اخیر اهمیت بسیار داشته است.

جریان منابع آشکار و ضمنی نفت و گاز ضمن آنکه شاخص‌هایی مانند دسترسی به آموزش و بهداشت و درآمد سرانه نسبتا بالا و دسترسی به تسهیلات عمومی(مانند آب و برق و گاز) را در دوره طولانی نسبت به میانگین جهانی افزایش داد،

چکیده مشکلات و راهکارها

موضوع	چالش	راهکار
فقدان سند استراتژی توسعه صنعتی و ناتوانی در شناسایی و حمایت از صنایع پیشران	تخصیص منابع به سمت صنایعی که تأثیرگذاری چندانی بر تحول ساختار صنعتی کشور و ارتقاء فناوری و قابلیت‌های صنعتی نداشته‌اند شکل‌گیری تعداد بیشماری واحد تولیدی با مقیاس‌های کوچک و کم بازده به دلیل حمایت‌های غیرهدفمند از برخی صنایع طی سالیان گذشته	ارتقای نظام حکمرانی به عنوان پیش‌نیاز تدوین و اجرای برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت توجه به اصل اولویت‌بندی در تدوین سند استراتژی توسعه صنعتی به معنای برگزیدن تعداد محدودی صنایع پیشران تمرکز بر مناطق جدیدی از جمله هند و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس ضمن توجه به سایر مناطق به منظور پیوند با زنجیره های ارزش جهانی و منطقه ای تنظیم برنامه عملیاتی برای تامین مالی و تجهیز زیرساخت‌های فناورانه برای افزایش مشارکت در زنجیره‌های ارزش منطقه ای و جهانی
تنگناهای ساختاری بخش تولید	عدم توفیق بانک‌ها در هدایت جریان نقدینگی به سمت فعالیت‌های تولیدی و مولداقتصادی پرهزینه‌تر شدن واردات نهاده‌های تولیدی به دلیل نوسانات نرخ ارز کاهش قدرت تسهیلات دهی بانک ها به دلیل اعمال سیاست کنترل مقداری ترازنامه	اجتناب از سیاست های پولی و اعتباری انقباضی در شرایطی که تولیدکنندگان تحت فشارهای هزینهای شدید قرار دارند حمایت از تخصیص سهم مشخصی از منابع بانک‌ها به تامین سرمایه در گردش و سرمایه‌گذاری ایجادی و توسعه‌ای تخصیص منابع بانک‌ها به بنگاه متناسب با مقدار تولید و فروش آنها
تداوم تحریم‌ها بی‌ثباتی سیاسی نوسانات سیاست‌های ارزی	وفور آئین نامه‌ها و دستورالعمل‌های ارزی بدون اخذ نظر از فعالان اقتصادی و سختگیری‌های یک‌طرفه برای رفع تعهد ارزی بدون در نظرگرفتن شرایط تحریمی و محدودیت‌های ناشی از آن	لحاظ کردن تقویت تولید رقابت‌پذیر به عنوان معیار اصلی تعیین سیاست‌های ارزی مجزا کردن سیاست‌های مربوط به بازگشت ارز حاصل از صادرات محصولات منبع پایه از صادرات محصولات کشاورزی و صنعتی و خدمات فنی و مهندسی سازماندهی مجدد سازوکارهای واردات برخی اقلام اساسی
ساختار بودجه‌ای وابسته به منابع نفت و گاز	پاسخ‌گویی غیر موثر دولت به مردم به واسطه اتکای کمتر به مالیات عدم توان بنگاه‌ها برای تحمل فشارهای مالیاتی مضاعف به دلیل تنگناهای ناشی از تحریم	تعیین سقف سهم ریالی دولت از محل صادرات نفت و گاز طبیعی در منابع عمومی بودجه سالانه و کاهش ده درصدی آن در هر سال استفاده حداکثری از انتشار اوراق برای هزینه‌کرد در هزینه های عمرانی ایجاد یک نظام مالیاتی شفاف، عادلانه و مدرن با پایه‌های مالیاتی گسترده‌تر
سیاست‌های تجاری ناکارآمد	کاهش انگیزه و سوددهی بنگاه‌ها به دلیل مشکلات ناشی از چندنرخی بودن ارز، پیمان‌سپاری ارزی و سایر مشکلات خام فروشی و صادرات محصولات با ارزش افزوده پایین	تدوین سند توسعه تجاری کشور مبتنی بر سند توسعه صنعتی و با هدف قرار گرفتن در زنجیره‌های ارزش جهانی انطباق استانداردهای اجباری و تشویقی سازمان ملی استاندارد در حوزه صادرات و واردات با استانداردهای بین‌المللی
ناکارآمدی سیاست خارجی	اثر ناکارآمدی سیاست‌های خارجی بر دستیابی به نتایج پیش بینی شده در سیاست‌های پنج گانه قبلی	اتخاذ یک سیاست خارجی متوازن، پویا و دستاورد-محور

اما ساختار اقتصادی و سیاسی و اجتماعی را بنا گذاشت که بخشی از ویژگی‌های آن به قرار زیر است:

۱. ایجاد یک نظام اداری فربه و توزیع‌کننده و مصرف‌کننده منابع نفت و گاز که کمتر در خدمت تولید است؛

۲. عـــدم تکمیل زنجیره‌هـــای ارزش و تامین در داخل کشـــور و تعدد بنگاه‌های اقتصادی با مقیاس‌های غیربهینه در بسیاری از صنایع و تولیدات؛

۳. شـــکل‌دهی به ساختار سیاسی در دولت و مجلس که عمدتا رویکرد توزیعـــی دارند و به صورت دائمی در حال تولید توقعات جدید در ســـطح جامعه هستند و در سمت دیگر ایجاد گروه‌های رانت‌جو در بین فعالان اقتصادی؛

۴. تغییر فرهنگ مصرفی مردم و ایجاد سطح رفاهی نامتناسب با بازدهی اقتصاد ملی؛

۵. گسترش فســـاد و کاهش ظرفیت پاسخگویی دولت به‌عنوان نتیجهٔ ناگزیر یک نظام رانتی نفتی؛

۶. افول سرمایه اجتماعی به دلیل تضعیف اعتماد ملت به دولت که باعث کاهش مشارکت مردمی و ناکامی برنامه‌های کلان ملی شده است؛

۷. انزواگرایی اقتصادی و عدم احساس نیاز به هم‌پیوندی با شبکه‌های اقتصادی بین‌المللـــی و زنجیره‌های جهانی و منطقـــه‌ای ارزش به دلیل اتکاء به درآمدهای نفتی.

در طول سالیان گذشته تاکیدهای فراوانی در سطح سیاستهای کلی برنامه‌های توسعه و به‌ویژه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی برای کاهش وابستگی به نفت و جلوگیری از خام فروشی در سه دهه اخیر توسط مقام معظم رهبری انجام شد. ایشان صراحتا در بیانیه گام دوم بیان کردند که: «عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتّی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است.» متاسفانه به دلایلی از قبیل عـــدم درک اهمیت موضوع و فقدان رویکرد صحیح در انتخاب مســـیر اصلاحات، دشـــواری مسیر اصلاح و امید به جریان مجدد منابع نفت و گاز، نتیجه چندانی از این سیاستها حاصل نشد.

اگرچه در ســـه سال اخیر به مدد رشـــد تولید نفت و درآمدهای نفتی، اقتصاد رشدی حدود ۴ درصد را نشان می‌دهد، اما بررسی‌های کارشناسی حاکی از آن است که اولا این رشـــدها قابل تداوم و پایدار نیست. ثانیا رشدهای باکیفیت نیست و بیشتر متاثر از خام فروشی است و ثالثا رویکردهای سنتی همچنان در زنجیره‌های تولید حاکم است که موجب آسیب پذیری و شکنندگی کشور شده است. شایان ذکر است که کل منابع حاصل از نفت و گاز ســـهم دولت در بودجه ۱۴۰۳ حدود ۵۸۰ همت است که تقریبا یک چهارم مخارج دولت را پوشش می‌دهد. با توجه به برخی بررسی‌های کارشناسی مبنی بر نزدیک شدن به سقف تولید، به نظر تراز کردن منابع و مصارف بودجه در یک تا دو سال آینده، دشوارتر خواهد شد (حتی اگر سهم صندوق توسعه ملی نیز در حد ۲۰ درصد محدود شود). اگرچه بودجه ۱۴۰۳ در ظاهر مبتنی بر افزایش ۶۰ درصدی مالیات‌ها تراز شـــده، اما حفظ افزایش رشد اسمی مالیات‌ها در همین اندازه برای ســـال‌های ۱۴۰۴ به بعد، جز از طریق پذیرش تورم‌های بالا امکانپذیر نیست.

با توجه به نقش کلیدی رئیس جمهور در ایجاد تعامل ســـازنده میان بازیگران مختلف، این انتظار وجود دارد که در درجه اول وی بتواند قواعد بازی را به گونه‌ای تعیین کند تا بازیگران مختلف عرصه سیاســـت و اقتصاد را در جهت هدف کلان

نمودار (۱): نرخ رشد اقتصادی و نرخ رشد اقتصادی بدون نفت (درصد- سالانه)

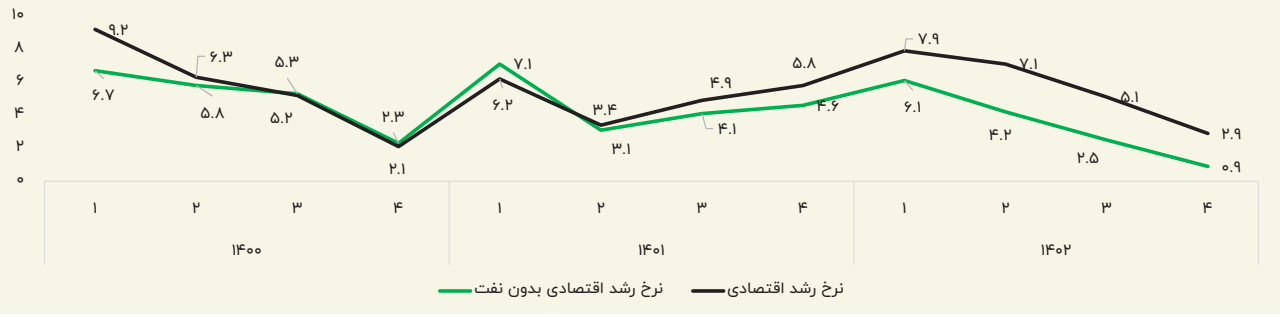

منبع: مرکز آمار ایران

نمودار (۲): نرخ رشد بخش‌های مختلف اقتصادی (درصد)

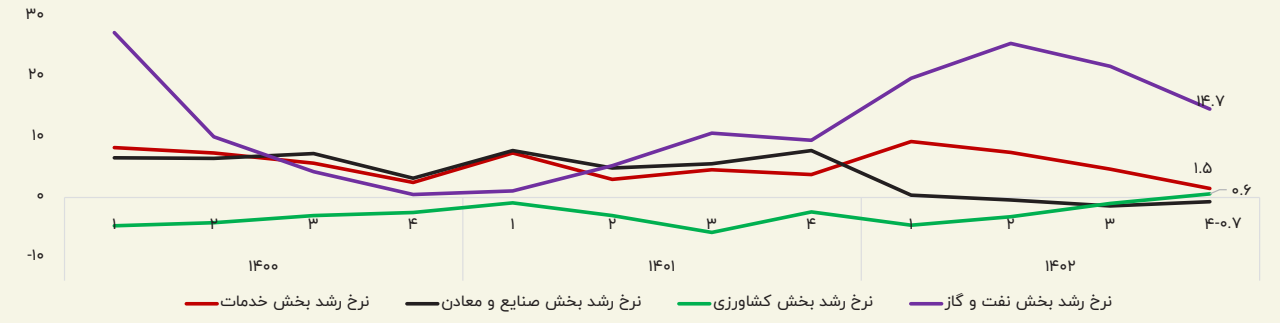

منبع: مرکز آمار ایران

توسعه کشور همراه کند. کشور امروز نیازمند تغییر رویکردها و اتخاذ سیاست‌هایی است که هم ثبات را به اقتصاد و جامعه ایران برگرداند و هم با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های کشور و همکاری سایر قوا و نهادها، ظرفیت‌های بی‌نظیر اقتصاد ایران را برای بهبود رفاه مردمان خوب این سرزمین فعال کند.

در این گزارش تلاش شـــده تا با ارائه مختصری از وضع موجود کشـــور و بیان روند برخی شـــاخص‌های کلان اقتصادی و چشم‌اندازهای متصور برای آینده آنها، تصویری کلی از مســـیر فعلی و پیش‌روی اقتصاد کشـــور ارائه و متناســـب با آن، پیشنهادهای اصلی بخش خصوصی، بیان شود.

وضعیت اقتصاد ایران

تقریبا در تمامی دولت‌های گذشته، سیاست‌گذاری بلند مدت و کلان اقتصادی به منظور تغیرات ساختاری در اقتصاد ایران، با ناکامی مواجه بوده است و آنچه فضای غالب سیاست‌گذاری را قبضه نموده، سیاست‌گذاری‌های مناسبتی و اقتضایی بوده اســـت. به عبارتی فعالان اقتصادی یا به دلیل وابستگی اقتصاد به نفت، در معرض شوکهای خارجی قرار داشـــتند و یا به دلیل عدم وجود برنامه‌ای هدفمند و قابل اجرا، در معرض تصمیمات خلق الســـاعه قـــرار دارند. فضایی که قربانی اصلی آن، تولید و در نتیجه اشـــتغال و رفاه عمومی اســـت. مروری بر وضعیت حال حاضر شاخصهای اصلی اقتصاد و روندهای حاکم بر آن در سال‌های اخیر نیز مؤید همین مسئله است.

رشد اقتصادی

در فضای نااطمینانی، تولید(به معنای تولیداتی که از خامفروشـــی فاصله دارند) شکل نمی‌گیرد. گواه این ادعا آمارهای رسمی کشور است. بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران، نرخ رشد اقتصاد در فصل زمستان ۱۴۰۲، برای سومین فصل متوالی کاهشی بوده و به ۹.۲ درصد و نرخ رشد اقتصاد غیرنفتی به ۹.۰ درصد رسیده است (نمودار ۱).

نرخ رشـــد اقتصادی برای سال ۱۴۰۲ معادل ۵. ۷ درصد و نرخ رشد اقتصادی بدون نفت، ۳. ۴ درصد اعلام شده که در مقایسه با سال گذشته، (به ترتیب ۵. ۱ و ۴. ۸ درصد برای رشـــد اقتصادی و رشد اقتصاد بدون نفت) اقتصاد با ۰. ۶ واحد

نمودار ۳: نرخ رشد تولید و فروش صنعتی بر مبنای داده‌های شرکت‌های بورسی (درصد)

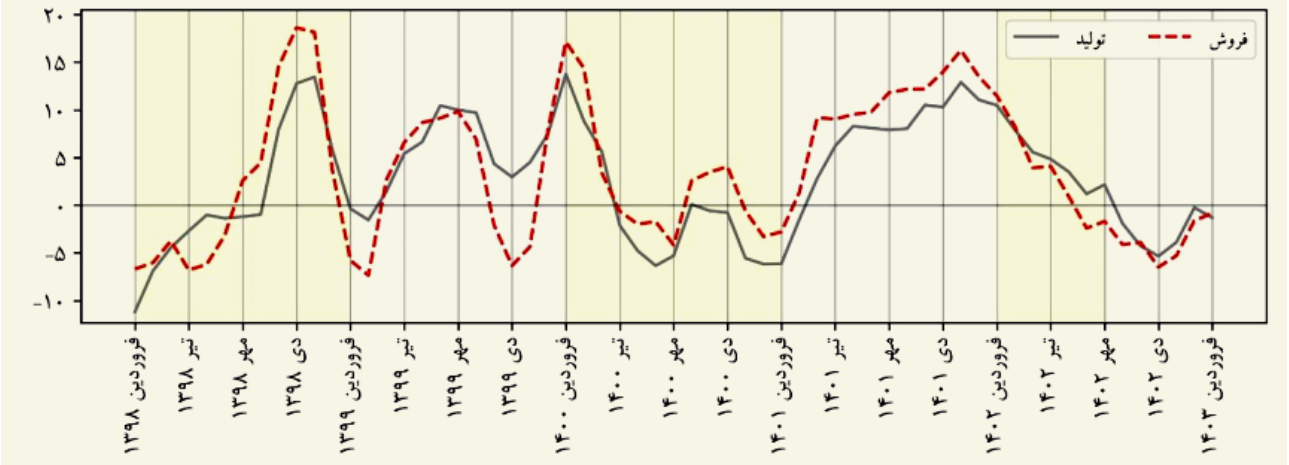

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس

نمودار (۴): روند تشکیل سرمایه ثابت خالص و ناخالص به قیمت ثابت ۱۳۹۵ (هزار میلیارد تومان)

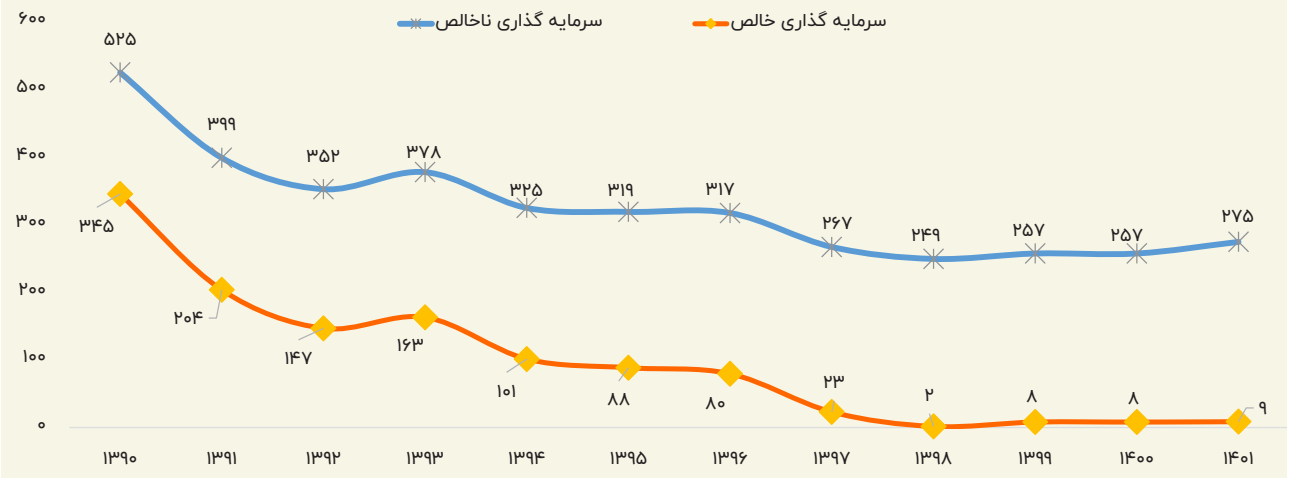

منبع: بانک مرکزی

درصد رشـــد بیشـــتر و ۱. ۴ واحد درصد رشـــد غیر نفتی کمتر مواجه بوده است (برآورد بانک جهانی نیز از رشـــد اقتصادی سال ۲۴-۲۰۲۳ برای ایران، معادل ۵ درصد بوده اســـت). بررسی‌ها نشـــان می‌دهد که افزایش نرخ رشد مخارج دولتی از ۵. ۸ درصد در پایان ســـال ۱۴۰۱ به ۱۶. ۷ درصد در ســـال ۱۴۰۲، به موازات کاهش نرخ رشد مخارج خصوصی و مخارج سرمایه‌گذاری، تاثیر به سزایی در ایجاد این نرخ رشد داشته و لذا نمی‌توان ادعا نمود که در نتیجه این رشد اقتصادی، رفاه افزایش و یا توسعه ارتقاء یافته است. محیط نامناسب در فضای کسب و کار، ناشی از عدم تنظیم صحیح قواعد و مناســـبات حکومت در ارتباط با فعالیت‌های بخش خصوصی در کنار بی‌ثباتی‌های گسترده اقتصادی و سیاسی طی چهار دهه گذشته، رشد بخش خصوصی را تضعیف کرده است.

بررســـی اجزای رشد اقتصادی در بخش‌های مختلف نیز حاکی از این حقیقت هشـــداردهنده است که در فصل زمســـتان ۱۴۰۲، بخش صنایع و معادن با رشد منفی ۰. ۷ درصد و بخش کشـــاورزی با رشد ۰. ۶ درصد مواجه بوده‌اند. در فصل مذکور بالاترین نرخ رشـــد مربوط به بخش نفت با ۱۴. ۷ درصد و پس از آن نیز بخش خدمات با نرخ رشد ۱. ۵ درصدی بوده است. (نمودار ۲).

در واقع بیشترین بهره اقتصاد از رشد صادرات در بخش نفت بوده است. منفی بودن رشد بخش صنعت و تداوم رشد کاهشی بخش نفت در کنار تداوم سیاست‌های کنترل قیمتی و افزایش نرخ‌های ســـود برای تامین مالی تولید، همچنین افزایش فشارهای مالیاتی و احتمال نوسانات رو به بالای نرخ ارز، چشم‌انداز مناسبی از روند آتی تولید و رشد اقتصادی به دست نمی‌دهد. طبق بررسی بانک جهانی، تقاضای ضعیف‌تـــر جهانی، تحریم‌های پابرجا به ویژه در حـــوزه انتقال تکنولوژی، کمبود انرژی، ســـرمایه‌گذاری اندک و تنش‌های ژئوپلیتیکی هم به تقویت این چشم‌انداز نامساعد کمک می‌کنند.

آمار تولید صنعتی بر مبنای داده‌های شرکت‌های بورسی نیز روند نزولی رشد تولید را در سال گذشته و جاری نشان می‌دهد (نمودار ۳).

آخریـــن گزارش پایش بخش حقیقی اقتصاد ایران (بخش صنعت و معدن) که

نمودار (۵): روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در بخش ماشین‌آلات و ساختمان به قیمت ثابت ۱۳۹۰ (میلیارد ریال)

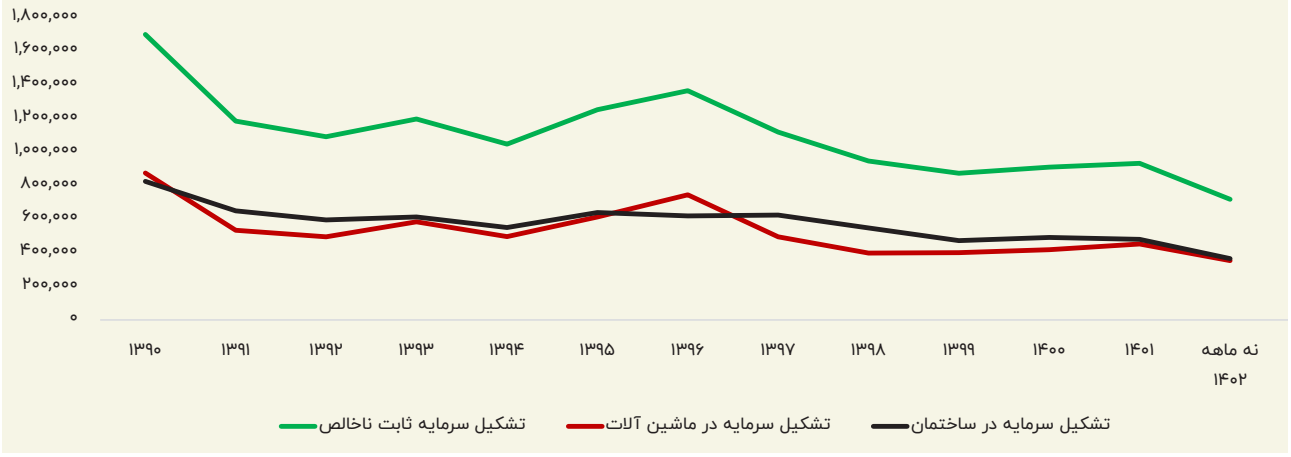

منبع: مرکز آمار ایران

نمودار ۶: نرخ تورم مصرفکننده (درصد)

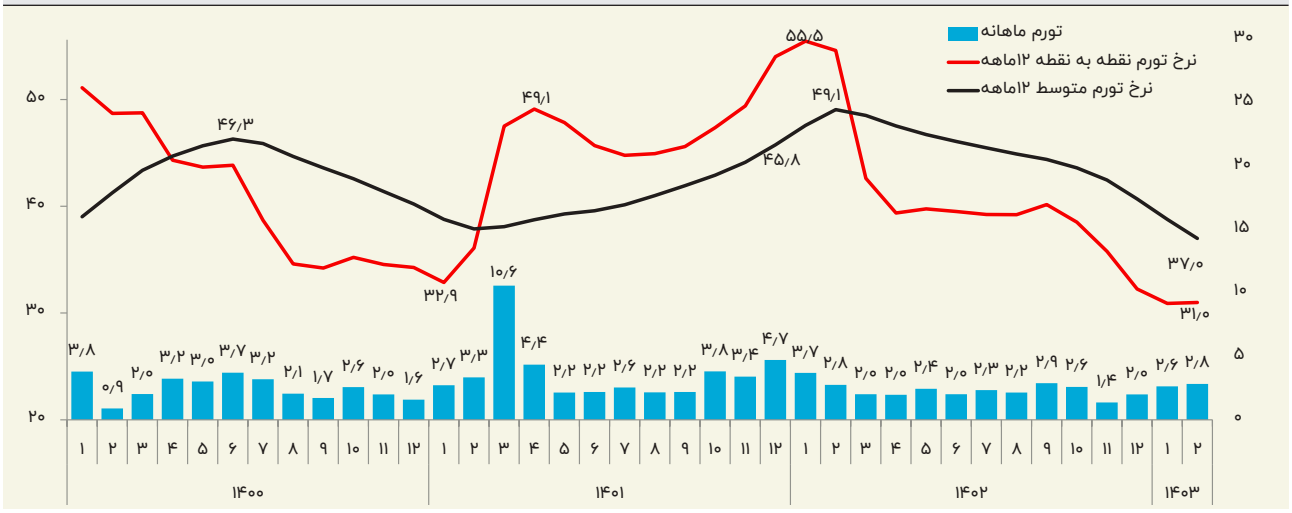

منبع: مرکز آمار ایران

توسط مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر می‌شود، حاکی از کاهش ۳.۱ درصدی شاخص تولید شرکت‌های صنعتی بورسی در سه ماهه منتهی به فروردین ماه ۱۴۰۳ است که بیانگر هشدار جدی در خصوص چشم‌انداز نامناسب تولید صنعتی در سال جاری است.

سرمایه گذاری

دستیابی به رشد پایدار، نیازمند تامین سرمایه ثابت برای سرمایه‌گذاری‌های جدید و اجرای طرح‌های توسعه‌ای بنگاه‌های تولیدی موجود است. این تشکیل سرمایه به ویژه در بخش صنعت ساخت یا تولیدات کارخانه‌ای، به واسطه نقش بی‌بدیل آن در تامین محصولات واسطه‌ای مورد نیاز سایر بخش‌های اقتصاد، اشتغالزایی، پتانسیل خلق ارزش افزوده بالا و در نتیجه رقم زدن نرخ‌های رشد باکیفیت، از اهمیت بالایی برخوردار است.

این درحالی است که بررسی روندهای تشکیل سرمایه ثابت خالص و ناخالص، نشان‌دهنده کاهش چشمگیر میزان تشکیل سرمایه ثابت در یک دهه گذشته است و افزایش تدریجی فاصله میان سرمایه‌گذاری خالص و ناخالص گویای این مهم است که بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، تنها صرف جبران استهلاک و حفظ ظرفیت‌های تولیدی شده است (نمودار ۴). روند استهلاک سرمایه در کشور رو به افزایش و سرمایه‌گذاری به قیمت ثابت رو به کاهش است؛ به طوری که در سال ۱۴۰۰، بر اساس داده‌های بانک مرکزی به قیمت ثابت ۱۳۹۵، تقریباً استهلاک سرمایه با رقم سرمایه‌گذاری جدید برابر شده است؛ به این معنی که با استمرار این روند در سال‌های آتی نه تنها استهلاک دارایی‌های موجود جبران نخواهد شد، بلکه ظرفیت جدیدی هم برای افزایش تولید ناخالص داخلی از منظر سرمایه‌گذاری ایجاد نمی‌شود.

روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ماشین آلات و ساختمان نیز طی سال‌های ۱۳۹۰ لغایت ۱۴۰۱ به ترتیب میزان ۵۶ و ۴۱ درصد کاهش یافته که بیانگر عدم اقبال سرمایه‌گذاران به حوزه تولید و به عبارتی غالب نبودن نگاه تولیدمحوری در اقتصاد است (نمودار ۵). مجموع این شواهد حاکی از این است که اقتصاد ایران در خطر فروغلتیدن در تله سرمایه‌گذاری اندک قرار دارد. از ابتدای دهه ۹۰ شمسی، در اکثر سال‌ها، رشد سرمایه‌گذاری منفی بوده و رشد موجودی سرمایه کشور - که تا حد زیادی تعیین‌کننده رشد اقتصادی است- بسیار نگران‌کننده است. بدیهی است در صورت عدم انجام اقدامی اساسی در جهت تجهیز منابع و جهش سرمایه‌گذاری در کشور، این خطر بطور جدی برای کشور

نمودار ۷: شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد

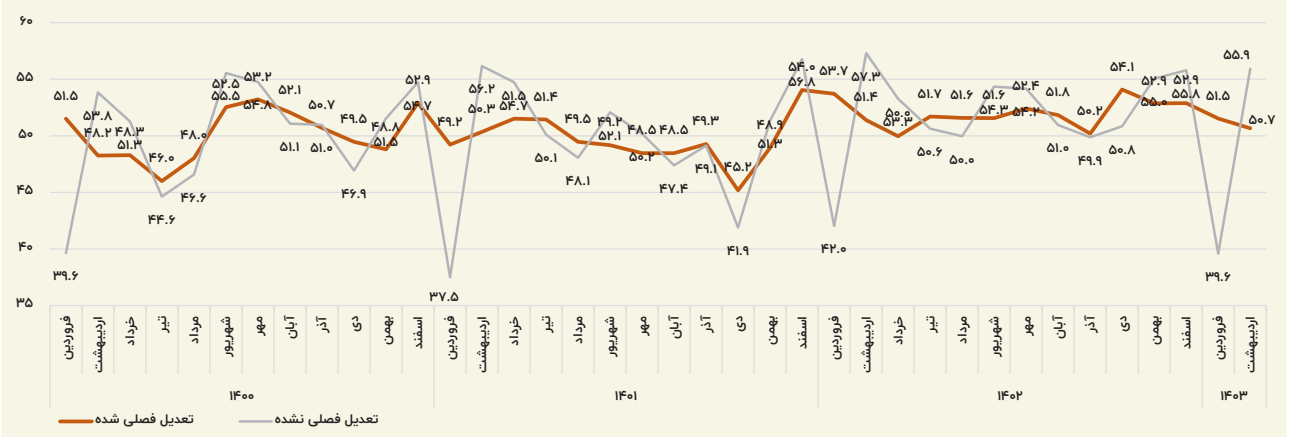

منبع: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

نمودار ۸: متوسط نرخ بیکاری و مشارکت (درصد)

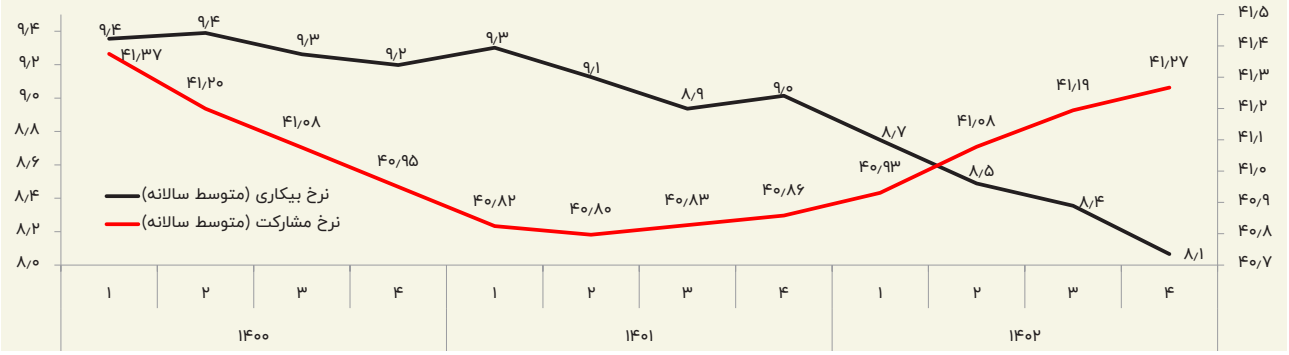

منبع: مرکز آمار ایران

وجود دارد که در یک تعادل رشد اقتصادی پایین گرفتار شود.

نرخ تورم

نرخ تورم نقطه به نقطه نیز بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران، در اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ به ۳۱ درصد و نرخ تورم متوسط به ۳۷ درصد رسیده است (نمودار ۶). اگرچه با سیاست‌های کنترل ترازنامه بانک‌ها در سال گذشته تاحدودی شاهد کاهش تورم بودیم، اما نکته مغفول ماجرا آن است که فشار وارده به بخش خصوصی ناشی از این سیاست زیاد بوده است. از نظر بخش خصوصی عدم شناسایی کانون اصلی تورم در سال گذشته، باعث قفل شدگی فعالیت بنگاه‌ها و دست درازی دولت و شرکت‌های دولتی به منابع بانکی شد. بر اساس آمارهای بانک مرکزی، متوسط نرخ رشد مانده تسهیلات بخش غیردولتی طی یک روند نزولی از ۵۲. ۷ در پایان سال ۱۴۰۰، به ۳۵. ۶ در بهمن ماه سال ۱۴۰۲ رسیده است. در مقابل متوسط نرخ رشد تسهیلات بخش دولتی از ۲۵. ۷ درصد در مدت مشابه، به ۷۱. ۱ درصد رسیده است. بر اساس گزارشات شاخص مدیران خرید(شامخ)، تورمی که در حال حاضر کشور درگیر آن است، تورم ناشی از فشار هزینه‌ها است که در اثر نوسانات و جهش‌های ارزی سال‌های اخیر به بخش تولید تحمیل شده و متعاقبا اثر خود را در تورم مصرف‌کننده گذاشته است. همچنین طبق مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته در خصوص اقتصاد ایران، کانون اصلی تورم در کشور از ناحیه نرخ ارز است که هزینه‌های تولید را افزایش داده و سازوکار خلق نقدینگی را فعال کرده است (هاشم پسران و همکاران، ۲۰۲۱).

نوسانات نرخ ارز، ادامه‌دار بودن تحریم‌ها و اثرات ناشی از نتایج انتخابات قریب‌الوقوع در ایالات متحده، همچنین احتمال تعدیل نرخ‌های ارز ترجیحی نیمایی و مبادله‌ای، احتمال تعدیل قیمت حامل‌های انرژی و افت نرخ رشد اقتصادی، چشم‌انداز کاهش تورم را دچار مخاطره کرده است.

شاخص مدیران خرید

شاخص تعدیل شده مدیران خرید کل اقتصاد (شامخ) در اردیبهشت ۱۴۰۳معادل ۵۰. ۷ برآورد شده که بیانگر بهبود اندک اقتصاد کشور نسبت به ماه قبل است (نمودار ۷). شاخص تعدیل شده «میزان تولید محصول یا ارائه خدمات» در ماه اردیبهشت نشان می‌دهد که میزان تولید کالاها و خدمات در این ماه نسبت به فروردین، با وجود اتمام تعطیلات فروردین ماه در شرکت‌ها، مشابه ماه قبل بوده است. شاخص تعدیل شده «میزان سفارشات جدید مشتریان»، شاخص تعدیل شده«موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده» و شاخص تعدیل شده «میزان فروش کالاها یا خدمات» در این ماه، همگی کاهشی و بیانگر دشوارتر شدن شرایط نسبت به فروردین است. مشکلاتی مانند نوسان نرخ ارز، کمبود نقدینگی و مشکل در تهیه مواد اولیه نیز از جمله مشکلاتی است که در ماه‌های اخیر، با تواتر بالایی از سوی فعالین اقتصادی مطرح می‌شود.

اشتغال

نهایتا میزان اشتغال بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران، در ادامه روند صعودی خود به ۲۴ میلیون و ۴۹۰ هزار نفر در فصل زمستان ۱۴۰۲ رسیده است. متوسط سالانه نرخ بیکاری نیز با حفظ روند نزولی خود به ۸. ۱ درصد در زمستان ۱۴۰۲ کاهش یافته‌است. (نمودار ۸). آنچه مسلم است تحلیل وضعیت بازار کار ایران به دلیل نوع ساختار اقتصاد، نیازمند دقت نظر بیشتری است. عمده تحولات رخ داده در وضعیت اشتغال، بیکاری و نرخ مشارکت، تحت تأثیر رشد بخش خدمات (که در ایران عمدتاً

شکل ۱: مقایسه شبکه اقتصاد ایران با سایر کشورها

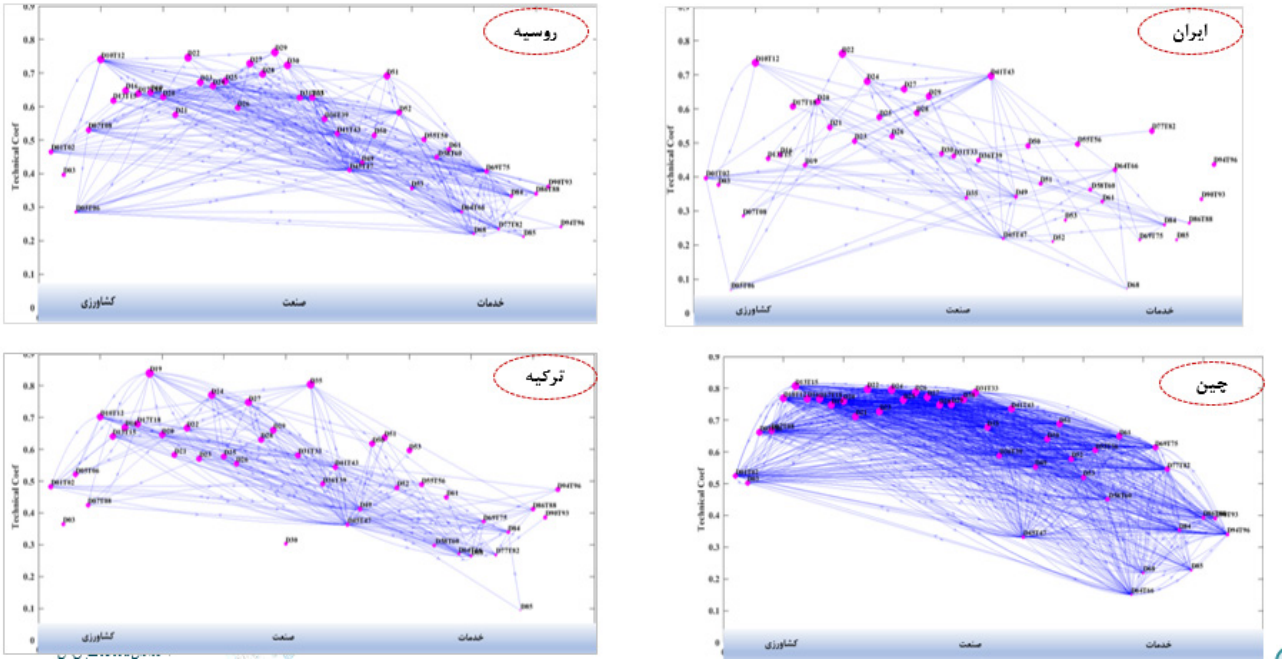

* محور افقی از چپ به راست شامل فعالیت‌های بخش کشاورزی، صنعت و خدمات است و محور عمودی ضرائب نهاده‌ها (به این معنا که هر بخش برای تولید هر یک واحد ارزش ستانده به چه میزان کالا از بخش‌های دیگر استفاده می‌کند) را نشان می‌دهد.
* ارزش زیر ۵۰۰ میلیون دلار در نمودارها دیده نشده است.

یک بخش کاربر است)، بوده است. با این وجود توجه به این نکته نیز ضروری است که به دلیل ساختارهای حاکم بر بازار کار ایران، در کنار شاخص‌های مذکور باید به نرخ اشتغال ناقص و کیفیت مشاغل نیز توجه شود. در غیر این صورت در بسیاری از مناطق کشور، نرخ پایین بیکاری با حقیقت وضعیت اشتغال در آن منطقه همخوانی ندارد.

ساختار شبکه اقتصاد ایران

فراتر از شاخص‌های کلان، نگاهی به ساختار شبکه اقتصاد ایران و مقایسه آن با کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نیز، گویای آن است که به واسطه دهه‌ها سیاست‌های ارزی، پولی، مالی و تجاری ناهماهنگ و غیرهمسو، بنیه تولیدی کشور تضعیف شده و شبکه اقتصادی بسیار ضعیف و غیردرهم تنیده‌ای ایجاد کرده است. به عبارتی دولت‌ها طی دهه‌های گذشته برنامه مشخصی برای توسعه اقتصادی کشور نداشتند، لذا ارتباط معناداری بین بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات در کشورمان وجود ندارد و حتی در مقیاس داخلی، زنجیره‌های ارزش شکل نگرفته‌اند. شبکه اقتصاد و درهم تنیدگی اقتصاد ایران شبیه کشور عربستان با مختصات خام فروشی است و کشورهایی نظیر چین، هند، ترکیه و حتی روسیه شبکه بسیار درهم تنیده‌تری نسبت به ایران دارند. به همین ترتیب نقش ایران در زنجیره ارزش جهانی نیز بسیار ناچیز است و عملا در زنجیره ارزش جهانی نقش تامین‌کننده مواد خام را به عهده گرفته و در ایجاد ارزش افزوده نقش چندانی ندارد و در نتیجه حذف آن از مراودات بین‌المللی به راحتی امکان‌پذیر شده است.

چشم‌انداز متغیرهای اقتصاد کلان در افق ۱۴۰۴-۱۴۰۰

پیش بینی مدل‌های اقتصادی درباره متغیرهایی مانند رشد اقتصادی و تورم، چیست؟ پیش‌بینی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران از متغیرهای اقتصادی که در سال ۱۳۹۹ درباره روند متغییرهای اقتصادی طی دوره ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ در دو سناریوی عدم انجام اصلاحات و انجام اصلاحات (جزئی، متوسط و اساسی) انجام شد، حاوی نکات تکان دهنده‌ای بود که ضرورت تغییر رویه در نحوه اداره کشور و سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری، را نشان می‌داد. نتایج حاصل از این سناریوسازی اذعان می‌کرد که در صورت تداوم رویه‌های موجود، شاخص‌های کلان اقتصادی تا افق ۱۴۰۴ وضعیت مناسبی نخواهند داشت.

در پیش‌بینی انجام شده که تحت سناریوی اصلاحات مطرح شد، اصلاح نظام مالیاتی و کنترل رشد هزینه‌های دولت به صورت همزمان اعمال می‌شود. در صورت عدم اجرای اصلاحات و ادامه سناریوی پایه، تورم در کل دوره ۴ ساله تا انتهای ۱۴۰۱، روندی افزایشی داشت و به حدود ۷۰ درصد می‌رسید. این در حالی است که در صورت اعمال اصلاحات با توجه به افزایش درآمدها و کاهش هزینه‌ها و کنترل کسری بودجه دولت از ابتدای سال ۱۴۰۱، تورم سیر نزولی داشت و تا انتهای سال ۱۴۰۴ در بازه ۵ الی ۲۸ درصد قرار می‌گرفت.

همچنین در صورت عدم اجرای اصلاحات و تداوم محدودیت صادرات نفت، قیمت ارز چند برابر نرخ‌های فعلی تا انتهای سال ۱۴۰۴ رشد می‌کرد در حالی که اعمال اصلاحات منجر به کنترل نرخ ارز در انتهای دوره چهار ساله (۱۴۰۴-۱۴۰۰) در محدوده ۴۰ الی ۹۰ هزار تومان می‌شد.

در غیاب اعمال اصلاحات اساسی، روند فزاینده کسری بودجه که از سالیان گذشته شروع شده، ادامه داشت و در انتهای دوره ۴ ساله (۱۴۰۴-۱۴۰۰) به بالای یک میلیون میلیارد تومان می‌رسید. در حالی که با اعمال اصلاحات اساسی، کسری بودجه در محدوده ۳۰ الی ۲۵۰ هزار میلیارد تومان کنترل می‌شد. نکته قابل توجه آن که چه در صورت تداوم شرایط موجود و چه در صورت انجام اصلاحات، رشد اقتصادی از سال ۱۴۰۲ به زیر ۲ درصد کاهش می‌یافت و در سال‌های آتی هم در همین محدوده باقی خواهد می‌ماند و دستیابی به نرخ‌های بالاتر رشد اقتصادی، نیازمند اصلاحات گسترده‌تر در سایر حوزه‌های اقتصادی بود.

در واقعیت، تلاش‌های دولت سیزدهم به ویژه افزایش صادرات نفت، کنترل رشد مخارج دولت، کنترل رشد نقدینگی و همچنین دیپلماسی فعال با همسایگان و رفع برخی تنش‌های منطقه‌ای، موجب شد تا خوشبختانه رشد اقتصادی بالاتر از برآوردهای مدل و تورم اندکی کمتر از برآوردها محقق شود. البته تخفیف نسبتا سریع عوارض کرونا هم اثر خود را در کاهش بیکاری و رشد اقتصادی گذاشت.

آنچه مسلم است این‌که با تداوم وضع موجود و مداخلات گسترده دولت در بازارهای مختلف، سیگنال‌دهی قیمت‌ها به عنوان مهمترین شاخص جهت‌دهنده به فعالیت‌های اقتصادی به درستی کار نخواهد کرد و لذا امکان بهبود قابل توجه فعالیت‌های اقتصادی وجود ندارد. از سوی دیگر با توجه به فرض تداوم تحریم‌ها و دشواری صادرات، تقاضای تولید هم کاسته شده و لذا رشد اقتصادی متاثر خواهد شد. افزایش مالیات نیز با توجه به آثار انگیزشی منفی بر آحاد اقتصادی، زمینه کاهش رشد اقتصادی را فراهم کرده و همزمان، کاهش مخارج دولت از طریق کاهش تقاضای کل در اقتصاد نیز اثر مشابهی بر تولید و رشد خواهد داشت. لذا دستیابی به رشد اقتصادی بالا و تداوم آن، در گروی انجام اصلاحات اساسی در حوزه‌های پولی، ارزی، مالی و تجاری و انرژی است که انجام آنها نیازمند سرمایه اجتماعی دولت و همراهی مردم است.

رویکرد تحول آفرین: بهبود توان تولید رقابت‌پذیر ملی

از منظر بخش خصوصی، اولویت اصلی رئیس‌جمهور آینده باید ایجاد تغییر در مسیر فعلی اقتصاد کشور و اتخاذ یک رویکرد تحول آفرین باشد. این تحول از طریق «حرکت از حکمرانی بر پایه نفت و گاز به حکمرانی اقتصادی بر پایه بهبود توان تولید رقابت‌پذیر کشور در هم‌پیوندی متناسبی با شبکه‌های اقتصادی بین‌المللی و زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی» ممکن خواهد بود. حداکثر کردن منابع حاصل از تولید و صادرات نفت و گاز و استفاده از آن برای بهبود کیفیت و کمیت زیرساخت‌ها و ورود فناوری‌های ضروری برای تقویت تولید، یکی از الزامات اساسی موفقیت در این مسیر است.

شایسته توضیح است که سازوکارهای اقتصادی معمول در یک اقتصاد سالم، بر پایه تولید و تجارت، کارکردهای صحیح و بادوام دارد. در چنین اقتصادهایی، بنگاه‌ها قلب جریان‌های اقتصادی محسوب می‌شوند و در فرایند تولید کالاها و خدمات چهار جریان اقتصادی مهم خلق می‌کنند: حقوق و دستمزد برای کارگران و کارمندان، مالیات برای دولت، حق بیمه بازنشستگی برای صندوق‌ها و سود که در صورت سرمایه‌گذاری، به تدریج موجب بزرگ‌تر شدن اقتصاد خواهد شد. عمده نظریه‌های اقتصادی به دنبال توضیح کارکردهای صحیح بازارهایی هستند که جریان‌های حقیقی و مالی از طریق آن‌ها به تعادل می‌رسند و امکان رشد اقتصاد و در نتیجه بهبود رفاه مردم در میان‌مدت و بلندمدت را فراهم می‌کنند.

با توجه به آنچه ذکر شد، تقویت بنگاه‌های تولیدی با هدف ارتقای تولید رقابت‌پذیر و جایابی در زنجیره ارزش جهانی، باید در محوریت بازسازی اقتصاد ایران قرار گیرد، به نحوی که پتانسیل پیوند میان زنجیره‌های ارزش تولید داخل با زنجیره‌های ارزش کشورهای همسایه در گام نخست و سپس با زنجیره‌های ارزش جهانی در کشورهای منتخب فراهم شود. در این مسیر لازم است یک سیاست خارجی متوازن، پویا و دستاوردمحور به صورتی عقلایی و هوشمندانه بکار گرفته شود و از همه ابزارها در جهت رفع یا کاهش اثر تحریم‌های بین‌المللی استفاده شود تا زمینه پیوند اقتصاد ایران با بالاترین سطح تولید ارزش افزوده در منطقه و جهان فراهم شود.

از منظر بخش خصوصی، ارتقای ظرفیت‌های تولیدی و اشتغال‌زایی اقتصاد کشور از مسیر فراهم ساختن الزامات و پیش‌نیازهای لازم به‌منظور ارتقای توان تولید رقابت‌پذیر می‌گذرد. اما بازخوانی مسیر طی شده در توسعه کشور گویای این واقعیت است که به دلیل دسترسی آسان به منابع حاصل از نفت و گاز و تمرکز عمده دولت و دستگاه‌های سیاستگذار بر تخصیص و تقسیم آن و مسائلی از قبیل فقدان ثبات سیاستی به ویژه در حوزه تضمین مالکیت (که شامل حق

داشـــتن محیط کسب و کار با ثبات نیز هست) و عدم اجرای درست سیاست‌های اصل (۴۴) قانون اساســـی که منجر به توزیع گسترده سود شرکت‌ها و مصرف آن به جای سرمایه‌گذاری شد، توجه کافی به اهمیت ارتقای توان تولید رقابت‌پذیر و نقش بنگاه‌ها در خلق جریان فوق، معطوف نبوده است.

واقعیت تلخ آن است که برخی از مهمترین نتایج سیاست‌گذاری اقتصادی عوام زده و مبتنی بر رویکردهای انزواگرایانه سیاسی، به شرح زیر بوده است:

۱. از حیث تقسیم کار بین‌المللی، کشور به صادرکننده نفت و گاز و سایر کالاهای خام و نیمه خام به خارج تبدیل شده و با ارز حاصل از آن، اقدام به واردات انواع نهاده‌ها و محصولات نهایی کرده اســت. در این تقســیم کار، به دلیل عدم حضور فعال در شبکه‌های ژئواکونومیک و زنجیره‌های جهانی ارزش، اتکاء کشور بر مولفه‌هــای ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک، به صورتی نامتوازن افزایش یافته و منجر به فرسایش و تخلیهٔ درونی ظرفیتهای کشور شده است.

۲. از حیــث داخلی نیز نتیجه به صورت صنعــت زدایی، کاهش انگیزه تولیدکنندگان برای صادرات و برنده بودن دائمی وارد کنندگان ظاهر شده است.

۳. از حیث مدیریت ارزی نیز فشار بر بانک مرکزی برای مدیریت بازار ارز و به طور خاص تمرکز بر کنترل نرخ ارز همواره وجود دارد.

تغییر الگوی فکری اداره کشور به سمت تکمیل تدریجی زنجیره‌های ارزش داخلی و تقویت تولید رقابت‌پذیر، این امکان را فراهم می‌کند که به مدیریت جزیره‌ای اقتصاد کشور توسط وزارتخانه‌ها و سازمانهای مختلف خاتمه داده شود. در این رویکرد، وزارتخانه‌های مصرف‌کننــده ارز به همان اندازه مســئول مدیریت بازار ارز هســتند که از بانک مرکزی و ســازمان برنامه و بودجه انتظار می‌رود. چنین رویکردی به واسطه ایجاد یک فهم مناســب از زنجیره ارزش و راهبرد توســعه صنعتی کشور، به کارگزاران سیاســت خارجی در تامیــن فناوری‌های مورد نیاز برای ارتقــای تولید و یافتن بازارهای صادراتی مناسب کمک خواهد کرد.

الف) چارچوب پیشنهادی برای تغییر رویکرد به سمت تولید محوری در ایران

بر اساس بررسی‌های کارشناسی

۱. ظرفیت‌های اقتصادی کشــور، امکان تحول درآمد سرانه حقیقی در میــان مدت را فراهم می‌کنــد و این موضوع، می‌بایســت هدف اصلی سیاســت‌های اقتصادی کشور باشــد. جلب همکاری‌های بین‌المللی برای استفاده از داشته‌های کشور و استفاده از موقعیت ژئواکونومیک آن، نیازمند سازوکارها و نگرش‌های جدید است.

۲. امــکان تداوم رویه‌های قبلی برای صادرات نفــت و گاز و واردات کالاهــای مصرفی و نهاده‌ها وجود ندارد و لذا رشــد اقتصــادی ایران برای دهــه آینده باید بر پایه یک تغییر رویکرد بــه اقتصاد قوی با حضور بخش خصوصی و شبه‌دولتی و دولت (در یک تقسیم کار روشن) و با هدف افزایش متعهدانه تولید رقابت‌پذیر و صادرات محور باشــد. یکی از مشخصات مهم چنین اقتصادی، مقاومت اقتصاد در مقابل انواع شوک‌ها، از جمله تحریم‌ها خواهد بود.

۳. در صورت پذیرش نکات فوق، هدف اصلی سیاســت‌های هفتگانهٔ صنعتی و پولی و ارزی و تجاری، مالی، محیط کسب و کار و سیاست خارجی، باید تقویت بخش حقیقی اقتصاد به منظور تقویت توان تولید رقابت‌پذیر در کشور باشد.

۴. برای دستیابی به هدف فوق، نیاز مبرم به یک برنامه تحولی میان مــدت وجود دارد. اگرچه شــروع کار دولت جدید همزمان با شــروع دوره ابلاغ و اجرای برنامه هفتم توســعه خواهد بود اما واقعیت آن است که مفاد برنامه هفتم برای تحول اساسی اقتصاد کشور کفایت لازم را ندارد و نیازمند اصلاحات جدی است.

ب. سیاست‌های پیشنهادی

یکی از مشکلات سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در ایران (سیاست‌های پولی و ارزی، مالی، تجاری و صنعتی)، پراکنده بودن مراکز تصمیم‌گیری و فقدان یک نقشه راه برای تضمین ســازگاری و هماهنگی میان آنها است. در صورتی‌که «تقویت تولید رقابت‌پذیر ملی» به عنوان محور همه سیاستگذاری‌های فوق پذیرفته شود، آنگاه لازم است شورای اقتصاد (که در حال حاضر عمده وقت آن صرف تصمیم‌گیری‌های موردی و پروژه‌ای می‌شود)، فعال شده و نقش پررنگی در هماهنگی سیاستی فوق و مطالبهٔ الزامات سیاســت خارجی آن ایفا کند. توصیه‌هــای اصلی در حوزه هر سیاست به شرح زیر است:

۱ سیاست صنعتی

اگرچه تدوین سند استراتژی توسعه صنعتی در سه برنامه توسعه چهارم، پنجم و ششــم مورد تأکید قرار گرفته و حکم مشــخصی برای آن درنظر گرفته شده، اما تاکنون این مهم محقق نشده است. فقدان سند استراتژی توسعه صنعتی و ناتوانی در شناســایی و حمایت از صنایع پیشــران، موجب شده منابع به سمت صنایعی تخصیص داده شــوند که تأثیرگذاری چندانی بر تحول ساختار صنعتی کشــور و ارتقاء فناوری و قابلیت‌های صنعتی نداشــته‌اند. همچنین، حمایت‌های غیرهدفمند از برخی صنایع طی سالیان گذشته باعث شده، تعداد بیشماری واحد تولیدی با مقیاس‌های کوچک و کم بازده شکل بگیرند، در حالی که در طی همین ســال‌ها برخی از واحدهای صنعتی موجود، به دلیل تنگنای تأمین مالی و ضعف تکنولوژیکی به صورت ناکارا و غیر بهینه به حیات خود ادامه داده‌اند. در این راستا بخش خصوصی از دولت محترم انتظار دارد:

۱. همزمان با تدوین سند استراتژی توسعه صنعتی، نظام حکمرانی بهبود و ارتقا یابد. چراکه مجری اصلی سند استراتژی توسعه صنعتی، دستگاه حکمرانی و کارکنان بخش عمومی کشور هستند و ازاین‌رو، حکمرانی خوب پیش‌نیاز تدوین و اجرای برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت است. اگر بهترین برنامه‌ها هم تدوین شود، اما ساختار حکمرانی قادر به پیشبرد آن نباشد، نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد.

۲. در تدوین ســند استراتژی توســعه صنعتی، به اصل اولویت‌بندی به معنای «برگزیدن تعداد محدودی صنایع پیشران» توجه شود.

۳. تمرکز بر زنجیره‌های ارزش اصلی در کشــور در پیوند با زنجیره‌های ارزش جهانی باید محور قرار گیرد. در کنار تلاش برای توســعه روابط با اوراسیا و روسیه و استفاده از ظرفیت پیمان شانگهای، بریکس و اتحادیهٔ اقتصادی اوراسیا، توسعه روابط اقتصادی با هند و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس برای تکمیل زنجیره‌های ارزش داخلی و پیوند آن با کشورهای همسایه بسیار ضروری است.

۴. برنامه عملیاتی مشخصی برای تامین مالی و فن‌آوری صنایع برگزیده و تکمیل زنجیره‌ها و پیوند با اقتصاد منطقه و اقتصاد بین‌الملل در نظر گرفته شود.

۵. مداخلات دولت و نهادهای دولتی در زمینه‌هایی که بخش خصوصی حاضر به ســرمایه‌گذاری اســت و حذف قیمت‌گذاری دستوری از هر نوع. ممنوع شود.

۶. برای توسعه اقتصاد دیجیتال که پیشــرفت آینده کشور در گرو آن است، رفع فیلترینگ در در اولویت قرار گیرد.

نگاهی به برنامه هفتم نشان می‌دهد که در فصل ۱۰ مرتبط با طرح‌های صنعت و معدن و رشد تولید و در بند الف ماده ۴۸ به «چند طرح بزرگ اقتصادی ملی و پیشران از قبیل دالان‌های راهبردی گذر (ترانزیت) ریلی و دریایی- تحول رقومی (دیجیتال)- توسعه منطقه مکران و اروند» -«توسعه زنجیره اکتشاف و استخراج نفت و گاز و پترو پالایشــگاه‌ها و صنایع پایین‌دســتی پتروشیمی و... اشاره شده است. همچنین در بند ت ماده ۴۸ به» تهیه سند «راهبرد ملی پیشرفت صنعتی

و ارتقای زنجیره‌های ارزش کشور» بر مبنای معیارهای آمایش سرزمین و توسعه متوازن، نفی خام فروشی و تکمیل زنجیره‌ها، تحرک‌بخشی به صادرات و انتشار فناوری‌های نوین و با تکیه بر مزیت‌ها و اولویت‌های کشور از جمله صنایع برق و ریز(میکرو) الکترونیک، خودروسازی با اولویت خودروهای برقی و برقی- بنزینی (هیبریدی)، ماشین‌سازی و ساخت تجهیزات، صنایع پایین‌دستی نفت و گاز و پتروشیمی، معدن با اولویت مس و عناصر نادر خاکی، خدمات فنی مهندسی، نساجی و پوشاک و بازیافت، همراه با اخذ نظرات اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، تعاون ایران و اصناف ایران، اشاره گردیده است. انتظار می‌رود دولت آینده تمام تلاش خود را برای همراستایی سند استراتژی توسعه صنعتی با مفاد مرتبط با آن در برنامه و سند آمایش سرزمین صورت دهد تا این اسناد هم به اسنادی کتابخانه‌ای تبدیل نشوند و نقشه راهی برای تولیدات صنعتی کشور باشند.

۲ سیاست پولی

اجرای سیاست کنترل رشد مقداری ترازنامه بانک‌ها برای کنترل تورم، در عمل از قدرت تسهیلات‌دهی بانک‌ها کاسته و بر تنگنای تأمین مالی بنگاه‌های خصوصی افزوده است، به نحوی که بر اساس گزارش پایش محیط کسب و کار اتاق ایران، طی شش فصل گذشته (از پاییز ۱۴۰۱ تا زمستان ۱۴۰۲)، دشواری تأمین مالی از بانک‌ها از جایگاه سوم موانع فرا روی کسب‌وکارها به جایگاه دوم ارتقا یافته است. همچنین، اجرای این سیاست موجب انتقال منابع مالی شبکه بانکی از بخش غیردولتی به بخش دولتی شده‌است. شاهد این مدعا وضعیت رشد مانده تسهیلات بخش دولتی و غیردولتی در شبکه بانکی است. بر اساس گزارش بانک مرکزی، متوسط ۱۲ماهه رشد مانده تسهیلات بخش غیردولتی از ۱.۴۲ درصد در اسفند ۱۴۰۱، به ۳۵.۶درصد در بهمن‌ماه(متوسط یکساله) سال ۱۴۰۲ کاهش یافته است. این در حالی است که متوسط ۱۲ماهه رشد مانده تسهیلات شبکه بانکی به دولت و شرکت‌های دولتی در اسفند ۱۴۰۱ از ۹.۳۱ درصد به ۱.۷۱ درصد در بهمن ماه (متوسط یکساله) سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است. همچنین افزایش نرخ سود اسناد خزانه دولت به بالای ۳۰ درصد در اوخر سال ۱۴۰۲ و ماندگاری آن در این محدوده، حاکی از گران شدن تأمین مالی برای بخش خصوصی و به رسمیت شناخته شدن نرخ سود بالای ۳۰ درصد در شبکه بانکی است. اتاق در راستای حل و فصل مشکلات تامین مالی واحدهای اقتصادی، توصیه می‌کند:

۱. سیاست‌های اقتصادی به ویژه سیاست‌های پولی و اعتباری با توجه به شرایط حاکم بر اقتصاد اتخاذ شود و از تشدید سیاست‌های پولی و اعتباری انقباضی در شرایطی که تولیدکنندگان تحت فشارهای هزینه‌ای شدید قرار دارند، پرهیز شود. با توجه به رویکرد کلی برنامه هفتم در این خصوص می‌توان گفت که برای کاهش فشار بر تولیدکنندگان و عدم تشدید سیاست‌های پولی و اعتباری انقباضی، برنامه مشخصی مشاهده نمی-شود و حتی شواهدی دال بر پیشبرد رویه فعلی در انجام سیاست‌های انقباضی قابل مشاهده است. لذا توصیه اکید به دولت جدید اصلاح این رویه در برنامه هفتم است.

۲. در کنار سیاست کنترل رشد مقداری ترازنامه بانک‌ها، برنامه تامین مالی بانک‌ها و موسسات مالی به نحوی تنظیم شود که سهم مشخصی از منابع بانک‌ها به تامین سرمایه در گردش و سرمایه‌گذاری ایجادی و توسعه‌ای بخش‌های خصوصی و تعاونی تخصیص یابد. انتظار می‌رفت در برنامه توسعه هفتم این مساله ردگیری شود ولی جای آن در لایحه همچنان خالی است.

۳. نظام حکمرانی پولی از طریق اصلاح نظام بانکی و نظام مالی با تاکید بر انطباق با استانداردهای بین المللی ارتقاء یابد.

۴. سازوکار تخصیص منابع بانکی روی سامانه‌ای کاملا شفاف اعلام و لیست دریافت کنندگان این منابع هر ماه اعلام شود.

۵. فرایند تصمیم‌گیری درباره ذینفع واحد مشخص شود (حساب یک واحد بزرگ سوده تولیدی به خاطر مسئله مالی یک واحد خدماتی کوچک در زنجیره هلدینگ بسته می‌شود که هر دو طبق قانون تجارت شخصیت حقوقی مستقل هستند).

۳ سیاست ارزی

متأسفانه در سال‌های اخیر، سیاست‌های ارزی کشور، متاثر از شرایط داخلی و بین‌المللی، با نوسانات زیادی همراه بوده که شرایط را برای فعالان اقتصادی، تولیدکنندگان و کل جامعه دشوار ساخته است. تداوم تحریم‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی، وفور آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ارزی بدون اخذ نظر از فعالان اقتصادی و سخت‌گیری‌های یکطرفه برای رفع تعهد ارزی بدون در نظرگرفتن شرایط تحریمی و محدودیت‌های ناشی از آن از جانب مقام ارزی کشور، سبب شده تا هدف تصریح شده در برنامه هفتم مبنی بر تحقق رشد متوسط سالانه حدود ۳۰ درصدی در صادرات غیرنفتی، ناممکن به نظر آید. اتاق در راستای حل و فصل مشکلات ارزی بخش خصوصی واقعی، به دولت جدید توصیه می‌کند:

۱. در تعیین سیاست‌های ارزی، تقویت تولید رقابت‌پذیر معیار اصلی سیاستگذاری باشد.

۲. هزینه مبادلات اقتصادی ایران در سطح بین المللی به ویژه از طریق پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی(FATF) کاهش یابد.

۳. سیاست‌ها و مقررات (از جمله پیمان سپاری ارزی) درباره ارز حاصل از صادرات محصولات منبع پایه (مانند پتروشیمی و معدنی و...) از صادرات محصولات کشاورزی و صنعتی و خدمات فنی و مهندسی مجزا شود. دولت خود می‌تواند متناسب با سیاست صنعتی کشور، ارزهای حاصل از صادرات این دسته را با نرخ بازار که امکان تداوم تولید و صادرات را فراهم می‌کند، خریداری کند و به واردکنندگان تخصیص دهد.

۴. ضمن تلاش برای حذف ارزهای چند نرخی، بر فرآیند تخصیص ارز ترجیحی از ابتدا تا انتهای زنجیره رسیدن کالا به دست مصرف‌کننده، نظارت دقیق و کارآمد صورت گیرد و اسامی گیرندگان ارزهای با نرخ ترجیحی به-طور منظم اعلام شود.

۴ سیاست مالی

وابستگی شدید اقتصاد به منابع نفتی و گازی، باعث گردیده سیاستهای بودجه‌ای و مالیاتی کشور متاثر شوند. ورود درآمدهای نفتی به بودجه و عدم اصلاح نظام مالیاتی در راستای تقویت تولید از جمله تبعات این معضل بوده است. این مساله، مانع از پاسخگویی موثر دولت به ملت به واسطه اتکای کمتر به مالیات گردیده است. با تشدید تحریم‌ها حاکمیت دریافت که اتکای صرف به درآمدهای نفتی برای اداره کشور امکان‌پذیر نیست و توجه بیشتری به مالیات‌ها در سال‌های اخیر نشان داده است. اما نکته مغفول آن است که در همین سال‌ها در اثر تنگناهای ناشی از تحریم‌ها، بخش‌های تولیدی کشور آسیب‌های جدی دیده‌اند و قادر به تحمل فشارهای مالیاتی مضاعف نیستند. لذا بازنگری در سیاست‌های مالی از الزامات دولت آینده است. در راستای تنظیم سیاست‌های مالی در خدمت تولید، بخش خصوصی به دولت محترم توصیه می‌کند:

۱. به منظور کاهش وابستگی هزینه‌های جاری دولت به منابع حاصل از صادرات نفت و گاز، سقف سهم ریالی دولت از محل صادرات نفت و گاز طبیعی در منابع عمومی بودجه سالانه تعیین شده و سالانه ۱۰ درصد از این سهم کاسته شود و برای توسعه سرمایه‌گذاری در امور تولیدی به صندوق توسعه ملی واریز شود.

۲. ایجاد یک نظام مالیاتی شفاف، عادلانه و مدرن با پایه‌های مالیاتی گسترده‌تر، به منظور کاهش نرخ‌های مالیاتی و بار مالیاتی بر روی فعالان اقتصادی و تشویق‌کننده سرمایه‌گذاری، در دستور کار قرار گیرد. متاسفانه در برنامه هفتم، موضوع کاهش نرخ مالیاتی بر فعالان اقتصادی وجود ندارد، اما تصریح شده که "وضع هرگونه تخفیف، ترجیح، بخشودگی، کاهش نرخ، معافیت و شمولیت نرخ صفر و اعطای اعتبار مالیاتی جدید به جز مواردی که به تشخیص مجلس منجر به

افزایش یا رونق تولید و صادرات شود در سال‌های برنامه ممنوع است". همچنین وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف شـــده تا با همکاری سازمان برنامه و بودجه، ظرف شش‌ماه از لازم‌الاجرا شدن قانون برنامه، لوایح قانونی مورد نیاز برای کاهش تخفیفات، اعتبار مالیاتی، نرخ صفر، معافیت یا بخشـــودگی و ترجیحات مالیاتی و گمرکی را به‌منظور جذابیت‌زدایی از فعالیت‌های غیرمولد، ساماندهی معافیت‌های غیرضروری و تقویت معافیت‌های منجر به رشد تولید، تنظیم و ارائه نماید.

۳. اســـتفاده حداکثری از انتشـــار اوراق و جایگزینی اوراق بلند مدت به جای کوتاه مدت و همزمان افزایش ســـهم مالیات (سازگار با تقویت تولید رقابت پذیر) در دستور کار قرار گیرد. در برنامه هفتم به نوعی این مساله ردگیری شده؛ به نحوی که در بند پ ماده ۳، وزارت امور اقتصاد و دارایی مکلف شده است بستر مناســـب برای ســـرمایه‌گذاری عموم مردم در طرح (پروژه)های دارای بازدهی یا ارزآوری بالا را در قالب عرضه عمومی ســـهام شرکت سهامی عام طرح (پروژه) و همچنین انتشار اوراق بدهی (ارزی-ریالی) فراهم آورد و نسبت به رفع موانع تأمین مالی بخش خصوصی و تعاونی از جمله از طریق انتشار اوراق بدهی (ارزی-ریالی) اقدام نماید. در جدول ماده ۲۶ نیز ســـهم مالیات از GDP به ۱۰ درصد در طول برنامه افزایش یافته (این عدد در حال حاضر حدود ۵ الی ۶ درصد است) و نسبت مالیات به اعتبار هزینه‌ای ۸۰ درصد هدفگذاری شده است.

۴. مطابق با ظرفیت‌ها و ملاحظات درنظر گرفته شده در سند آمایش ملی و سندهای آمایش منطقه‌ای، کشور به چند منطقه تقسیم شود و امتیازهای مالیاتی، یارانه سود بانکی، واگذاری زمین برای طرح‌های سرمایه‌گذاری و غیره در این مناطق تعیین شـــود. در لایحه برنامه هفتم توسعه نیز موضوع تقسیم‌بندی کشور بر مبنای معیارهای آمایش سرزمین و توسعه متوازن، دیده شده است. وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز مکلف شده تا با هماهنگی وزارت کشور، وزارت جهاد کشاورزی و همکاری سایر دستگاه‌های اجرائی متولی طرح‌های تولید و اشتغال و اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، اتاق تعاون ایران و اتاق اصناف ایران بر مبنای سند فوق‌الذکر، نقشه راه زنجیره‌های اقتصادی مزیت‌دار استان‌ها را متناسب با ظرفیت‌ها و مزیت‌های بومی و نقش استان‌ها در زنجیره‌های ارزش ملی، ظرف دو سال از لازم‌الاجرا شدن این قانون، تدوین و در شورای‌عالی آمایش سرزمین به‌تصویب برساند.

۵. فرایند رســـیدگی به بدهی‌های مالیاتی و تامین اجتماعی در شش ماه ریاست جمهوری دوره چهاردهم به روز و فرایند آن به صورت شفاف بیان شود.

۵ سیاست تجاری

در شرایطی که کشور با انواع تحریم‌های ظالمانه مواجه بوده و محدودیت‌هایی در فروش نفت و انتقال ارز حاصل از آن به داخل دارد، صادرات غیرنفتی یکی از راه‌های تامین ارز برای کشـــور است. چند نرخی بودن ارز، مشکلات پیمان سپاری ارزی بخش خصوصی و محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های یک شـــبه بر محصـــولات صادراتی، انگیزه و سوددهی بنگاه‌های صادراتی را کاهش داده و برخی اوقات صادرکنندگان خوشنام کشور را از میدان به در کرده است. باید درنظر داشت که رهایی از خام فروشی نیازمند توسعه صادرات غیرنفتی به ویژه صادرات محصولات با ارزش افزوده بالا است که این مهم نیازمند به کار بستن تمهیداتی است. لذا به منظور توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات و نیز تقویت توان رقابتی محصولات صادراتی کشور در بازارهای بین‌المللی، اتاق ایران به دولت محترم پیشنهاد می‌کند:

۱. سند توسعه تجاری کشور مبتنی بر سند توسعه صنعتی و با هدف قرار گرفتن در زنجیره‌های ارزش جهانی تنظیم گردد.

۲. کانون‌های بازاریابی تخصصی در کشورهای هدف صادراتی در راستای توسعه صادرات بخش خصوصی، تاسیس شود.

۳. رایزن‌هـــای بازرگانـــی با نظر بخـــش خصوصی در خارج از کشـــور منصوب شـــوند. در ماده ۱۰۱ برنامه هفتم عبارت " فراهم آوردن زمینه استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی و تعاونی در جهت توســـعه هرچه بیشـــتر روابط اقتصادی و تجاری خارجی با همکاری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشـــاورزی ایران و اتاق تعاون ایران" آمده است که یکی از مصادیق آن می‌تواند انتخاب رایزن بازرگانی با نظر بخش خصوصی و یا از تجار بخش خصوصی باشد.

۴. اســـتانداردهای اجباری و تشـــویقی تعریف شده توســـط سازمان ملی استاندارد در حوزه‌های صادرات و واردات به‌صورت مرتب با استانداردهای بین‌المللی تطبیق داده شوند و به‌سرعت اعلان عمومی شوند. مصداق این پیشنهاد در ماده ۱۰۱ برنامه هفتم هم آمده اســـت: «انجام توافقات لازم با کشورهای طرف تجاری ایران در مورد رعایت استانداردهای مورد قبول طرفین با همکاری سازمان ملی استاندارد ایران و دیگر دستگاههای ذی‌ربط»

۶ بهبود محیط کسب و کار

۱. اجرای دقیق آئین نامه‌های مواد (۲۴) و (۳۰) قانون بهبود محیط کسب و کار که پس از مدت‌ها به همت وزارت امور اقتصادی و دارایی در دولت سیزدهم به تصویب رسید برای سامان دهی نظام قانونگذاری و جلوگیری از اقدامات خلق الساعه دولت در صدور مقررات و بخشنامه‌های مخل کسب وکار.

۲. تعیین کرسی دائم برای اتاق بازرگانی در کلیه مجامع مرتبط با فرآیند تهیه لوایح و قوانین و مقررات.

۳. ارتقاء ظرفیت‌های صنعتی و تولیدی کشور از طریق ایجاد ثبات، اعتماد و امنیت در حوزه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری.

۴. جدیت دولت در پیگیری اقدامات مرتبط با پیشگیری، کنترل و مبارزه با فساد.

۷ سیاست خارجی(رفاه در داخل-صلح در خارج)

تحقق اهداف پنجگانهٔ سیاست اقتصادی فوق مستلزم داشتن سیاست خارجی اســـت که با درکی عقلایی و کنشی هوشمندانه، رابطهٔ هم‌افزای رفاه در داخل-صلح در خارج را سرلوحهٔ اقدامات خود قرار دهد و با پیگیری رهیافت ثبات و صلح به‌خصوص در سطح منطقه‌ای، زمینه‌ساز کامیابی سیاست‌های پنجگانهٔ یاد شده گردد. درک عقلایی از روابط بین‌الملل کنونی، جهانی بسیار متحول و سیال را پیش‌روی ما ترسیم می‌کند که از دوران اتحادهای دائمی و پیوستن نامتوازن به یک بلوک ثروت/قدرت جهانی فاصله گرفته و به شراکت‌های چندگانه و منعطف با حداکثر بلوک‌های ثروت/قدرت نزدیک می‌شود تا منافع ملی کشور را در این عرصهٔ پیچیده و پرتلاطم تامین کند. کنش هوشمندانه ناشی از این درک عقلایی نیز اتخاذ یک سیاست خارجی متوازن، پویا و دستاورد-محور را به موضوعی حیاتی برای کشور تبدیل کرده است. سه رکن این سیاست خارجی به شکل زیر خواهد بود:

۱. **متوازن:** با درک عقلایی ویژگی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران به عنوان یک بازیگر موازنه‌گر (Balancer)، از اتکاء ناموزون بر مولفه‌های ژئوپلیتیکی/ ایدئولوژیکی در سیاســـت خارجی فاصله گرفته و به‌منظور کامیابی سیاست‌های اقتصادی، بســـوی توازن ژئواکونومیک «ژئوپلیتیک حرکت می‌کند. ایران به مثابهٔ یـــک قدرت میانهٔ موازنه‌گـــرا (A Middle Power Balancer)، علاوه بر تلفیق منطـــق ژئواکونومیک» ژئوپلیتیک، به‌صورت عملیاتی نیز جایگاه خود را در میانهٔ بلوک‌ها و طرح‌هـــای ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک منطقه‌ای و بین‌المللی به‌گونه‌ای متوازن تعریف می‌کند تا ضمن پرهیز از مخاطرات پیوســـتن به یک بلوک ثروت/ قدرت، از امتیازات بلوک‌های مختلف جهانی بهره‌مند شود.

۲. **پویا:** تحول و سیالیت به وجه مشخصهٔ روابط بین‌المللی کنونی تبدیل شـــده و کنشگری پویا و منعطف در میانهٔ ائتلاف‌ها و شراکت‌های متنوع براساس منطق همکاری-رقابت (Coopetition) را به ضرورت سیاســـت خارجی تبدیل کرده است. از این‌رو، رصد مستمر تحولات بین‌المللی، پرهیز از رکود و سکون در دامگه اصول ســـنتی ژئوپلیتیک/ایدئولوژیک و آمادگی برای تغییر جهت سیاست

خارجی در دالان‌های نوین و متنوع روابط بین‌الملل، امری ضروری برای کامیابی سیاست‌های پنجگانهٔ اقتصادی است.

۳. دستاورد-محور: با توجه به پیچیدگی بحران‌های نوظهور بین‌المللی که ماهیت انباشتی و لاینحل پیدا کرده‌اند، سیاست خارجی دستاورد-محور از یک سو تا جای ممکن از ورود به مناقشات مزمن جهانی و منطقه‌ای (به‌خصوص در غرب آسیا که چشم‌اندازی از بحران‌های مستمر و بی‌نهایت را پیش‌رو می‌گذارد) پرهیز کرده و از دیگر سو سعی می‌کند با رهیافتی دستاورد-محور و مبتنی بر منطق هزینه- فایدهٔ عقلایی از پرونده‌های باز و بی‌انتهای مناقشات منطقه‌ای خارج شود و در عین حال کسب دستاورد برای تحقق سیاست‌های پنجگانهٔ اقتصادی را مبنای کنش سیاست خارجی قرار دهد.

سیاست خارجی متوازن، پویا و دستاورد-محور از طریق طراحی و اجرای یک دیپلماسی اقتصادی هدفمند، سیاست‌های اقتصادی پنجگانه را تقویت می‌کند. هدف این دیپلماسی اقتصادی، تحریم زدایی و تنیدگی در زنجیره‌های جهانی ارزش است. تولید رقابت‌پذیر تنها در متن و بطن اقتصاد جهانی امکان‌پذیر است. به دیگر سخن سیاست خارجی در محیط عملیاتی به عنوان حلقه وصل کشور به اقتصاد جهانی نقش کلیدی در تولید رقابت‌پذیر ایفا می‌کند. ترجمه نقش آفرینی سیاست خارجی در تولید رقابت‌پذیر از مسیر دیپلماسی اقتصادی برونگرایانه قابل تحقق است. تنها در صورتی که دیپلماسی اقتصادی بتواند زمینه‌های ساختاری لازم را برای تنیدگی اقتصاد کشور در اقتصاد جهانی فراهم آورد، می‌توان از تولید رقابت‌پذیر به معنای دقیق آن سخن گفت.

مهمترین چالش دیپلماسی اقتصادی ایران در شرایط کنونی، تحریم‌های ایالات متحده است. تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده، حاکمیت اقتصادی کشور در بعد خارجی آن را به شدت نقض کرده است. به دلیل این تحریم‌ها، زمینه‌های ساختاری لازم برای تعامل ایران با اقتصاد جهانی به شدت آسیب دیده است. دسترسی به زیرساخت‌های مالی، بیمه‌ای، سرمایه‌گذاری و داده‌ای لازم برای تعامل اقتصاد داخلی با اقتصاد جهانی تقریباً قطع شده است. از همین روست که تعاملات اقتصادی در سطح کلان عمدتاً با کشورهای محدودی در قالب‌های خاصی صورت می‌گیرد و بویژه در بخش خصوصی به تهاتر و تعامل مالی با تکیه بر صرافی‌ها محدود شده است. روشن است که یک اقتصاد بزرگ در مقیاس ایران را نمی‌توان با تکیه بر تهاتر، صرافی و رویا فروشی اداره کرد و به پیش‌برد.

در پاسخ به این چالش، مهمترین اولویت دیپلماسی اقتصادی را می‌توان تحریم زدایی لقب داد. بدون لغو یا تعلیق تحریم‌ها، امکان ارتباط نرمال با اقتصاد جهانی وجود نخواهد داشت و بدون ارتباط نرمال با اقتصاد جهانی، تولید رقابت‌پذیر در حد رویا باقی خواهد ماند. تولید رقابت‌پذیر در صنایع کانونی اقتصاد کشور بویژه صنعت نفت و خودرو به شدت به زیرساخت‌های بین‌المللی وابسته است. بدون احیای دسترسی به این زیرساخت‌ها، اساسا پارادایم اقتصادی کشور در حد حفظ بقای اقتصادی باقی خواهد ماند. در جهان امروز کشورها تنها با مشارکت و تنیدگی در زنجیره‌های ارزش می‌توانند رشد و توسعه یابند. تحریم زدایی از اقتصاد کشور پیش‌شرط تنیدن در زنجیره‌های جهانی ارزش است و تنیدگی در این زنجیره‌ها شرط لازم توسعه اقتصادی کشور.



۱

بازرگانی

سوال اصلی: آیا دولت از قیمت‌گذاری دستوری دست می‌کشد؟

مطالبه از رئیس‌جمهور

پیشنهادهایی به دولت چهاردهم و رئیس‌جمهور



عباس آرگون

عضو هیئت رئیسه اتاق تهران

آقای پزشکیان، شما در شـرایطی رئیس جمهور کشور عزیز ما، ایران شدید که در دور اول انتخابات ۶۰ درصد مردم تصمیـم گرفتند که در انتخابات شرکت نکنند؛ همین مساله، یک زنگ خطر برای جامعه ماسـت چراکه نشـان از کاهش اعتماد در جامعه می‌دهد. پس بایـد بدانید که اصلی‌ترین و مهم‌ترین اولویت شما در دولت چهاردهم، چند مورد بسیار مهم است که باید حتماً به آنها توجه شود.

نخسـت و پیش از همه اولویت‌هـا، این دولت باید حتماً برای تقویـت میزان اعتماد بین مردم و حاکمیت کوشا باشد چراکه اعتماد، بنیان و اساس جامعه است. بدون اعتماد، کابینه دولت موفـق به انجام هیچ اقدام اصلاحی در جامعه نخواهد بود زیرا این اقدامات نیاز مبرم به حمایت مردم دارند پس خوب است که دولت چهاردهم، از این فرصت اصلاحی استفاده کند تا میزان اعتماد بین مردم و حاکمیت را تقویت کند.

امروز، جامعه ما، با نااطیمنانی‌ها و عدم قطعیت‌ها مواجه شده است و تا زمانی که منابع نااطمینانی رفع نشود، کشور امکان حرکت به سمت برون‌رفت از مشکلات خود را ندارد. بخش زیادی از این نااطمینانی‌ها، ناشـی از فشار تحریم‌هاست. پس یکی دیگر از اولویت‌های اصلی دولت چهاردهم هم در این گزاره مشـخص شـد. دولـت باید برای رفع تحریم‌ها، کاهش این نااطمینانی و عدم قطعیت‌ها سـعی و تلاش کند. همچنین ضروری است که در دولت چهاردهم، دیگر شاهد تصمیمات خلق‌الساعه در کشور نباشیم. ثبات در قوانین و مقررات، همه آن چیزی است که فعالان را برای سرمایه‌گذاری در کشور مصمم می‌کند. همچنین فعالان اقتصادی از دولت چهاردهم انتظار دارند که تلاش کند قوانین مزاحم و بعضاً دست و پا گیر از اقتصاد کشور رفع شوند. مساله ثبات در قوانین و رفع مقررات دست‌وپاگیر از آن جایی حائز اهمیت است که تصمیمات خلق‌الساعه، امکان برنامه‌ریزی و در نتیجه، تصمیم‌گیری و فعالیت اقتصادی را از فعالان سلب می‌کند. بدون پیگیری، رفع و رجوع این دو مورد فعالیت برای سرمایه‌گذاران ایرانی میسر و فراهم نیست.

مسـاله ناترازی‌ها، به خصوص در پنج سال اخیر، ضربه‌های مهلکی به مردم و بخش تولید زده اسـت؛ بنابراین، یکی دیگر از مطالبات از رئیس جمهور محترم دولت چهاردهم، رفع ناترازی‌ها است. در حال حاضر، کشور در چندین حوزه انرژی، بودجه، ارز، نظام بانکی و در نهایت، صندوق‌های بازنشستگی، متحمل ناترازی‌های شدید است. حتماً مستحضر هستید که آمارها نشان می‌دهند امروزه تنها در حوزه ناترازی انرژی، سـالانه بیش از ده‌ها میلیارد دلار خسارات به کشور وارد می‌شود. ایران، جزو پنج دارنده بزرگ انرژی در جهان است اما در تابستان و زمستان، صنایع با معضلات متعددی در حوزه انرژی مواجه هستند و این گونه است که سرمایه‌های ملی این جامعه، بلااستفاده شده است. سوالی که وجود دارد این است که چرا از این سرمایه‌ها استفاده لازم و کافی نمی‌شود؟ پس یکی دیگر از اوجب اولویت‌های دولت جدید، رفع ناترازی‌ها است. دولت باید برای رفع این ناترازی‌ها از هیچ تلاشی دریغ نکند. ناترازی در زمینه بودجه هم تاثیر بسیار زیادی بر زندگی و سفره مردم می‌گذارد اما این مسـاله از چشم مسولان مغفول مانده بود. افزایش شیب تورم با این شـدت، در سـال‌های اخیر قدرت خرید مردم را به شدت کاهش داده است. مردم- به خصوص در سه سال گذشته- شاهد نرخ تورم سرسام‌آور بودند. در این سـه سال اخیر، تورم بیش از ۴۰ درصد محاسـبه می‌شد و این مقدار نامتعارف تورم، فشار بسیار زیادی بر قشر متوسط و قشر ضعیف جامعه وارد می‌کند. یکی از راهکارهای بسیار موثر برای جبران ناترازی بودجه، موضوع دیگری است که باید حتماً در اولویت قرار بگیرد و آن هم کوچک‌سازی و چابک‌سازی دولت است. دولت باید از اقتصاد خارج شـود. وقتی می‌گوییم دولت از اقتصاد خارج شود منظورمان این اسـت که دولت تنها نقش نظارت و کنترل را بر عهده گرفته و تصدی‌گری را رها کند. اگر بخشی از نقش‌هایی که دولت در اقتصاد دارد به بخش خصوصی واگذار شـود و اگر بخش خصوصی در راس کار اقتصادی کشـور قرار بگیرد، آن وقت، این بخش می‌تواند محور توسـعه باشد. تجربه کشورهای توسعه‌یافته نیز درسـتی این مساله را به خوبی نشان می‌دهند؛ کشـورهای توسعه‌یافته، همان کشورهایی هسـتند که بخش خصوصی آن‌ها توسعه یافته و بزرگ است. خوب است که دولت ایران هم با عبرت‌آموزی از این تجربه جهانی، به بخش خصوصی خود اعتماد کند و این بخش را در تصمیم‌گیری‌ها مشـارکت دهد. لازم اسـت کـه دولت، فعالیت‌های اقتصادی را به بخش خصوصی که از بهره‌گیری و چابکی بیشـتری برخوردار اسـت، واگذار کند و خودش هم از اقتصاد خارج شود. دولت چاره‌ای جز این دست کشیدن از قیمت‌گذاری دستوری و سرکوب قیمت‌ها، ندارد. یکی از ظرفیت‌های مهمی که در کشـور وجود دارد اما از چشـم سیاسـت‌گذار پنهانمانده، بازار سـرمایه است. این بازار، به دلیل بی اعتمادی، آسیب‌های بسیاری جدی دیده است. دولت با دخالت‌های بی مورد و قیمت‌گذاری تکلیفی و همچنین بی‌ثبات ظاهر شـدن در قوانین و مقررات، آسیب‌های جدی به بورس ایران وارد کرده اسـت. بازار سـرمایه با بیش از ۶۰ میلیون سهامدار، ظرفیت بسیار بالایی دارد. دولت می‌توانـد از طریق این بازار، موجبات رونق تولید را فراهم کند. یکی از بهتریـن محل‌هایی که می‌تواند منابع خرد مردم را به بخش‌های واقعی و مولد اقتصاد هدایت کند، بازار سرمایه است. پس این بازار را دریابید و اعتماد را به آن بازگردانید.

در انتها، مایل هستم که بگویم این اقدامات تنها با استفاده از توان نیروهای نخبه و شایسته، میسر می‌شـود؛ پس در انتخاب مدیران دقت کنید و از افراد متعهد، متخصص و پاکدسـت بهره ببرید. دولت باید فارغ از این‌که افراد شایسته، متعلق به کدام جناح و جریان سیاسـی هستند، از آنان بهره بگیرد و شایسته‌سالار باشد تا بتواند به نتایج درخشانی که مردم از دولت انتظار دارند، نیل کند. آرزو دارم که دولت چهاردهم، اهداف عالیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را فراهم کند و باعث سربلندی مردم و امیدواری آنان به کشور شود.

بازرگانی | سوال اصلی: دولت می‌تواند به انزوای ایران پایان دهد؟

پابند وعده‌ها باشید

بخش خصوصی از دولت وفاق ملی چه می‌خواهد؟



سیدمرتضی حاجی‌آقامیری
نایب‌رئیس کمیسیون حکمرانی سازمانی اتاق تهران

دولت چهاردهم رفته‌رفته شکل می‌گیرد، در حالی که انبوهی از نابسامانی و گرفتاری‌ها را از دولت سه‌ساله سیزدهم به ارث خواهد برد. تحریم‌های بین‌المللی، تراز تجاری منفی ۱۷ میلیارد دلار، ساز و کارهای ناقص تخصیص ارز و رفع تعهد ارزی که فرایند تولید و تجارت را مختل کرده‌اند تنها بخشی از آواری است که اسب زین‌شده دولت سیزدهم بر سر دولت دکتر پزشکیان خواهد ریخت.

در چنین شرایطی تصمیمات دولت چهاردهم از حساسیت و اثرگذاری افزون بر حالت عادی برخوردار است و مردمی که در تنگنای شدید به پای صندوق‌های رأی آمدند و به پزشکیان اعتماد کردند، در انتظار نتایج ملموس و مشهود رأی خود هستند لذا هر تصمیم درست دولت مردم را به حیات و آتیه خود امیدوارتر خواهد کرد و هر تصمیم نادرست آسیب شدیدی به سرمایه اجتماعی دولت خواهد زد.

در حکمی که رئیس جمهور برای معاون اول خود صادر کرد، از قانون برنامه هفتم یکی از پایه‌های میثاق مشترک دولت یاد شده است که به معنی هدف‌گذاری چشم‌اندازهایی است مانند رشد اقتصادی ۸ درصد و رشد صادرات غیرنفتی سالانه ۲۳ درصد که در متن برنامه هفتم قید شده است. همین مسئله بار مسئولیتی افزون بر انتظارات مردمی بر دوش دولت قرار می‌دهد. شاید بتوان گفت که تحقق رشد اقتصادی ۸ درصد و رشد صادرات غیر نفتی ۲۳ درصد اگر بسیار دشوارتر از تحقق انتظارات مردمی (بهبود وضعیت معیشت) نباشد، حتماً آسان‌تر نخواهد بود. در این شرایط هر تصمیم خطای دولت می‌تواند موجی از نارضایتی اجتماعی یا نهادی را ایجاد کند یا بر خلاف آن موجی از امید و رضایتمندی را به دنبال داشته باشد. در حوزه اقتصاد و تجارت کمک بخش خصوصی به دولت می‌تواند در نیل به اهداف ترسیم‌شده بسیار موثر باشد. بخش خصوصی که با تمام ظرفیت به یاری دولت آمده است، البته انتظاراتی هم دارد که دولت برای تقویت همکاری فی‌مابین در راستای تحقق حداکثری آن بکوشد.

یکی از این انتظارات انتخاب کابینه، معاونان و کادر اجرایی مطابق با شعارهای دولتی در زمینه اقتصادی است. مسعود پزشکیان در محل اتاق بازرگانی وعده داد که وزرای کلیدی اقتصادی را با نظر بخش خصوصی برگزیند. این دولت در ابتدای امر وعده داد که از جوانان، زنان و اقلیت‌های قومی در ترکیب کابینه استفاده کند. همچنین رئیس جمهور یک بار قبل و یک بار بعد از انتخابات در مقابل منظر و مسمع فعالان اقتصادی در محل پارلمان بخش خصوصی وعده داد که وزرای کلیدی اقتصادی را با نظر بخش خصوصی برگزیند. انتخاب وزیری با سوابق ناخوشایند و مخرّب در بانک مرکزی که سیاست‌های او از سال ۱۳۹۷ تاکنون کمر تولید و تجارت را شکسته و به هیچ‌کس هم پاسخگو نبوده، در جایگاه وزیر امور اقتصادی و دارایی که رییس شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی هم هست، در زمره انتخاب‌های غلط و خطرناک است و انتخاب وزیر صنعت، معدن و تجارتی کاردان و توانمند از دل بخش خصوصی واقعی که با تولید و تجارت آشنا باشد و حمایت بخش خصوصی را نیز به همراه داشته باشد از آن دست تصمیمات امیدبخش، همگرایانه و مفید برای آینده کشور خواهد بود. خاصه اینکه دولت در این دوره ناگزیر به اتخاذ تصمیمات سختی است که وجود یا فقدان سرمایه اجتماعی در کارآمدی این تصمیمات عنصری کلیدی و انکارناپذیر است.

مسئله مهم دیگری که یکی از انتظارات اصلی بخش خصوصی است، رفع تحریم‌ها و پیوستن به FATF به منظور اتصال مجدد ایران به شبکه مالی، تجاری و بانکی جهان و تنها راه ادامه حیات اقتصادی ایران است. زندگی در انزوای بین‌المللی و فعالیت در شرایط تحریمی در بلندمدت ممکن نیست. تغییر رویکرد دولت به موضوع امنیت و سیاست خارجی در راستای محوریت تجارت و اقتصاد در نظام مناسبات بین‌المللی برای تحقق این مهم ضروری است. برای نیل به این هدف هم احیا مأموریت‌های اقتصادی در دستگاه دیپلماسی یک ضرورت است و هم اهتمام سازمان توسعه تجارت به اقناع بزرگان کشور برای حرکت در این مسیر.

نکته دیگری که باز هم میراث شوم رییس بانک مرکزی دولت دوازدهم بوده، برتری سیاست‌های تجاری بر سیاست‌های ارزی است. روش‌های سرکوبگرانه بانک مرکزی در دوران عبدالناصر همتی که بدون پشتوانه منطقی و قانونی بکار رفت و پس از آن تبدیل به قانون شد، تجارت خارجی را محاق برد. این نگاه نادرست می‌بایست اصلاح شود. به موازات این تغییر، اصلاح سیاست‌های ارزی می‌بایست در صدر اولویت‌های دولت باشد. بدین منظور دولت وفاق ملی می‌بایست به سمت انجام اقدامات عملی همچون حذف پیمان سپاری ارزی، پذیرش نرخ ارز در بازار آزاد به عنوان بازار اصلی عرضه و تقاضا و تک‌نرخی کردن ارز حرکت کند. انکار واقعیت علمی و عملی عرصه اقتصاد یعنی نظام بازار عرضه و تقاضای ارز یا ایجاد رانت با نرخ‌های گوناگون بلیه‌ای است که امروز با تراز تجاری بی‌سابقه منفی هفده میلیارد دلار در اقتصاد کشور بروز کرده است.

نکته حائز اهمیت دیگر توجه به ظرفیت‌های واقعی کشور در حوزه های غیر انحصاری و متکی به بخش خصوصی واقعی است. فرش، صنایع دستی، اقتصاد فرهنگ و هنر، حوزه دانش‌بنیان و فناوری اطلاعات و... از این جمله هستند که بار اشتغال زیادی را به دوش می‌کشند، حائز ارزش افزوده بالا و ظرفیت ارزآوری بسیاری هستند و کشور ما در این زمینه‌ها در فضا و بازار بین‌المللی دارای مزیت نسبی یا در برخی موارد مطلق است.

اینها شاید بدیهی‌ترین مواردی هستند که برای تحقق رشد ۲۳ درصد صادرات غیر نفتی که در برنامه هفتم تکلیف شده، تحقق آنها ضروری است. موفقیت رئیس جمهور در انتهای این چهار سال کاملاً وابسته به تصمیمات دولت اوست. بخش خصوصی مایل به همکاری است، اما آیا دولت مسعود پزشکیان دست بخش خصوصی را خواهد فشرد؟ باید منتظر ماند و دید.

بازرگانی

سوال اصلی: دولت می‌تواند مسائل صنعت حمل‌ونقل را حل کند؟

سنگلاخ راه‌ها

اولویت‌های دولت آینده در حوزه حمل و نقل



پیمان سنندجی

رئیس کمیسیون حمل و نقل اتاق بازرگانی تهران

وزارت راه و مسکن و شهرسازی دربرگیرنده دو موضوع حیاتی و جدای از یکدیگر است که هرکدام نیازمند دنیایی از دانش، تخصص و تجربه منحصر به خود است. پرواضح است وزیر راه و مسکن و شهرسازی به عنوان سکان‌دار این وزارتخانه به تنهایی نمی‌تواند هم تخصص و دارای تجربه در موضوعات مسکن و شهرسازی باشد و هم به دانش راه، حمل و نقل، ارتباطات و لجستیک اشراف کامل داشته باشد.

از سوی دیگر طبیعی است که رئیس‌جمهور منتخب در ابتدای دوره پذیرش مسئولیت، امکان تفکیک این وزارتخانه را نداشته و چنین توقعی امری نشدنی، شتاب‌زده و فاقد فوریت خواهد بود، لذا امیدوارم وزیر منتخب دولت چهاردهم جهت اداره این وزارتخانه مهم؛ بیش از آنکه در تخصص خاص خود سرآمد باشد دارای مهارت و دانش هماهنگ کردن موضوعات متنوع و بخش‌های مختلف درونی و بیرونی مرتبط با حوزه‌های متفاوت راه، مسکن و شهرسازی باشد. قدرت تشخیص و استخراج اولویت‌های هر یک از این بخش‌ها و توان تخصیص متوازن منابع و گوش شنوایی در برابر مشورت‌ها را داشته باشد.

با توجه به شرایط فعلی کشور وزیر این وزارتخانه در دولت آینده می‌بایست حامی و پشتیبان کامل خصوصی‌سازی و مدافع بخش خصوصی در جهت تحقق اهداف ملی و برنامه توسعه هفتم باشد.

اظهارنظر در خصوص موضوعات مرتبط با بخش‌های مسکن و شهرسازی وزارتخانه موصوف در این مجال نگنجیده و می‌بایست متخصصین مرتبط در مورد آن بحث و هم‌اندیشی نمایند اما نکته حائز اهمیت جایگاه صنعت حمل و نقل و لجستیک در چهار سال پیش رو است؛ امیدوارم دولت چهاردهم ایجاد یکپارچگی و همگرایی بخش‌های دولتی و خصوصی را به ویژه در موضوعات حمل و نقل و لجستیک سرلوحه خود قرار داده و به ایفای نقش رگولاتوری پرداخته و بخش خصوصی در این دولت دارای کرسی‌های قوی و تأثیرگذار باشد.

پیشنهاد می‌شود بخش‌های تنظیم‌گر انواع مدهای حمل و نقل اعم از ریلی، جاده‌ای، هوایی و دریایی از حوزه‌های مربوطه منفک و در ساختار معاونت حمل و نقل وزارتخانه یاد شده تجمیع گردند.

ایجاد یکپارچگی بین حمل و نقل درون شهری و برون شهری به ویژه از طریق یکپارچگی طرح‌های حمل و نقلی و کالبدی شهری، حومه‌ای و ملی از یک سو و از سوی دیگر یکپارچگی طرح‌های حمل و نقلی کشور با کشورهای همسایه، می‌تواند شکوفایی صنعت حمل و نقل را در چهار سال آینده به ارمغان آورد.

توجه ویژه به کریدورها و ارتقاء جایگاه ترانزیت و بهبود کارایی پایانه‌های مرزی یکی دیگر از بایسته‌هایی است که دولت جدید باید اهتمام جدی در مورد آن داشته باشد.

در حال حاضر فقدان سند استراتژیک توسعه صنعتی و ناتوانی در شناسایی و حمایت از صنایع پیشران، تنگناهای ساختاری بخش تولید، تداوم تحریم‌ها، بی‌ثباتی سیاسی، نوسانات سیاست‌های ارزی، ساختار بودجه‌ای وابسته به منابع نفت و گاز، سیاست‌های تجاری غلط و ناکارآمدی سیاست خارجی؛ صنعت حمل و نقل را با چالش‌های فراوان روبرو نموده و تداوم آن نابودی کامل این صنعت را رقم خواهد زد

با توجه به نقش زیربنایی حمل و نقل و تأثیر مستقیم آن بر رشد اقتصادی، از بین رفتن این صنعت، توسعه اقتصادی کشور را با چالش جدی روبرو خواهد نمود. خاطر نشان می‌گردد یکی از معضلات جدی این صنعت، آفت قیمت‌گذاری دستوری است که ریل صنعت حمل و نقل را از مسیر اصلی خود خارج نموده و در ردا و ظاهر مقابله با افزایش قیمت و تورم، نه‌تنها به تثبیت قیمت‌ها کمکی نکرده بلکه التهاب بازار را به شدت افزایش داده و خود به عاملی برای جهش تقاضا و التهاب بیشتر بازار، رانت و دلال‌بازی و خروج بازار از فرآیند طبیعی خود گردیده و در حقیقت مخل سرمایه‌گذاری شده است. بر این باورم که دولت‌ها نه باید قیمت‌گذاری کنند و نه باید قیمت را رها کنند بلکه باید ضوابط و ساختاری برای قیمت‌گذاری تعیین نمایند که این موضوع اراده و توجه مضاعف دولت چهاردهم را می‌طلبد تا با ارتقاء ظرفیت‌های تولیدی، تنظیم عوارض و تعرفه‌های وارداتی و تعیین ضوابط برای قیمت‌ها؛ وضعیت نابسامان حمل و نقل کشور را از شرایط خطیر و بحرانی کنونی عبور دهد. یکی از بهترین روش‌هایی که در حال حاضر می‌توان از ظرفیت‌های آن استفاده نمود، مشارکت عمومی-خصوصی یا همان Public-Private-Partnership است که در آن مزایای بخش‌های دولتی و غیردولتی در کنار هم قرار گرفته و با جذب سرمایه‌گذاری کلان بخش خصوصی به عنوان شریک و نه رقیب اجرای پروژه‌های عرصه راه و حمل و نقل سرعت چشمگیری خواهد یافت. لذا در صورت تغییر نگاه حاکمیتی و ایجاد اعتماد، با استفاده از این راهکار نه بخش حاکمیتی و دولت و نه بخش خصوصی متضرر نخواهد شد.

توسعه کمی و کیفی تمامی مدهای حمل و نقل، رفع موانع و قوانین متناقض، توسعه و تسهیل مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری، اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌های حمل و نقلی می‌بایست یکی از اولویت‌های اصلی دولت چهاردهم باشد. امیدوارم با استفاده از ظرفیت‌های اتاق‌های بازرگانی کشور به عنوان تریبون و کانون هم‌اندیشی با بخش خصوصی، پیگیری اهداف پیش‌بینی شده در برنامه‌های توسعه و همچنین تأثیر بر تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم به سیاست‌گذاری، هدایت، نظارت و توانمندسازی بخش‌های خصوصی فعال در صنعت لجستیک و حمل و نقل و حمایت از این صنعت جهت ورود و رقابت در بازارهای بین‌المللی ایجاد گردد تا از این طریق فرصت مناسبی برای احیاء و بالندگی اقتصاد کشور فراهم و با توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی مرتبط با این صنعت و بهره‌گیری از توان تخصصی مراکز معتبر دانشگاهی کشور و شناسایی فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارهای مرتبط با صنعت حمل و نقل و ایجاد نگرش‌های نوین در مسائل این حوزه، زمینه توسعه پایدار حمل و نقل و شکوفایی اقتصاد در ایران افتخارآفرینمان میسر شود.

بازرگانی | سوال اصلی: آیا تشکیل معاونت انرژی و دیپلماسی محیط زیستی در دولت لازم است؟

لزوم تجدید ساختار

راهبردهایی برای عبور از تنگنای محیط‌زیست



سعید تاجیک

رئیس کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق بازرگانی تهران

ایران به طور هم‌زمان دچار چالش‌های زیست‌محیطی و انرژی است، شدت مصرف انرژی در کشور ما دوبرابر متوسط جهانی است، سرانه مصرف گاز ما ۱۱ برابر سایر کشورها است. ما دو برابر میانگین مصرف جهانی در شبانه روز بنزین مصرف می‌کنیم؛ علیرغم اینکه تعداد خودروهای ما نسبت به کشورهای توسعه یافته به ازای هر هزار نفر تقریباً یک‌سوم است.

با اینکه کشـــورما جزو ۲۰ کشور بزرگ از منظر اقتصادی نیست، لیکن ششمین کشور تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای در جهان است. همچنین کلان شـــهرهای ما در قسمت اعظمی از سال با مشکلات آلودگی هوا دســـت و پنجه نرم می‌کنند. بخشی از دلایل تولید این آلاینده‌ها، آلودگی طبیعی ناشی از گردوغبار و قرارگرفتن در کمربند غبارآلود زمین اســـت و منشا طبیعت‌ســـاز دارد. بخشی دیگر از این آلودگی، انسان‌ساخت است که از منابع سایشی منابع احتراقی (ثابت و متحرک) تولید می‌شود. ما از منظر اکولوژیک نیز تنش شدید آبی را تجربه می‌کنیم که تالاب‌ها و دریاچه‌ها و سفره‌های آبی ما را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار داده است. بخشی از این مشکلات به دلیل رفتارها و الگوهای مصرفی در داخل کشـــور و برخی به علت تغییرات اقلیمی، گرمایش زمین و تنش‌های زیست محیطی به وجود آمده در سطح منطقه است. همه مشکلات آلودگی کلان‌شهرها فقط ریشه در رفتار و فرهنگ مصرف مردم ندارند و آلودگی‌های ایجاد شـــده که موجب تعطیلی تهران می‌شـــوند به دلیل وجود ذرات ۲٫۵ میکرون است که صرفاً با عوامل انسان‌ســـاز به وجود نیامده‌اند. دلیل عمده این معضل وجود بیابان‌ها و خشکسالی‌های ایجاد شده در کشور است که با توجه به مفهوم «ظرفیت زیستی» و اکولوژیک کشور بعضاً ناگزیر هستند. ما نیاز به اصلاح الگوی مصرف برای حفظ تعداد و پراکندگی جمعیت در سطح کشـــور داریم. لازم به توضیح اســـت که ظرفیت زیستی (Biocapacity) معیاری اســـت که توانایی یک منطقه خاص برای تولید منابع طبیعـــی و جذب ضایعات را ارزیابی می‌کند. این مفهوم به ارزیابی توانایی یک منطقه برای تأمین نیازهای زیســـتی انسان‌ها و اکوسیســـتم‌های طبیعی بدون کاهش توانایی‌های تولیدی آینده می‌پردازد. در واقع، ظرفیت زیســـتی به معنای توانایی کشـــور برای تولید منابع طبیعی و جذب ضایعات، از جمله دی‌اکســـید کربن، در محدوده‌ای از زمان معین است. این مفهوم شامل عواملی مانند تولید غذا، چوب، آب شیرین، و همچنین توانایی جذب دی‌اکسید کربن و دیگر ضایعات زیستی است.

تمامی این موارد بیانگر اهمیت نیاز توجه بیش‌ازپیش دولت به حل مســـائل و مشکلات این حوزه است. زنگ خطر حوزه انرژی و محیط زیستی در کشور به صدا درآمده است.

> با تصریح این مورد که ناترازی انرژی در کشور علاوه بر سمت تولید (ظرفیت خام تولیدی شامل مواد اولیه) ریشه در فرسودگی نیروگاه‌ها و راندمان بسیار پایین آن‌ها نیز دارد. ما در بخش توزیع هم با مشکل اتلاف انرژی در حین انتقال مواجهه‌ایم

ناترازی‌های ناگوار

سوءمدیریت بخش انرژی کشور را دچار ناترازی‌های چشمگیری کرده است، درحالی‌که دارای دومین ذخایر گازی جهان هستیم و می‌بایست صادرکننده گاز می‌بودیم، با سوءمدیریت‌ها در فصول سرد با کمبود گاز برای مصرف هم مواجه می‌شویم.

ما دارای بزرگ‌ترین شـــبکه توزیع گاز جهان هستیم. تمام کشور به‌واسطه اجرای سیاست‌های سال‌های گذشته گازرسانی شده است. می‌توانستیم هزینه‌ای که صرف توزیع گاز در کشور کردیم را به ساخت نیروگاه‌های تولید برق اختصاص دهیم و مانند کشورهای پیشرفته تنها یک انرژی یعنی برق را به درب منازل برسانیم. می‌بینم که برخی از سیاســـت‌های اتخاذ و اجرا شده در حوزه انرژی خود منجر به بروز ناترازی‌ها در این حیطه شده‌اند و البته ناترازی‌های موجود در همین سطح محدود نمی‌شوند.

در حوزه گاز، از سال ۱۳۹۱ به‌واسطه اعمال تحریم‌ها علیه کشور، توفیقی به جذب سرمایه‌گذارهای کلان در حوزه استخراج نفت و گاز نداشته‌ایم. برای مثال، پارس جنوبی در عسلویه که بزرگ‌ترین منبع گازی ایران است و ۵۰درصد گاز ایران را تولید و تأمین می‌کند، پس از گذشت بیست سال از تأسیس به مرحله فرسودگی رسیده و نیاز به تعمیرات اساسی و بازآمدی (اورهال) پیدا کرده است. اما به دلیل فشار سنگینی که روی این مجتمع برای تولید برق در نیروگاه‌ها در تابستان و تأمین گرمایش منازل در زمستان است. عملاً حتی فرصت این امر را نداشته و عدم رسیدگی و حل این مسئله می‌تواند در آینده خسارات جبران‌ناپذیری را به بار بیاورد.

در حوزه برق، درحالی‌که ظرفیت برق کشـــور ۹۲ هزار مگا وات اســـت، امســـال با ناترازی ۱۷ هزار مگا وات در زمان‌های اوج مصرف مواجه بودیم و این ناترازی هر سال در حال افزایش است و بین میزان رشد تولید و میزان رشد مصرف فاصله زیادی وجود دارد. در این بخش نیز موفق به جذب سرمایه‌های کلان برای ساخت نیروگاه نشده ایم. متاسفانه در این مقطع زمانی نیروگاه جدیدی که آماده بهره برداری و اضافه شـــدن به شبکه برق کشور باشد در اختیار دولت جدید قرار نخواهد گرفت. این امر نشان‌دهنده آن است که این بحران در آینده نزدیک تشدید نیز خواهد شد. همچنین قرار بوده بخش چشمگیری از تولید برق کشور به نیروگاه‌های تجدیدپذیر اختصاص یابد که متاسفانه با عدم اجرای بســـته‌های حمایتی و مشوق‌ها از یک طرف و از سوی دیگر مداخلات دولت و قیمت‌گذاری‌های دستوری، بخش خصوصی تمایلی برای سرمایه‌گذاری در این حوزه ندارد و در حال حاضر حدود ۱/۱درصد برق کشور از محل انرژی‌های تجدیدپذیر تامین می‌شود.

با تصریح این مورد که ناترازی انرژی در کشور علاوه بر سمت تولید (ظرفیت خام تولیدی شامل مواد اولیه) ریشه در فرسودگی نیروگاهها و راندمان بسیار پایین آن‌ها نیز دارد. ما در بخش توزیع هم با مشکل اتلاف انرژی در حین انتقال مواجهه است. در نهایت، الگوهای مصرف نیز در کشور ما درست نیستند. تمام نهادهایی که در کشور متصدی بهینه‌سازی الگوی مصرف هستند از طریق وضع و تنظیم قوانین و اجرای آن‌ها هستند، ناکام بوده‌اند و به نتایج مطلوبی دست پیدا نکرده‌اند

در کشور هم در سمت تولید و هم در سمت مصرف با چالش‌ها و مشکلاتی روبه‌رو هستیم که باعث به‌وجودآمدن ناترازی‌ها شده‌اند؛ بنابراین برای حل این مسئله یا باید کاهش مصرف داشته باشیم یا افزایش تولید اما متأسفانه دولت برای جبران کسری‌های حاصل از ناترازی‌ها، صنعت را با قطعی منابع انرژی مثل برق یا گاز در روزهای اوج مصرف دچار مخاطره می‌کند.

بخش عمده‌ای از مشکلات ناترازی انرژی ریشه در بحران‌های اقتصادی دارد

ناترازی‌هایی که شرح آن‌ها داده شد و مشکلات اقتصادی که کشور با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند باعث مداخله دولت و اجرای سیاست‌های قیمت‌گذاری دستوری باهدف حمایت از اقتصاد خانوارها شده که خود عاملی بر تشدید وخامت اوضاع است. برای مثال پایین نگه‌داشتن قیمت بنزین به‌صورت دستوری موجب افزایش مصرف شده است. قیمت‌گذاری دستوری در صنعت خودرو نیز باعث زیان انباشته خودروسازان گردیده است و توان سرمایه‌گذاری آن‌ها بر پروژه‌های تحقیقاتی و جدید را کاسته است. مداخلات دولت در قیمت‌گذاری نه‌تنها به رفع ناترازی کمک نکرده؛ بلکه چالش‌های جدیدی را به وجود آورده و حتی رقابت‌پذیری را نیز در حوزه‌های مختلف از بین برده است. اگرچه مداخلات دولت به نام حمایت از اقتصاد خانوار انجام شده است؛ اما این حمایت نه با مداخله برای کنترل هزینه‌ها بلکه با افزایش رشد اقتصادی ممکن خواهد شد.

در واقع گویی دولت به جایی اینکه مسیر توسعه اقتصادی را برای افزایش درامدهای عمومی مردم دنبال کند سعی در پایین نگه داشتن ظاهری برخی هزینه‌ها کرده است. در حوزه محیط زیست هم تقریباً وضع به همین منوال است دولت از کیسه محیط زیست برای راضی نگه داشتن بخشی از مردم بذل و بخشش می‌کند. مثال واضح این مدعا حفر چاه‌های عمیق در بسیاری از منطق روستایی و کمتر برخوردار است

پیشنهادهای کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق بازرگانی تهران به دولت جدید

ازآنجا که حوزه‌هایی محیط‌زیست و انرژی تابع شرایط اقتصادی کشور هستند، نیاز به انجام اصلاحات اقتصادی امر مسلمی است که دولت می‌تواند برای انجام آن‌ها از بخش خصوصی کمک بگیرد. در سال‌های گذشته دولت در این مورد همراه نبوده است. رویکرد دولت نسبت به استفاده از پتانسیل‌های بخش خصوصی، قابل نقد است. برای نمونه، در مورد گازهای فلر یا اسقاط خودروهای پرمصرف و یا بهینه سازی مصرف ساختمان‌های اداری و مسکونی پیشنهادهای تشکل‌های تخصصی و اتاق بازرگانی برای همکاری با دولت در مدیریت هدررفت انرژی از سمت دولت بی‌پاسخ مانده‌اند.

باتوجه‌به تمام مواردی که به آن‌ها اشاره شد، بخش خصوصی برای حل چالش‌ها و معضلات موجود در این حوزه‌ها به سمت دولت چهاردهم دست یاری دراز کرده و حضور بخش خصوصی و استفاده از ظرفیت کارشناسی در کنار دولت می‌تواند به حل چالش‌های موجود در حوزه انرژی کمک چشمگیری کند.

پیشنهادها برای حل چالش‌های حوزه‌های انرژی و محیط‌زیست

- دخیل کردن بخش خصوصی در تولید و تنظیم قوانین و سیاست‌های مربوط به حوزه انرژی؛ الزام به حضور نماینده اتاق بازرگانی در فعالیت‌های مربوط به رگولاتوری حوزه انرژی
- پذیرش قواعد بین المللی حوزه محیط زیست از جمله پیوستن به معاهده پاریس
- اتصال نظام بانکی کشور از طریق پذیرش FATF به نظام بانکی جهانی به‌منظور حل چالش‌های محیطی زیستی و ناترازی‌های موجود در حوزه انرژی؛ فرآهم شدن امکان جذب سرمایه‌های خارجی از طریق سیستم بانکی کشور
- ایجاد دیپلماسی محیط زیستی در دولت جدید؛ اعزام هیئت ایرانی منسجم (دولت و بخش خصوصی) به بیست و نهمین دوره کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد (COP۲۹) با ریاست آقای دکتر پزشکیان برای تبدیل گفتمان دولت جدید به گفتمان محیط زیستی و برقراری ارتباط با کشورهای منطقه از طریق این گفتمان و ادبیات مشترک برای حل مسائل و چالش‌های مشترک
- پیوستن اتاق بازرگانی به شورای‌عالی محیط‌زیست به‌منظور استفاده از پتانسیل‌ها و راهکارهای بخش خصوصی برای حل معضلات موجود در این حوزه

تشکیل یک نهاد رگولاتور و هدایتگر با نام «معاونت انرژی» توسط دولت جدید برای دستیابی به یک نگاه جامع و کامل به جریان تولید و مصرف در کشور؛ ایجاد هماهنگی میان وزارتخانه‌ها (نیرو و نفت) و سازمان‌های (بهینه‌سازی مصرف، محیط‌زیست و استاندارد) درگیر در حل چالش‌های موجود و حل تضاد منافع میان این نهادها به‌منظور تسهیل حل مشکلات در حوزه انرژی و محیط‌زیست.

ما دارای بزرگ‌ترین شبکه توزیع گاز جهان هستیم. تمام کشور به‌واسطه اجرای سیاست‌های سال‌های گذشته گازرسانی شده است. می‌توانستیم هزینه‌ای که صرف توزیع گاز در کشور کردیم را به ساخت نیروگاه‌های تولید برق اختصاص دهیم و مانند کشورهای پیشرفته تنها یک انرژی یعنی برق را به درب منازل برسانیم



۵

بازرگانی

سوال اصلی: دولت مسیر توسعه صادرات را پیش می‌برد؟

دولت در بازار دخالت نکند

توصیه‌هایی به رئیس‌جمهور برای اصلاح سیاست‌های تجارت خارجی



مهراد عباد

عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران

این روزها گروه‌های مختلف، پیشنهادهای اصلاحی زیادی را به جناب آقای دکتر پزشکیان ارائه می‌دهند. شایسته است با تجمیع توصیه‌هایی که به نفع و مصلحت کشور است، با گوشی نیوشا، شنوای مشورت‌های مفید باشند.

در خصوص سیاست‌ها و ریل‌گذاری‌های انجام شده طی چند دهه اخیر، نیز انتقادهای زیادی وجود دارد که لازم است رئیس محترم جمهور و تیم اقتصادی ایشان در اسرع وقت نقاط ضعف موجود را شناسایی و سعی کنند که آنها را به نقاط قوت تجارت خارجی ایران تبدیل کنند.

دیگر بر کسی پوشیده نیست که فرآیندهای تدوین شده برای واردات و صادرات کالا دارای معایب بسیاری است. شاید دو مساله مربوط به فرآیندهای ثبت سفارش و تخصیص ارز برای واردات را بتوان جزو اصلی‌ترین مشکلات حوزه واردات نام برد.

در طول ده سال اخیر، مشکلات حاصل از تحریم‌های خارجی، کمبود منابع ارزی و سیاست‌گذاری‌های اشتباه مثل ممنوعیت‌های مختلف واردات باعث شده تا پروسه فعلی ثبت سفارش برای واردات کالا، ناکارآمد باشد. در حال حاضر تعداد زیادی از کالاها به دلایل مختلف امکان واردات نداشته و تنها حدود سه هزار ردیف تعرفه کالا امکان ثبت سفارش دارد. این محدودیت‌هایی که در مسیر واردات رخ داده در سال‌های اخیر و به دلایل مختلف به حوزه بازرگانی اعمال شده است که یکی از آن‌ها، موضوع حمایت از تولید داخل بود. بهانه حمایت از تولید داخل، باعث شد ورود کالاهایی که تولید مشابه داخلی دارند ممنوع شود؛ اما شناسایی این کالاها، کار هیچ دولتی نیست؛ زیرا تقاضای بازار را خود بازار تعیین می‌کند و نه اندیشه افراد. پس با این اوصاف، کالاهایی ممنوع شد که تولید آن در داخل با مشکل مواجه بوده و گاهی کیفیت لازم را نداشته‌اند. این امر باعث نارضایتی مصرف‌کنندگان و کمبود کالا در این حوزه‌ها شده است. از طرف دیگر سیاست‌گذار با عدم ورود کالاهای با کیفیت خارجی، عملاً موضوع رقابت و افزایش کیفیت تولید را از بین برده است و گاهی مردم و فعالان اقتصادی، شاهد تولید کالاهای بی‌کیفیت ایرانی هستند. همچنین سیاست‌های موجود، باعث ترویج صنعت مونتاژکاری در سطوح مختلف هست و خود آن هم حاصل ریل‌گذاری‌های اشتباه است؛ زیرا واردات کالای با کیفیت ممنوع است اما واردات قطعات آن از کشورهای که کالاهای ارزان و بی‌کیفیت می‌فروشند برای مونتاژ آزاد است. از طرف دیگر، با توجه به کمبود ارز، تعداد زیادی از کالاهای مورد نیاز مردم کشورمان با عنوان کالای لوکس در لیست ممنوعه واردات قرار گرفته‌اند.

برای اصلاح سیاست‌های موجود این حوزه، لازم است نگرش رانتی موجود اصلاح شود زیرا با این نگرش ناکارآمد، امکان اصلاح ساختاری وجود ندارد. صورت مسئله این است که کشور به کالاهای مختلف برای مصرف یا تولید خود نیاز دارد و به هر صورت باید این کالاها وارد شود تا در بازار آنها خللی ایجاد نشود.

هرگونه دخالتی در قسمت عرضه و تقاضا، باعث ایجاد آشوب در بازار آن می‌شود. پس باید با آزادسازی واردات کالاهایی که مورد نیاز کشور است و باعث بهبود افزایش کیفیت از طریق رقابت آزاد می‌شوند، بتوانیم رضایت مصرف‌کنندگان را فراهم آوریم. تمامی اقدامات صورت گرفته به دو دلیل کمبود منابع ارزی و توهم حمایت از تولید داخل با در قفس کردن تجارت، باعث اختلال‌های موجود در ثبت سفارش کالا شده است.

برای حل مشکل، کمبود ارز باید با بهبود روابط تجاری بین‌الملل و همکاری با نهادهای تجاری جهانی، راه را برای صادرات بیشتر دولتی و خصوصی باز کنیم تا کمبود منابع ارزی جبران شود. نباید با پاک کردن صورت مسئله موضوع را به بی‌راهه برد.

در خصوص حمایت از تولید داخل -که واژگان بسیار زیبایی است- نیز نباید مغلطه کرد؛ ما باید برند «تولید ایران» را تقویت کنیم تا بتوانیم بازارهای صادراتی را فتح کنیم. در این راه، لازم است از سیاست‌هایی که موجب اعطای رانت به گروه‌های خاص می‌شود جلوگیری کرد. در بحث صادرات نیز مهم‌ترین موضوعی که نیاز است به سرعت تدبیری در مورد آن اندیشیده شود بحث بازگرداندن ارز حاصل از صادرات است. در سال‌های نه چندان دور، با به وجود آمدن محدودیت‌های ارزی و وجود نداشتن بستر شفاف برای نقل و انتقال‌های مالی حاصل از واردات و صادرات، حاکمیت وقت تصمیم گرفت این موضوع را شفاف کند تا مشخص شود که واردکنندگان ارز را از کجا تهیه و به کجا واریز می‌کنند. از طرف دیگر، صادرکنندگان می‌بایست به صورت شفاف در زمان‌بندی‌های مشخص ارز خود را به کشور بازگردانند و در مسیر تعیین شده با قیمت کمتر از بازار به فروش برسانند

نیت اصلی این کار که شفافیت نقل و انتقال ارز بود بسیار ارزشمند است اما روش‌های تدوین‌شده باعث کاهش واردات مواد اولیه و صادرات غیر نفتی و همچنین باعث افزایش ورود کالاهای قاچاق بی‌کیفیت به ایران شده است.

دولت‌ها به علت کمبود ارز و بهانه ایجاد شفافیت واردکنندگان را مجبور کردند که برای واردات حتماً از ارز دولتی محدود استفاده کنند که باعث ایجاد رانت‌های گسترده شده است و از طرفی دولت‌ها خود با مشکل برگرداندن ارز حاصل از فروش منابع خام ملی مواجه هستند و به هر طریقی با بهای کمتر ارزها را بر می‌گردانند و با وجود آگاهی از شرایط موجود فشار اصلی تامین ارز کشور را بر گرده بخش خصوصی نهاده‌اند.

شاید با بازگرداندن روش واردات بدون انتقال ارز، حذف قیمت‌گذاری دستوری برای واردات و صادرات کالاها، بازگرداندن کالاهای مجاز برای واردات به مقرره ده سال گذشته و اختصاص زمان یک‌ساله برای بازگرداندن ارز حاصل از صادرات بتواند در کوتاه‌مدت راه‌گشای تجارت خارجی ما باشد به ترتیبی که باعث بهبود تراز تجاری غیرنفتی و توسعه ایران شود.

سوال اصلی: توسعه صنایع دارویی انجام می‌شود؟

استهلاک دارویی

اولویت‌های حوزه دارو



محمد عبده‌زاده

رئیس کمیسیون اقتصاد سلامت اتاق بازرگانی تهران

مجموعه داروسازی کشور با ظرفیت ۱۶۵ شرکت تولیدکننده دارو، ۵۶ شرکت تولیدی محصولات بیوتک، ۵۶ شرکت تولیدی ماده اولیه، ۱۰۰ شرکت تولیدی مکمل، ۳۰۰ شرکت تولیدی داروهای طبیعی و گیاهی، ۵۶ شرکت توزیع کننده دارو با حدود ۱۶۵۰۰ داروخانه یک سرمایه عظیم ملی و پتانسیل بی‌نظیری در تأمین سلامت مردم به حساب می‌آید. این مجموعه ملی با تأمین بیش از ۹۷درصد داروی مورد نیاز کشـــور، با زنجیره‌ای منســـجم و پویا با تولید جدیدترین داروهای بیوتک و واکسن و... توانسته پشتوانه‌ای بی بدیل برای استقلال کشور در حوزه سلامت، آرامش بیماران و اطمینان جامعه پزشکی باشد. زنجیره تأمین داروی کشور با ترکیبی از هلدینگ‌ها و شرکت‌های دولتی و خصوصی اداره می‌شوند که در طی این سال‌ها به تدریج سهم بخش خصوصی از بازار دارویی کشور با افزایش چشم گیر به حدود ۷۰درصد رسیده است.

در کنار تمام موفقیت‌ها و افتخار آفرینی حوزه دارویی کشور در توسعه و عمق دانش داروسازی همواره این حوزه با چالش‌های متعددی روبرو بوده است که به ذکر برخی از آنها می‌پردازم: دارو یک کالای اســـتراتژیک محسوب می‌شود چرا که سلامت مردم با اهمیت و گرانبهاست و تمام دولت‌ها ســـعی می‌کنند شاخص‌های سلامت را ارتقا دهند؛ ولی آنچه شاهد هستیم توجه و حمایت از این کالاهای اســـتراتژیک کمرنگ است. صنایع داروسازی در دنیا به ســـرعت در حال تحول دانش و تکنولوژی هستند و صنعت داروسازی کشور نیازمند بازسازی، نوسازی و بروزرسانی خطوط تولید براساس آخرین تکنولوژی روز صنایع داروسازی دنیا است. تضاد منافع ساختاری در وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو و تجمیع یکسری وظایف متضاد در این وزارتخانه که در ذات خود نه تنها مانع توسعه نوآوری شده است بلکه در ایجاد رضایت مندی در بیماران و کادر درمان، مشکلات جدی را به همراه داشته است. این وزارت هم متولی صنعت دارو است، هم قیمت‌گذاری، هم رئیس شورای عالی بیمه، هم رگولاتور و متولی کیفیت، هم تعیین‌کننده تخصیص ارز و... که هرکدام از این وظایف با وظیفه دیگری در تضاد است. بعنوان مثال: بدلیل کاهش رشد بودجه‌ای بیمه، قیمت گذاری دارو را سرکوب می‌کنند. به دلیل کمبود بودجه بیمه‌ها پرداخت از جیب بیماران افزایش پیدا می‌یابد. وقتی شعار حمایت از بیمار می‌دهیم، باید پوشش بیمه‌ای را کامل کنیم. وقتی در طرف بیمه گذار ایستاده‌ایم منافع بیمار تأمین نمی‌شود. در بودجه‌های سنواتی کاهش پرداخت از جیب بیماران به مقدار کافی طبق برنامه توسعه هفتم پیش‌بینی نمی‌شود و خروجی این کار فشار به صنعت جهت سرکوب قیمت از یک طرف، بیمه‌های بدهکار و بیمارانی ناراضی به دلیل عدم توان هزینه‌های دارو و درمان در طرف مقابل اســـت، به این نارضایتی مشکلات کادر درمان نیز هم بایستی افزوده شود. تجمیع تولیت کمیت (تأمین و تدارک دارو) و کیفیت (رگولاتور و نظارت) در ذات خود دارای تضاد است و این مورد در زمان کمبودها بروز بیشتری دارد. یا اینکه رگولاتور به جای تلاش در تأمین دارو خود را پاسخگو در خصوص صرفه جویی ارزی، یا اصلاح کد تعرفه‌ها بداند در این صورت سیاستگذار از وظیفه ذاتی خود دور می‌شود. تضاد منافع ساختاری تا جایی است که به خاطر تأمین هزینه‌های اداری و پرسنلی، ردیف حقوق پرسنل به درآمدهای جاری وصل شده است و برای افزایش درآمد از جیب صنعتگران هر روز شاهد بخشنامه‌های متعدد هستیم. سیاست چندنرخی ارز، کسری بودجه سنواتی، تحریم‌های بانکی، بدهی‌های روز افزون مراکز دولتی، چرخه نقدینگی صنایع داروسازی را با وضعیت بحرانی روبرو نموده است که نیازمند اقدام فوری است. هلدینگ‌ها و کارخانجات بزرگ بخش‌های نیمه دولتی (خصوصی) که زمانی ضامن امنیت تأمین دارو بود نه در سالیان اخیر جولانگاه ناکارآمدی و آزمون و خطای مدیران کارنابلد و تعاملات سیاسی شده است. بطوری‌که چنانچه اقدام عاجل در خصوص واگذاری سهام مدیریتی این صنایع گرفته نشود، سرنوشت این بخش از صنایع داروسازی ورشکستگی و آسیب جدی به سیستم تأمین دارویی کشور خواهد بود. بوروکراسی، عدم اجرای نظام سطح بندی، ورود سازمان‌ها و نهادهای متعدد به حوزه سیاست‌های حوزه غذا و دارو، شفافیت ناکافی، واردات داروهای فوریتی و خارج از سیستم ثبتی، عدم اجرای ماده ۳ و ۲ قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار و مسائل و مصائب متعدد دیگری از این قبیل، بیش از پیش گریبانگیر سیستم داروسازی شده است.

پیشنهادها

۱- تولیت و پاســـخگویی نظام دارو، واکسن، فراورده‌های بیولوژیک، تجهیزات پزشکی، فرآورده‌های آرایشی و بهداشتی، داروهای طبیعی، طب سنتی و مکمل، شیرخشک اختصاصاً به سازمان غذا و دارو سپرده شود و از ورود سایر سازمان‌های غیر مرتبط در حوزه سیاستگذاری این حوزه جلوگیری شود. به همین منظور تدوین اساسنامه سازمان غذا و دارو با ساختار هیات امنایی طی مدت مقرر در برنامه توسعه هفتم با ذینفعان ضروری است.

۲- ســـازمان غذا و دارو صرفاً یک سازمان مستقل رگولاتور و ناظر بر فراورده‌های سلامت با نگاه به آینده و با راهبرد پیشـــرو در حوزه‌های مختلف از جمله هوش مصنوعی، پرینت سه بعدی، سلول درمانـــی، ژن درمانی، بازارهای دیجیتال و...، بدون ورود بـــه فرایندهای زنجیره تأمین فرآورده‌های سلامت (بخش تجاری- بازرگانی، قیمت‌گذاری، تخصیص ارز، قراردادهای خرید) تبدیل شود.

۳- بخش‌هایی از قانون و مقررات پزشکی و دارویی مصوب ۱۳۳۴ در راستای اهداف فوق بروز سانی و اصلاح شود.

- اصلاح زنجیره تأمین دارو، با تناسب بین اعضای زنجیره تولید، توزیع و عرضه بایستی بر اساس نیازسنجی، نظام سطح‌بندی مبتنی بر تمرکز بر تأمین داروی کشور از طریق تولید داخل و یا واردات قانونی باشد.
- سیاست حمایت از بیماران صرفاً در قالب بیمه‌ها (پوشش هدفمند و کامل) با پرداخت یارانه به آخر زنجیره و حذف ارز ترجیحی به انجام برساند.
- تنظیم‌گری بخش صنعتی و تجاری فرآورده‌های سلامت به وزارت صمت محول شود و وزارت بهداشت در این بخش‌ها ناظر و تسهیل گر باشد.
- اصلاح نظام قیمت‌گذاری تابع ضوابط سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان شبیه بقیه صنایع کشور شده، به نحوی که کلیه کمیسیون‌های موضوع ماده ۲۰ قانون و مقررات پزشکی و دارویی صرفاً در بخش کلان سیاست‌گذاری نموده و از تصمیم مصداقی و موردی خارج شوند.
- اصلاح ساختار مدیریتی بخش‌های نیمه دولتی در حوزه دارو و تجهیزات، تقویت بخش خصوصی و پرهیز از توسعه بخش دولتی. از طریق حمایت مقرراتی و آیین‌نامه‌ای در چهارچوب قانون و واگذاری سهام مدیریتی شرکت‌ها و هلدینگ‌های دولتی به بخش‌های کاملاً خصوصی و خروج سیستم‌های دولتی و بانکی از بنگاه‌داری
- جهت تامین نقدینگی، پیش‌بینی تأمین و تخصیص بودجه واقعی شود، تخصیص منابع نشاندار شده، بیمه‌های درمانی به اجرای قرارداد فی مابین مکلف شوند، و بازپرداخت بدهی‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی و تفکیک حساب‌های دارو و تجهیزات پزشکی تکلیف شود.
- جهت توســـعه صادرات پیشنهاد می‌شود کلیه الزامات اخذ مجوز حذف و صرفاً وزارت بهداشت لیست ممنوعیت‌ها را به صورت ماهیانه اعلام کند.
- بر اساس برنامه هفتم توسعه، حمایت تســـهیلاتی از صنعت جهت به‌روزرسانی ماشین‌آلات و ارتقای اســـتانداردهای جهانی تولید که تسهیل گر صادرات این فرآورده ها نیز هست در دستور کار جدی قرار گیرد.

بازرگانی | سوال اصلی: نقش اتاق در دولت چهاردهم چیست؟

بخش خصوصی را نادیده نگیرید

مشورت با فعالان اقتصادی کارآمد است



محمدرضا غفراللهی
نایب‌رئیس کمیسیون تسهیل و توسعه تجارت اتاق تهران

دکتر پزشکیان، منتخب مردم در دوره چهاردهم ریاست جمهوری، یکی از مسائلی که قبل از انتخابات مطرح کردید، استفاده از کارشناسان مجرب در حوزه تصمیم‌گیری‌های مختلف بوده است. این وعده، نویددهنده آن است که تصمیماتی در زمان زمامداری دولت شما اخذ می‌شود که پیش از اجرا به پختگی لازم رسیده باشد و نتیجه‌گیری خوبی از تصمیمات گرفته شود. زیرا بازرگانان سرمایه مادی و معنوی خود را در مسیر تامین کالا برای کشور قرار داده‌اند و وضعیت به‌گونه‌ای پیش رفته است که اندک اعتباری که تجار اعم از تولیدی و بازرگانی نزد فروشندگان خارجی داشته‌اند به دلیل مانع‌تراشی‌ها در دستگاه‌های اجرایی داخل کشور دچار خدشه شده است. به همین دلیل جلوگیری از اجرای تصمیماتی که بدون برنامه‌ریزی اخذ می‌شوند و قابلیت اجرایی شدن ندارند، یکی از مهم‌ترین مطالبات ما از منتخب محترم جمهور است.

توصیه من به عنوان یکی از اعضای هیئت نمایندگان به دکتر پزشکیان این است که بدنه اتاق بازرگانی و بخش خصوصی را به عنوان کارشناسان مجربی که همه روزه با مسائل اقتصادی و تجارت بین‌الملل دسته و پنجه نرم می‌کنند در نظر بگیرند چراکه این افراد جزو بهترین کارشناسان در حوزه تجارت هستند. استفاده از ظرفیت اتاق بازرگانی، کمک می‌کند تصمیماتی که در بدنه دولت اخذ می‌شود به طور جد، راهگشای بخش اقتصادی و بدنه بخش خصوصی باشد و در مسیر توسعه صادرات کشور به بخش خصوصی کمک کند.

از سوی دیگر، یکی از ماموریت‌های مهم اتاق بازرگانی، ارائه مشاوره به قوای سه‌گانه است، با این حال یکی از ظرفیت‌هایی که در سال ۹۰ به‌صورت نهادینه شروع به فعالیت کرد، شورای گفت‌وگوی بخش‌خصوصی و سه قوه بود. این شورا در ابتدا، وجهه خاصی نداشت؛ اما با تلاش‌های بخش‌خصوصی از ظرفیت‌های این شورا در استان‌ها استفاده شد. به‌نظر می‌رسد که نقطه‌نظرات اتاق و بخش خصوصی، بیش از همه در شورای گفت‌وگو تاثیرگذار است. نمایندگان مجلس، استانداران و دادستان‌های دادگاه‌ها در این جلسه حضور دارند و از سوی دیگر هم اتاق بازرگانی، دبیرخانه این جلسات است. آنها در این جلسات در راستای بهبود فضای کسب‌وکار نظرات خود را ارائه می‌دهند. حتی گاهی پیشنهادهای خود را در سطح ملی اعلام کرده و به این پیشنهادها توجه می‌شود. این پیشنهادها، پس از بررسی به‌صورت درخواست اصلاح یک قانون خاص به مجلس ارسال می‌شود، به‌همین‌دلیل اگر شورای گفت‌وگو در سال‌های اخیر فعالیت نداشت، وضعیت فضای کسب‌وکار از این هم بدتر می‌شد. البته این شورا تمام توقعات ما را مرتفع نساخته است. بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که در کشور اعمال می‌شوند، باید با توافق دولت و بخش‌خصوصی اجرا شود. خبر اجرایی‌شدن این‌گونه بخشنامه‌ها نیز ابتدا باید در روزنامه‌های کثیرالانتشار اعلام شود تا فعالان اقتصادی بتوانند در کسب‌وکار خود، برنامه‌ریزی مناسب داشته باشند. حضور اتاق در هر مجمعی که به‌عنوان نماینده بخش‌خصوصی در آن حاضر است، به‌صورت حداقلی است، به‌همین‌دلیل هم تنها مجمعی که به‌خوبی درباره مشکلات بخش خصوصی، تعمق می‌کند، شورای گفت‌وگو است. در مجامع دولتی که اتاق در آنها حاضر است هم اظهارنظرهایی صورت می‌گیرد اما تاثیرگذاری آنها به حد کافی نیست. انتظار فعالان خصوصی این است که تصمیمات مهم اقتصادی در همین مجامع که با حضور بخش خصوصی برگزار می‌شوند، اخذ شود. گاهی دولت، رویه‌ها و دستورالعمل‌هایی را بدون اینکه امکان اجرای آن را داشته باشد یا اثرات و تبعات آن را بداند، تصویب می‌کند. حضور نمایندگان بخش‌خصوصی در این موارد مهم است، زیرا می‌تواند تبعات هر تصمیم را به سیاستگذار توضیح دهد. قوانین بهبود مستمر محیط کسب‌وکار هم الزام‌های قانونی‌ای را پیش‌بینی کرده تا دستگاه‌های اجرایی پیش از صدور بخشنامه‌ها و رویه‌های اقتصادی، نظر نمایندگان بخش‌خصوصی را درباره آن بخشنامه یا رویه بپرسند. اقتصاد ایران وارث یک ساخت اقتصادی است و فعالیت‌ها در همه بخش‌های اقتصادی باهم مرتبط است. ۶۰ سال سیاستگذاری پولی، مالی، ارزی و صنعتی و مداخلات دولت در قیمت‌گذاری، اقتصاد را به چنین روزی رسانده و انتظار نمی‌رود این ساخت در یک سال تغییر کند؛ اما انتظار می‌رود در مسیر تغییر نقشه حرکت کنیم.

پس، حضور اتاق در مجامع دولتی، امری لازم است؛ چراکه امروز مسئله اقتصاد، مهم‌ترین موضوع کشور است. از آنجایی‌که منشأ اقتصادی مشکلات تامین معاش مردم و همچنین تهدیداتی که کشور تجربه می‌کند، مشهود است، باید همه پیوست‌های اقتصادی تصمیمات کلان اقتصادی کشور، مورد بررسی قرار گیرد. حضور اتاق در این مجامع کمک می‌کند همه ابعاد تصمیمات اقتصادی لحاظ شده و در نهایت بهترین تصمیم اخذ شود. اینکه اتاق نماینده واقعی و تاثیرگذار بخش‌خصوصی باشد به این بستگی دارد که قبل از نمایندگی در مجامع غیرخصوصی، هر مسئله‌ای را در کمیسیون‌ها درست تحلیل و بررسی کند، پس از آن هم نتیجه‌ای که در مجامع دولتی با همراهی بخش‌خصوصی به‌دست آمده، دوباره به اتاق بازگردد و بررسی شود تا بالاخره با کمترین مشکل اجرایی شوند. پیگیری این مسائل هم در کمیسیون‌ها شکل بهتری می‌گیرد. لازمه این موضوع هم دقت و جدیت بیشتر اعضای اتاق بازرگانی بر مسائلی است که به شور گذاشته می‌شود. آنها باید ساختار مناسب هر مسئله اقتصادی را طراحی کنند تا همه بتوانند از این سازوکارها به نفع توسعه اقتصاد کشور، استفاده کنند. نباید تصمیماتی گرفته شود که عوارض داشته‌باشد. در دولت جدید، باید تقویت روابط خارجی و بهبود دیپلماسی اقتصادی در دستور کار قرار گیرد تا راه را برای تعالی اقتصاد ایران بازکند؛ در دهه‌اخیر که اقتصاد ما ۲.۵ درصد رشد کرد، اقتصاد ترکیه ۲.۵ برابر شده‌است. در این وضعیت، بخش خصوصی شاهد آن بود که سیاستگذاران برای اصلاح مسائل مهم کشور، از واکنش مردم و درهم‌ریختگی اقتصاد واهمه دارند و به این اصلاحات نمی‌پردازند. البته در این شرایط اقتصاد بقا خواهد داشت، اما امکان رشد و توسعه محدود می‌شود. برای برون‌رفت از بن‌بست اقتصاد، بخش‌خصوصی را صفشکن تحریم کنید و مسائلی نظیر قیمت‌گذاری دستوری بدون پشتوانه علمی را به‌صورت کارشناسی حل‌وفصل کنید. از دولت چهاردهم انتظار داریم قوانینی را که سال‌هاست با هدف حل مشکلات اقتصادی و تسهیل محیط کسب‌وکار تصویب‌شده اما به اجرا نرسیده‌است، اجرا کند. ماده۲ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، مشورت با بخش‌خصوصی قبل از هرگونه تصمیم‌گیری، الزامی است اما سال‌هاست که این ماده‌قانونی اجرا نمی‌شود و مشکلات بسیاری برای فعالان اقتصادی ایجاد می‌کند. ما از رئیس‌جمهور منتخب و دولت چهاردهم می‌خواهیم این ماده‌قانونی را اجرا کند. اینکه نظر بخش‌خصوصی در تصمیمات اقتصادی دیده نشود، یک آفت جدی برای اقتصاد است و امیدواریم در دولت جدید این مسئله رفع شود. ما، فعالان بخش خصوصی، امیدوارم هستیم که این گونه، نیل به شعار سال آسان‌تر و سهل‌تر شود و هم آن‌که در طول چهار سال ریاست‌جمهوری ایشان شاهد اتفاقات تلخی که در دوره قبل رخ داد، نباشیم.

بازرگانی | سوال اصلی: دولت می‌تواند به صنعت رونق دهد؟

در انتظار جراحی اقتصادی

توسعه صنعتی در دستور کار قرار گیرد



هرویک یاریجانیان

رئیس کمیسیون صنعت و معدن اتاق تهران

بخش مهمی از دغدغه امروز جامعه ایران به مسائل اقتصادی و صنعتی برمی‌گردد. امروزه صنعت حال و روز خوبی ندارد. مسئله کمبود نیروی کار، از کارگر ساده گرفته تا نیروی نخبه و متخصص، در حال تبدیل شدن به یک چالش بزرگ و در نهایت بحرانی جدی برای آینده صنایع است و در حالی که ما از جهش تولید سخن می‌گوییم، صنعت دچار کمبود نیروی کار است. متاسفانه نظام آموزشی ما هم از پرورش نیروی کار برای صنعت ناتوان است و هنرستان‌ها که زمانی امید زیادی به آنها بود هم کارکرد چندانی ندارند و نیرویی برای کار صنعتی تربیت نمی‌کنند. این مسئله اگر حل نشود به زودی گریبان کل اقتصاد کشـــور را خواهد گرفت. از طرفی مهم‌ترین مسئله حوزه صنعت نداشتن برنامه منسجم و اســـتراتژی توسعه صنعتی اســـت. صنعت با روزمره‌گی وزارت صنعت، معدن و تجارت و تصمیمات خلق‌الساعه این وزارتخانه گرفتار شده و با مشکلات زیادی دیت و پنجه نرم می‌کند. صنعت الان به جای داشتن برنامه بلندمدت، برنامه روزمره دارد. نتیجه این رفتارها ضربه زدن به صادرات کشور است. از سوی دیگر بانک مرکزی فعالان اقتصادی را بلاتکلیف گذاشته است؛ با ارز آزاد هم نمی‌توان کار کرد، چون اگر با ارز آزاد کالا وارد کنند، قاچاقچی محسوب می‌شوند. بانک مرکزی اصلاً متوجه است که چه بلایی سر واحدهای تولیدی می‌آورد؟ بانک مرکزی هم متولی پولی شده هم متولی اقتصاد کشور شده، باید به این وضعیت رسیدگی شود. تثبیت نرخ ارز مهم‌ترین عاملی بود که چرخه معیوب صنعت را کلید زد. در واقع این شرایط از انتهای دوره دولت اصلاحات شروع شد و در دولت‌های بعد تشدید و تداوم یافت. در نهایت صنعت‌گران بزرگ به سمت صنایع منبع‌محور رفتند و بخش قابل توجه سرمایه‌ها به حوزه مسکن سوق پیدا کرد.

طبق نظرسنجی‌ها از ۲۸۰۰ فعال اقتصادی انجام شده است، سازمان امور مالیاتی، سازمان تامین اجتماعی و بانک مرکزی سه نهادی هستند که در رتبه نخست ایجاد اختلال در فعالیت‌های اقتصادی معرفی شده‌اند. این ها را ما در کنار اقتصادمان داریم یا سوار بر اقتصادمان؟

امروز استخوان‌های بخش خصوصی در حال خردن شدن است، پرسنلی داریم که از برج ۷ خطوط تولیدی شان معطل است، این همه کالا در گمرکات رسوب کرده و انباشت کانتینر داریم. نرخ ارز یکی از مشکلات حوزه صنعت است و باید پرسید با این وضعیت ارزی صنعت چگونه باید رشد کند؟ دولت بخش خصوصی را چرخ اقتصاد کشور نمی‌بینند، اگر می‌دیدند بانک مرکزی امروز پاسخگو بود. شرایط اقتصاد کشور را به نقطه‌ای رسانده‌اند که جراحی اقتصادی اجتناب ناپذیر است. آنچه مسلم است اجرای جراحی اقتصادی شرایطی را بر اقتصاد کشور تحمیل می‌کند که برای اصلاح زیرساخت‌های اقتصادی کشور باید به این شرایط تن داد. بی‌شک این شرایط ماندگار نبوده و پس از اصلاح ساختار اقتصاد کشور وارد دوره بازسازی و پس از آن رونق خواهد شد، مشروط بر اینکه دولت خود را موظف به اجرای سیاست‌های اقتصادی تکلیف شده در اسناد بالادستی نظام بداند. دولت باید دست از بنگاهداری بردارد؛ تجربه ناموفق بودن بنگاهداری دولتی مختص ایران نیست و به صفر رســیدن بنگاهداری دولت در قریب به اکثریت کشــورها مبین درست بودن این سیاست است. به دلایل متعدد دولت بنگاهدار خوبی نیست و در کشورهایی که همچنان دولت اصرار به حضور در اقتصاد در نقش بنگاهدار دارد، متاسفانه بخش خصوصی هم توفیقی در این حوزه ندارد. آنچه در شرایط حاضر از فعالان اقتصادی بخش خصوصی و بدنه جامعه برای کمک به روند توسعه صنعتی کشور ساخته است، تحمل ناملایمات و همراهی با اهالی سیاست در پرداخت هزینه‌های نه‌چندان اندک موردنیاز برای اعمال این تغییرات ساختاری است. امیدواریم اهالی سپهر سیاست نیز در شرایطی که مقام معظم رهبری احیای اقتصاد را اولویت راهبردی کشور دانسته‌اند و افزایش نقش‌پذیری بخش خصوصی واقعی در اکوسیستم تولید و تجارت را به عنوان مسیر تعقیب این راهبرد معرفی کرده‌اند، با شجاعت و جدیت نسبت به اعمال اصلاحات ساختاری در نظام حکمرانی اقتصادی برای تحقق «توسعه صنعتی» اقدام کنند. محور دیگر که باید مورد توجه قرار گیرد اینکه تقویت زنجیره ارزش و توسعه صنایع ساخت‌محور با ارزش‌افزوده بالا در دستور کار دولت قرار گیرند. مورد دیگر تامین مواد اولیه صنایع پایین‌دستی ساخت‌محور با قیمت مناسب، به منظور ایجاد مزیت رقابتی، به‌ویژه با هدف توسعه صادرات، کلیدی‌ترین اقدام برای دستیابی به توسعه صنعتی است. به هر حال، موضوع عوارض صادرات، به‌عنوان یک راهبرد جدید برای تنظیم بازار داخلی مدنظر قرار گرفته که به‌رغم امتیازات و نقاط مثبت قابل اتکا، مشمول اما و اگرهای بسیاری است. آنچه مورد تاکید است اینکه دولت باید برای یکبار هم که شده به بخش خصوصی اعتماد کند، مدیرانی که در وزارت صمت گمارده می‌شوند باید با مسائل تولید و صنعت آشنا باشند. کارمندی که در وادی دولتی تجربه کسب کرده نمی‌تواند برای بخش خصوصی تصمیمات درستی بگیرد.

بازرگانی | چگونه می‌توان به سمت دیجیتال حرکت کرد؟

تحول اقتصادی

سرمایه‌های انسانی بازیگران اصلی عرصه اقتصاد دیجیتال هستند



شهاب جوانمردی

عضو هیئت رئیسه اتاق تهران

بسیاری از کشورها هدف‌گذاری کرده‌اند تا حداقل ۳۰ درصـــد تولید ناخالص داخلی آنها تا ســـال ۲۰۳۰ از اقتصاد دیجیتال تامین شود و ما حتی شاهدیم که کشور چین همین امروز ۳۰ درصد اقتصادش متاثر از دیجیتالیزیشـــن است اما در کشور ما طبق آمارهایی که نمی‌دانم تا چه اندازه قابل اتکا باشد نهایتا ۷٫۵ تا ۸ درصد اقتصادمان دیجیتالی شده اســـت و دولت هدف‌گذاری ۱۵ درصدی را برنامه‌ریزی کرده است. اما لازمه این موضوع این است که ما هم در حوزه زیرساخت‌ها و هم در حوزه پلتفرم‌ها و هم اپلیکیشن‌ها و هم در سازگار کردن بخش‌های سنتی‌تر اقتصادمان که اجزای اصلی اقتصادمان را تشکیل می‌دهند یک تحول و اهتمام جدی داشـــته باشیم وگرنه نتایج اقتصاد دیجیتال که عملا پایداری اقتصادی است و دانش‌محوری است، حفظ محیط زیست اســـت و کمک به اشتغال نســـل جدید و پایدار است ممکن است رقم نخورد. کشور ما سرمایه انسانی بســـیار قابلی دارد که می‌توانند بازیگران جدی عرصه اقتصاد دیجیتال باشند. بخش دوم در حوزه تقاضاست که مردم، خانواده‌ها و جامعه ایرانی از هر اتفاقی که تســـهیل‌گر زندگی آنها باشد، صرفه‌جویی را رقم بزند و بهره‌وری را شکل دهد و بر مبنای فناوری و نوآوری باشد، استقبال می‌کنند. من فکـــر می‌کنم این دو پتانســـیل جدیدترین رقم‌زنندگان اقتصاد دیجیتال در ایران هستند.

۱۰

بازرگانی

سوال اصلی: تحقق رشد ۸درصدی ممکن است؟

تعامل در تجارت

رویاسازی ادامه دارد؟



ایرج رهبر

عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران

در مـورد انتظارات هیئت نمایندگان اتـاق بازرگانی از دولت چهاردهـم، چنـد محور اصلـی و مهم را باید بیـان کنیم. از آن‌جایـی که یکـی از ارکان موفقیت هـر دولت، پویایی اقتصاد کشـور اسـت پس دولت‌ها، باید توجـه خاصی به عوامل اصلی و موثر حوزه اقتصادی آن کشـور داشته باشند کـه اتاق‌های بازرگانـی، از جمله این عوامل موثر هسـتند. آنچه مسلم است این‌که دولت‌ها، برای اداره امور، برنامه‌ریزی و تدوین بودجه کشور، به ویژه در اموری مانند معیشت مردم، اشـتغال، مسـکن جامعه، تجارت و تولید و در نهایت روابط خارجی و امور بین‌المللی، حتماً باید از افراد باتجربه، دلسوز و متخصص که دارای تجربه، علم و دانش کافی هستند، استفاده کنند و بهره بگیرند. به همین دلیل هم هست که رئیس جمهور منتخب، قبل و بعد از برگزیده شدن، چندین بار در جمع فعالان اقتصادی، حضور پیدا کرد و با بیانات تاکید زیادی بر تعامل، همکاری و همفکری با تجار و بازرگانان داشت. آن طور که ایشان توضیح داده بود و اقتصاددانان جهان هم بر آن تاکید دارند، بازار یکی از ارکان مهم و تاثیرگذار در هر کشـور است. به همین دلیل هم هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی یا به عبارتی، نمایندگان پارلمان بخش خصوصی، باید از این فرصت پیش آمده نهایت استفاده را ببرند. به هرحال شرایط برای همکاری دولت و بخش خصوصی، فراهم شده است و نگاه رئیس جمهور جدید به این بخش از کشور، نگاه ایجابی و تعاملی است. این که ایشان نگاه نفی و غیرتعاملی به این بخش ندارند، منجر می‌شود اعضای هیئت نمایندگان بتوانند در جایگاه مشورت‌دهی به اعضای دولت قرار بگیرند که بنا بر قانون، یکی از وظایف آنان است. همه این عوامل در کنار هم منجر می‌شود شرایطی برای شکوفایی و تحقق رشد اقتصادی پیش‌بینی‌شده در برنامه هفتم به وجود بیاید. یکی دیگر از انتظارات فعالان بخش خصوصی از رئیس جمهور منتخب، بهبود وضعیت مسکن است که مستقیماً به معیشت مردم گره می‌خورد. وضعیت بازار مسکن نسبت به چند ماه گذشته تغییر قابل توجهی نداشته است و همچنان شاهد رکود در خرید و فروش مسکن هستیم و تقریباً آمار معاملات مسکن نزدیک به صفر است. البته که جناب پزشکیان به عنوان رئیس‌جمهوری منتخب مردم هنوز برنامه‌های خود برای بازار مسکن را اعلام نکرده‌اند. به هر حال به نظر می‌رسد که تنها راه برون‌رفت از مشکلات بازار مسکن، تولید مسکن و مشارکت با بخش خصوصی است. به این معنا که هم پروژه‌های مسکن حمایتی تقویت شوند و هم به جهت تامین منابع مالی برای پیش‌برد پروژه‌های مسکن ملی با بخش خصوصی همکاری بیشتری داشته باشند. ساخت یک میلیون واحد مسکونی در سال بر اساس یک مصوبه قانونی است که اگر دولت چهاردهم هم بخواهد بر اساس این قانون عمل کند باید این طرح را اجرا کرده و در جهت رفع چالش‌های پیش روی آن نیز قدم بردارد. این‌که این دولت بتواند چنین طرحی را اجرا کند به میزان مدیریت و تدبیر آن بستگی دارد. برای حل مسائلی مانند تامین منابع مالی هم باید از سرمایه بخش خصوصی استفاده شود. موضوع تامین زمین برای پروژه‌های مسکن حمایتی و نوع ساخت مسکن نیز جزو چالش‌های قبلی این طرح بوده است. تا پیش از این نظر برخی کارشناسان بر این بود که ساخت مسکن به صورت افقی می‌تواند راهکار مناسبی برای چنین طرحی باشد که با توجه به کمبود زمینی که ما با آن مواجه هستیم، اجرای چنین طرحی حداقل برای فضاهای شهری منطقی نیست.

۱۱

بازرگانی

سوال اصلی: دولت برای مسکن چه برنامه‌ای دارد؟

بحران شهرسازی

خواستار تفکیک مسکن و شهرسازی



رامین گوران

عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران

از آن‌جایی که من در صنعت ساختمان و به شکل تخصصی، مسکن فعالیت دارم، مطالبه‌ام از رئیس جمهور نیز مربوط به همین حوزه اسـت. از آن‌جایی که بیش از ۹۰ درصد از بودجه حوزه مسکن از قِبل بخش خصوصی و مردم تامین می‌شود و شعار سال هم تکلیف مسیر اقتصاد را روشن کرده است، انتظار داریم رئیس جمهور این شعار را جدی گرفته و از ظرفیت‌های بخش خصوصی اسـتفاده کند. منظور از استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی این است که افراد زبده و کارشناسـان تخصصی بخش خصوصی را برای کار در وزارت‌خانه‌ها، بگمارد و برای انتخاب معاونان خود نیز به بخش خصوصی نظر داشته باشد. همچنین پیشنهاد بسیار مهم دیگر برای دولت چهاردهم این است که تکلیف وزارت‌خانه‌های مسکن و راه و شهرسازی مشخص شود. بخش خصوصی پیشنهاد می‌کند که این دو وزارت‌خانه از همدیگر تفکیک شود و این تفکیک، بخش زیادی از مشکلات این دو حوزه را رفع و رجوع می‌کند. هشدار می‌دهیم تا زمانی که این اتفاق رخ ندهد، مشکلات حوزه مسکن به قوت خود باقی خواهد ماند چراکه حوزه‌هایی که باید مورد بررسی قرار بگیرند و همچنین مشکلات مسکن، راه و شهرسازی آن قدر زیاد و طویل است که توان یک وزارتخانه و وزیر برای حل آن‌ها کافی نیست.

اگر این وزارتخانه تفکیک شـود آقای پزشـکیان خیلی بهتر می‌تواند در حوزه مسکن و حمل‌ونقل اثرگذار واقع شـود، زیرا، وزارت راه و شهرسازی بسیار عریض و طویل است و بالغ بر ۲۳ شورای معاونان دارد. قطعاً کمیسیون عمران بعد از تشکیل دولت بحث تفکیک وزارت راه و شهرسـازی را دنبال خواهد کرد. رئیس جمهور منتخب بارها تاکید کرده اسـت که در تصمیم‌گیری‌ها حتماً به نظر کارشناسان توجه دارد و حتی آقای عبدالعلی‌زاده که وزیر مسکن و رئیس ستاد آقای پزشکیان بود معتقد است که تفکیک این دو وزارتخانه باید حتماً در دستور کار دولت چهاردهم قرار بگیرد. یکی از مواردی که دولت در حوزه مسکن باید بسیار به آن توجه کند این اسـت که گسترش افقی موجب پراکندگی شهری و استفاده مفرط از زمین شهری می‌شود. اتلاف زمین، افزایش هزینه احداث و نگهداری زیرساخت شهری، از بین رفتن اراضی زراعی، باغی و منابع طبیعی پیرامون شـهرها و افزایش مصرف انرژی و سوخت را می‌توان از معایب توسعه افقی نام برد. با توسعه افقی و عمودی در ۱۰۰ هکتار زمین حدود ۲۳ هزار نفر می‌توانند سکونت کنند اما اگر صرفاً این توسعه افقی باشد این آمار به ۶ هزار نفر کاهش می‌یابد و در توسعه عمودی ۳۵ هزار نفر می‌توانند ساکن شوند.

از دیگر معایب این توسـعه همچنین می‌توان به کاهش امنیت در فضای شهری و شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع شهری به واسطه خلوت بودن، افزایش هزینه زندگی برای شـهروندان، کاهش ارتباطات اجتماعی شهروندان و تغییرات هویتی در زندگی شهری اشاره کرد. اگر در شهری زمین ارزان‌قیمت هم وجود دارد باید این موارد در توسعه افقی رعایت شود. شهرسازی با یک فرمول درست نیست؛ نباید به توسعه افقی یا عمودی اصرار داشته باشیم زیرا فرمول شهرسازی نیازمند یک کار مطالعاتی بوده و بر عهده شهرسازها است.

صنعت | سوال اصلی: آیا دولت می‌تواند چالش فیلترینگ را حل کند؟

بازنگری در فیلترینگ

فکری به حال اقتصاد دیجیتال کنید



فرزین فردیس

عضو هیئت رئیسه اتاق تهران

مسعود پزشـــکیان در دوره‌ای بالاترین مســـئولیت اجرایی کشور را عهده‌دار شـــده که چالش‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی کشـــور، هریک به تنهایی برای زمین‌گیر کردن دولت و کشور کافی است؛ تورم افسارگسیخته طولانی‌مدت، ناترازی‌های شدید متعدد، فساد و رانت نهادینه‌شده در ساختار مدیریتی و اجرایی کشور و گسست بین مردم و حکمرانی که به رسیدن سرمایه اجتماعی به پایین‌ترین سطح منجر شده است. با این حال مهم‌ترین و بزرگ‌ترین چالش پیش روی دولت چهاردهم ناامیدی جامعه است.

این ناامیدی عمومی‌در شرایطی ایجاد شده است که دولت آینده برای حل مشکلات کشـــور بیش از هر چیز به همراهی و همکاری مردم نیاز دارد. خواســـت فعالان و به‌خصـــوص جوانان حوزه اقتصاد دیجیتال کشور بازنگری سیاست فیلترینگ، است. بازنگری در سیاست فیلترینگ و کاهش فیلترینـــگ اینترنت به عنوان اقدامی‌با خروجی کوتاه‌مدت در اولویت قرار گیرد. تجدید نظر اساســـی در سیاســـت فیلترینگ و کاهش آن، هـــم آثار فوری و ملموس دارد و هم بخش بزرگی از جامعه که با آن روزمره سروکار دارد را درگیر می‌کند؛ اجرای آن منابع مالی سنگین نیاز ندارد و حتی به صرفه‌جویی ملی با حذف یا تقلیل جدی فیلترشکن‌ها می‌انجامد.

به طور مشـــخص رفع فیلتر یوتیوب بزرگ‌ترین دانشـــگاه جهان، پلی‌اســـتور گـــوگل بزرگ‌ترین بـــازار نرم‌افزارهـــای موبایلی جهان و اینستاگرام که پیمایش‌های ملی نشان می‌دهد هم‌چنان پراستفاده‌ترین شبکه اجتماعی کشـــور و بازار عرصه محصولات و خدمات میلیون‌ها کسب‌وکار کوچک و خانگی ایران است و اشتغال خرد قابل ملاحظه‌ای را زمینه‌سازی می‌کند؛ با وجود همه سختی‌ها در کوتاه‌مدت میسر است

پزشکیان به عنوان رئیس دولت، رئیس شورای‌عالی فضای مجازی و رئیس شورای‌عالی امنیت ملی در کار گروه متصدی فیلترینگ امکان تصمیم‌ســـازی و تصمیم‌گیری جدی برای ایران و برای مردم ایران دارید. با گشایش‌های سریع در این حوزه؛ هم کار مفیدی برای اقتصاد کشور و زندگی مردم انجام داده و هم به مردم ایران به‌خصوص جوانان امید می‌دهید که شـــما را در سختی‌ها حمایت و پشتیبانی کنند و منتظر گشایش‌های ملموس بیشتر باشند.

از طرفی تجارت الکترونیک بخشی از زندگی مردم شده است، اما تعداد افرادی که به لحاظ اقتصادی توان اســـتفاده از آن را دارند در حال کاهش است.

باید خواســـته‌های فعالان اقتصاد دیجیتال در دو فاز بلندمدت و کوتاه‌مدت بیان شود تا بتوان نتیجه‌گیری بهتری داشت. فاز کوتاه‌مدت خواســـته‌ها در فضای امیدی که اکنون وجود دارد راحت‌تر به دست می‌آید. جنس خواسته‌های بلندمدت نیز مربوط به وظایف چندساله وزیر یا مجموع وزرایی است که به حوزه اقتصاد دیجیتال ارتباط دارند

بزرگ‌ترین خواســـته فعالان حوزه اقتصاد دیجیتال این است که محدودیت‌های شـــدید این حوزه را بردارند و درباره فیلترینگ یک بازنگری اساسی کنند. البته که می‌دانیم کار ساده‌ای نیست. رفع فیلتر گوگل‌پلی، که عملاً تهدیدی برای امنیت کشور محسوب نمی‌شود، یکی از خواســـته‌های کوتاه‌مدت فعالان اقتصاد دیجیتال است. رفع فیلتر یوتیوب دومین مطالبه فعالان اقتصادی اســـت. یوتیوب یک فضای آموزشی است و بزرگ‌ترین دانشگاه دنیاست و دلیلی برای فیلتر آن وجود ندارد.

من بازیگران اکوسیســـتم اقتصاد دیجیتال را مثل دوچرخه‌سوار در نظر می‌گیرم. بازیگران اکوسیســـتم ما مانند دوچرخه‌سوارهایی هستند که امکانات چندانی هم ندارند. با این حال در مسیر خودشان با تلاش در حرکت هســـتند و کاری به مسیرهای دیگر هم ندارند. اتفاقی که در سال ۱۴۰۱ افتاد، ایجاد یک چاله بزرگ و عمیق پیش پای این کســـب‌وکارهای دیجیتال بود. نیروی انســـانی آسیب دید، سرمایه‌گذار دچار شوک شد، ارتباط با مشتریان و جامعه ابتدا مسدود و بعد کاملاً عوض شـــد. در هفته‌های نخست رخدادهای سال قبل زیست‌بوم فناوری دچار یک بلاتکلیفی بود، یک تردید بزرگ که هم سرمایه‌گذاران و مدیران و هم نیروی انسانی استارت‌آپ‌ها درگیر آن بودند. ابعاد بحران و تنوع زمینه‌های بروز بحران در سال ۱۴۰۱ بسیار بیشتر از گذشته و متفاوت از قبل بود.

از طرفی اقتصاد کشور دائم درگیر چالش‌هایی مانند رکود، تورم، تغییر سیاست‌ها و قوانین و عوض شدن یک‌شبه دستورالعمل‌هاست، بارها گرفتار چاله‌ها و دیوارها بوده، اما در بحران ۱۴۰۱ جنس دیواری که جلوی ما کشـــیده شد و عمق چاله‌ای که در آن افتادیم بدیع و متفاوت بود. به همین دلیل ســـردرگمی و تردید زمان طولانی‌تری در اکوسیستم ماندگار شد و جراحت‌ها نیز عمیق‌تر و جدی‌تر بود. وقتی این اتفاق افتاد کســـب‌وکارهای اینستاگرامی هنوز چند سال بیشتر عمر نداشتند. در حالی که استارت‌آپ‌های دیگر به هر حال سرمایه‌گذار دارند و در زنجیره ارزش قرار گرفته و تاب‌آوری بیشتری دارند. اما یک کسب‌وکار اینستاگرامی با مثلاً ۲۰ یا ۳۰ میلیون هزینه اولیه یک فروشـــگاه دایر کرده و برای خودش یک جریان درآمدی ایجاد کرده است اما ناگهان با زیان مواجه شدند و حالا آخرین بارقه امید فعالان اقتصادی دیجیتالا رفع فیلترینگ است. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات باید خود را پرچمدار تحول دیجیتال سایر صنایع بداند.

> ناامیدی عمومی‌در شرایطی ایجاد شده است که دولت آینده برای حل مشکلات کشور بیش از هر چیز به همراهی و همکاری مردم نیاز دارد

۱۳

صنعت

سوال اصلی: دولت قیمت‌گذاری دستوری را کنار می‌گذارد؟

رنج اقتصاد ایران

به بخش خصوصی اعتماد کنید



علی نقیب

نایب‌رئیس کمیسیون بهبود محیط کسب‌وکار و رفع موانع تولید اتاق تهران

درک اوضاع بحرانی امروز برای سیاست‌گذارهای کشور بخصوص رئیس جمهوری خیلی مهم است. در حوزه اقتصاد شرایط خوب نیست و این وضعیت حاصل تصمیم گیری چندین‌ساله دولتمردان بود. آنها به خیال خود می‌خواستند به اقتصاد و معیشت مردم کمک کنند اما نتیجه دخالت در اقتصاد، دستورالعمل‌های خلق‌الساعه، تضعیف بخش خصوصی و سیاست‌های ارزی، بدترشدن اوضاع اقتصادی بود.

معضلات مختلفی در وضعیت اقتصادی کنونی عملکرد فعالان اقتصادی را تحت‌تاثیر قرار داده است. یکی از مهم‌ترین این معضل‌ها در شرایط فعلی، مسئله قیمت‌گذاری دستوری است. قیمت‌گذاری دستوری پدیده‌ای است که سابقه آن به دوران پیش از انقلاب اسلامی می‌رسد. دولت‌ها در ایران فارغ از گرایش‌های سیاسی متفاوت خود در پاسخ به معضل پولی تورم در کشور به قیمت‌گذاری دستوری و مداخله مستقیم در بازار پرداخته‌اند. قیمت‌گذاری دستوری به عنوان واکنشی پوپولیستی برای دولت‌ها در مواجهه با تورم کاربرد داشته است؛ بااین‌حال، بررسی وضعیت تورم در کشور نشان می‌دهد که این اقدامات هرگز در رفع معضل تورم در کشور موثر نبوده است.

قیمت‌گذاری دستوری حتی اگر در شرایط استثنایی همچون جنگ و در کالاهایی خاص و استراتژیک توجیه شود، اما در شرایط عادی و در صورتی که به دنبال کنترل نرخ تورم باشیم توجیه خاصی ندارد. قیمت‌گذاری دستوری می‌تواند منجر به هجوم تقاضا به سمت کالاهایی که سرکوب قیمت شده‌اند شود و این هجوم، در نهایت باعث کمبود همان کالا و افزایش قیمت آن به صورت ناگهانی می‌شود این شیوه قیمت‌گذاری در قالب قیمت‌گذاری دستوری نرخ سود و قیمت‌گذاری دستوری نرخ ارز و قیمت‌گذاری دستوری حامل‌های انرژی جلوه‌گر شده است. رفع قیمت‌گذاری دستوری می‌تواند زمینه‌ساز آزادسازی اقتصادی و گامی بزرگ در راستای از بین بردن عدم تعادل‌های کلان اقتصاد کشور شود.

مشکل دیگر اقتصاد این است که فقر تبدیل به یک پدیده عمومی و رایج در کشور شده است. آمارها حاکی از آن است که حدود یک‌سوم جمعیت کشور در فقر به سر می‌برند و کشور در چنین شرایطی به‌شدت به رشد اقتصادی در راستای رفع فقر محتاج است. اگرچه در چند سال اخیر رشد اقتصادی آمارهای مثبتی را ثبت کرده است. بررسی کیفیت رشد اقتصادی نشان می‌دهد بخش عمده این رشد به واسطه فروش نفت بوده است.

در سال‌های گذشته به دلیل رکود شدید اقتصادی و کرونا، حجم زیادی از ظرفیت‌های تولیدی کشور از صحنه خارج شده بودند و این بخش‌ها در سال‌های اخیر در حال بازگشت هستند. تشکیل سرمایه که زمینه‌ساز رشد محسوب می‌شود عملکرد چندان مناسبی در مجموع سال‌های اخیر از خود نشان نداده است. در نتیجه گذار از رشد نفتی و استفاده از درآمدهای نفتی به صورت مولد و بادوام می‌تواند یکی از مهم‌ترین محورهای سیاست اقتصادی یک دولت اصلاحگر باشد.

یکی دیگر از مشکلات اقتصادی کشور مسئله ارز است. قیمت‌گذاری دستوری در نرخ ارز، ایجاد نرخ‌های متعدد ارزی، رانت‌های مختلفی که در قالب ارز ترجیحی به برخی اشخاص و بنگاه‌ها تخصیص داده می‌شود منجر به بروز نابسامانی‌های متعدد در این بازار مهم شده است. نرخ ارز دستوری همچنین منجر به هجوم متقاضیان برای دریافت این کالا با قیمتی پایین‌تر از قیمت بازار می‌شود. این هجوم در نهایت منجر به جهش‌های شدید قیمتی در این بازار می‌شود و جایگاه ریال را به عنوان واحد پول ملی مورد آسیب قرار می‌دهد.

اقتصاد محور اصلی چالش‌های انتخاباتی بوده و بارزترین شاخص‌های این مسئله، موضوعاتی نظیر ارتباط اقتصادی شفاف و بی‌واسطه با جهان، برجام و پذیرش یا قبول FATF از سوی ایران است. دولت چهاردهم در صورتی که بخواهد در راستای اصلاح اقتصادی قدم بردارد، نمی‌تواند مسئله تحریم‌ها را فراموش کند. اگرچه اقداماتی برای گشودن مسیرهای تجاری در دوران دولت سیزدهم انجام شد اما باید گفت گام برداشتن در راستای رفع تنش‌های منطقه‌ای، کنار گذاشتن رویکرد خصمانه در سیاست خارجی و رفع موانع تجارت خارجی اقداماتی هستند که در راستای رفع تحریم‌ها باید در دستور کار دولت پزشکیان قرار گیرند.

باید توانایی‌های داخلی را در معرض تعاملات اقتصاد بین‌المللی قرار داد، از ظرفیت‌های کشور در این جهت استفاده کرد و مزایای نسبی و مطلق کشور در تعاملات بین‌المللی را با اهداف توسعه مورد استفاده قرار داد. مشکلات یک‌شبه و راحت حل نمی‌شود. استفاده از کارشناسان خیلی مهم است. بخش خصوصی می‌تواند در رفع بحران‌های اقتصادی به کشور کمک کند. رئیس جمهور دنباله‌رو سیاست‌های یک‌جانبه نباشد و از بخش خصوصی و کارآفرین‌ها کمک بگیرد. اینها در تصمیمات کلان بهتر عملاً می‌کنند. تکیه به نگاه صرفاً دولتی نتیجه خوبی در بر نخواهد داشت. باید در راه بهبود وضعیت اقتصادی گام برداشت.

باید توانایی‌های داخلی را در معرض تعاملات اقتصاد بین‌المللی قرار داد، از ظرفیت‌های کشور در این جهت استفاده کرد و مزایای نسبی و مطلق کشور در تعاملات بین‌المللی را با اهداف توسعه مورد استفاده قرار داد

صنعت | سوال اصلی: سرنوشت وزارت راه چه می‌شود؟

مسیر پرپیچ وخم توسعه مسکن

۱۰ توصیه برای وزیر راه و شهرسازی دولت چهاردهم



سهیل آل‌رسول
عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران

وزیری که در دولت چهاردهم عهده‌دار راهبری وزارت راه و شهرسازی خواهد شد، مأموریت‌های مهمی بر عهده دارد که برخی بسیار پردامنه و زمان‌بر است و برخی به شدت اثربخش و حیاتی. به هر روی، او در هماهنگی و انسجام با برنامه‌های رئیس جمهور جدید باید از قوانین، برنامه‌های بالادستی و کلان کشور پیروی کند، اسناد مهمی چون سند ملی آمایش سرزمین، قانون جهش تولید مسکن و سیاست‌های کلی نظام در حوزه مسکن و متأخرترین آن‌ها قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گیرد.

در فصولی از برنامه هفتم پیشـــرفت، اهداف کمی بسیار مهمی برای وزارت راه و شهرسازی تعیین شده که دستیابی به آنها به لحاظ کمی حتی از هدف‌گذاری توســـعه ۸ درصدی هم دور از ذهن‌تر می‌آید اما این برنامه حکمی

جدول شماره (۱۲) – اهداف کمّی سنجه‌های عملکردی توسعه مسکن

	سنجه عملکردی	واحد متعارف	هدف کمی در پایان برنامه
راهبردی	دسترسی به مسکن	سال	۷٫۵
	میزان کاهش سطح بافت فرسوده و ناکارآمد شهری	درصد	۲۰
	تولید صنعتی ساختمان	درصد	۱۵
عملیاتی	احداث مسکن شهری	هزار واحد	۱۵۰۰
	احداث مسکن روستایی	هزار وحد	۱۰۰۰
	بازسازی بناهای بافت فرسوده و ناکارآمد شهری	هزار واحد	۵۰۰
	سایر انواع احداث مسکن	هزار واحد	۲۰۰۰

اســـت که برای نیل به آن وزیر چاره‌ای جز پیروی ندارد. برابر جدول شـــماره ۱۲ برنامه هفتم پیشرفت، تولید ۵ میلیون مسکن در برنامه هدف‌گذاری شده است که همان تعریف ســـاخت ۱ میلیون مسکن در سال است. در جدول شماره ۱۳ در حوزه راه‌ها، ترانزیت و حمـــل و نقل تعهدات کمی به مراتب بالاتراند برای مثال احداث خطوط ریلی در پایان برنامه معادل ۳۲۰۰ کیلومتر برنامه‌ریزی شـــده است در حالیکه متوسط خطوط ریلی احداثی در ده ســـال اخیر برابر تصویر ۳، ۱۹۹ کیلومتر ریل‌گذاری بوده است (یعنی در ۵ ســـال آتی بدنه احـــداث ریلی باید حداقل ۳ برابر بهتر از راندمان ده ســـاله خود کار کند.) در فصل یازدهم، ماده ۴۹ برنامه هفتم توسعه در بخش توسعه مسکن آمده است: دولت مکلف است در اجرای بند (۹) سیاست‌های کلی برنامه پنجساله هفتم و به‌منظور تحقق اهداف کمّی زیر مطابق با احکام این فصل اقدامات زیر را به‌عمل آورد. همچنین در ماده ۵۶ لایحه برنامه هفتم توسعه اهداف کمی سنجه‌های عملکردی گذر (ترانزیت) و اقتصاد دریامحور تعیین شده است. طبق این مصوبه، در اجرای بندهای (۱۰) و (۱۱) سیاست‌های کلی برنامه هفتم و به منظور تحقق اهداف کمی زیر مطابق با احکام این فصل اقدام می‌شود. (نمودار ۱) اهداف درصد سهم حمل و نقل ریلی در بخش بار در افق برنامه در حالی اســـت که این هدف‌گذاری با وضع موجود و شرایط حتی در کشورهای توسعه یافته اختلاف فاحشی دارد. در راستای نیل به این اهداف کمی، که رییس جمهور بارها تعهد به اجرای آن را قول داده‌اند وزیر جدید راه و شهرسازی ده گام مهم پیش رو دارد:

۱. مطالبه قانون برای اجرای قانون (تقاضای رشد ۱۰۰ درصدی بودجه کارهای عمرانی)

برابر جدول شماره ۳ از ماده ۱۲ قانون برنامه هفتم پیشرفت مقرر شد که نسبت بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به منابع کلی بودجه حداقل ۲۵ درصد باشد. در این راستا و براساس نسبت این بودجه و تخصیص آن در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است عملاً وزیر برای اجرای احکام قانون باید با تمام توان و با ارائه راهکارهای عملی این درخواست قانونی را از دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله سازمان برنامه و بودجه، هیأت دولت و مجلس شورای اسلامی در فصل بودجه داشته تا حداقل زمینه‌های اجرای قانون فراهم شود.

نمودار ۱. عملکرد ساخت و توسعه راه‌آهن در سال‌های برنامه پنجم و ششم توسعه

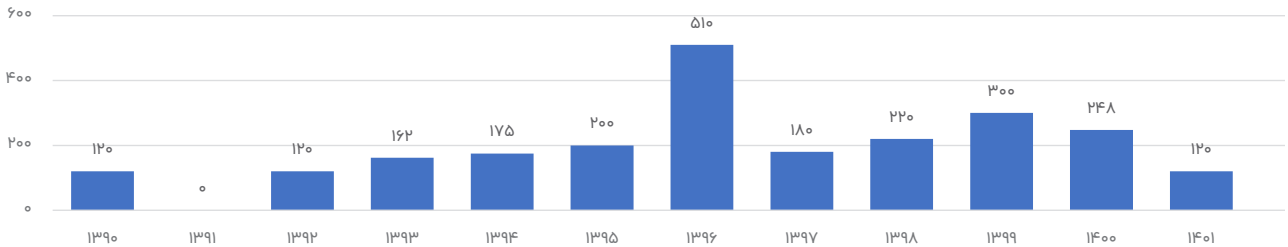

*متوسط طول ریل‌گذاری‌شده ۱۹۹ کیلومتر است

جدول: اهداف کمی سنجه‌های عملکردی گذر «ترانزیت» و اقتصاد دریامحور		
سنجه عملکردی	واحد متعارف	هدف کمی در پایان برنامه
میزان گذر زمینی سالانه کالا از ایران	میلیون تن	۴۰ (در پایان سال اول ۱۶ میلیون تن، از سال دوم ۶ میلیون تن، افزایش سالانه)
متوسط رشد سالانه ارزش افزوده اقتصاد دریامحور	درصد	۱۶
سهم حمل و نقل ریلی از جابه جایی کل بار زمینی داخلی (تن-کیلومتر)	درصد	۳۰
سهم ریلی بنادر کشور	درصد	۲۵
احداث زیرساخت‌های ریلی گذری (ترانزیتی) شامل خطوط اصلی، دوخطه‌سازی، برقی‌سازی و خطوط فرعی ریلی	کیلومتر	۱. کل خطوط: ۳,۲۰۰ ۲. سهم مجموع طول خطوط دوخطه یال بیشتر و خطوط فرعی از طول خطوط آهن سراسری: ۱۰۰۰ ۳. میانگین طول خطوط فرعی به مبادی بار و مراکز معدنی، صنعتی و تجاری: ۴۰۰
نوسازی و تامین ناوگان ریلی جدید با مشارکت بخش غیردولتی	دستگاه کشنده (لوکوموتیو)	۵۵۰
سرعت سفر و سیر بازرگانی بار ریلی	میانگین در سال	ارتقا به میزان ۷۰ درصد نسبت به شروع برنامه
نوسازی ناوگان جاده‌ای (تجمعی)	دستگاه	۱۱۰ هزار
حداکثر مجموع مسافت ترددهای خالی (بدون بار) کامیون‌ها	درصد از پیمایش کل سالانه	۳۰
بنادر نسل سه و بالاتر (مطابق با اسناد بین‌المللی)	تعداد بندر	۳
صادرات غیرنفتی و غیرانرژی‌بر از مناطق ویژه اقتصادی	میلیارد یورو	۶,۵
نسبت جمعیت سواحل جنوبی به کل کشور	درصد	۸
حجم سوخت‌رسانی به کشتی‌ها (بانکرینگ)	میلیون تن	۵

جدول: بررسی سنجه اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به بودجه عمومی دولت					
سال	کل بودجه (همت)	منابع بودجه عمومی دولت (همت)	بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (همت)	نسبت بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به منابع (درصد)	نسبت بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به کل بودجه (درصد)
۱۴۰۰	۲۸۸۲	۱۳۷۳	۱۷۶	٪۱۳	٪۱/۶
۱۴۰۱	۳۶۵۳	۱۵۲۹	۲۶۰	٪۱۷	٪۱/۷
۱۴۰۲	۴۹۹۴	۳۰۹۷	۳۲۷	٪۱۱	٪۵/۶
۱۴۰۳	۶۴۵۸	۲۸۳۷	۴۰۰	٪۱۴	٪۲/۶

۲- به‌روزآوری طرح جامع مسکن

با تشکیل گروهی از خبرگان و متخصصان آشنا به حوزه تدوین برنامه‌های کلان و اقتصاد مسکن طرح جامع غیر قابل تخطی و فاقد اشتباهی تبدیل شود و با رعایت ترتیبات لازم آن را به شـــکل یک قانون مصوب سر لوحه تمام طرح‌ها و برنامه‌های پایین‌دستی قرار دهد. شاید از این روش اختیارات سیاسی و غیرتخصصی دولت‌های آتی محدود شود و تجربه ناخوشایند حاصل از طرح‌های هر از چندگاهه دولت‌های قبل در تعریف خلق‌الساعه پروژه‌هایی چون مسکن مهر، طرح اقدام ملی یا نهضت ملی مسکن که به لحاظ مطالعاتی، آمایشی و زیرساختی و همینطور اقتصاد مسکن دارای نواقص بی‌شماری بود محدود گردد

جدول: اهداف کمی سنجه‌های عملکردی اصلاح ساختار بودجه		
سنجه عملکردی	واحد متعارف	هدف کمی در پایان برنامه
نسبت اعتبارات تملک دارایی به بودجه عمومی	درصد	۲۵
نسبت میزان بازپرداخت بدهی اصل و فرع دولت به بودجه عمومی	درصد	۱۰
نسبت بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی	درصد	۴۰

۳. بازیگری در چرخه عرضه و تقاضای مسکن بجای بازیچه بودن در بازار عرضه

باید وزیر جدید شـــأن کاملی برای وزارت راه و شهرسازی در حوزه مسکن بسازد که در عین انجام تکلیف قانونی اسیر انجام مسئولیت‌های اضافه‌تر از ظرفیت خود نگردد. اگر به رگولاتوری و تنظیم‌گری دولت در حوزه مسکن اعتقاد داریم باید دست وی را در حوزه مدیریت عرضه و تقاضا به یک نسبت باز بگذاریم این راهبرد به ویژه در زمینه مدیریت تقاضا از توسعه حریم شهرها و روستاها نمی‌گذرد چرا که این توسعه زیرساختی زمینه‌ساز برهم خوردن تعادل هزینه‌ها می‌شود که به حاظ زیست محیطی و عوارض اجتماعی هم به شدت مورد نقد متخصصان به ویژه در بخش خصوصی است.

در این راستا وزیر جدید باید بتواند تقاضا را در کلان‌شهرها به ویژه در تهران مدیریت کند چرا که این تقاضای ســـرریز و افزایش بهای مســـکن از این مسیر می‌گذرد. در این راستا مدیریت سرانه تقاضا راهبردی مؤثر است که وزارت می‌تواند در تعامل با شهرداری کلان‌شهرها و دیگر دستگاه‌های مرتبط بر آن اثر جدی بگذارد.

اگر سرانه مسکونی خانوادهها در مرکز شهرهای بزرگ ما امروز ۷۰ تا ۹۰ متر و با اعمال فضاهای الحاقی اعم از مشاعات و پارکینگ افزون بر ۱۲۰ متر است، تغییر سبک زندگی در جمع کثیری از نسل جدید خانوادهها در این شهرها با فرهنگ‌سازی و تسهیلگری‌های قانونی در مراکز اصلی شهر، مبادی TOD و... قابل مدیریت تا چند برابر با سرانه کوچک‌تر خواهد بود.

۴- عمر ناوگان حمل و نقل را کاهش دهد

عمر ناوگان حمل و نقل کشور افزون بر ۲۰ سال و به روایت برخی آمار در حدود ۲۵ سال است. هدف‌گذاری برای کاهش عمر ناوگان حمل و نقل عمومی تا حداقل ۱۲ سال و حمل و نقل بار تا ۱۰ سال جهت کاهش مصرف سوخت، کاهش آلاینده‌های زیست-محیطی و ارتقای امنیت و کاهش سوانح جاده‌ای هدف‌گذاری شفاف در طرح جامع در شرف تصویب حمل و نقل است که وزارت می‌بایست با تعامل با وزارت‌خانه‌های صمت، اقتصاد، بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه زمینه تحقق آن را فراهم آورد آن هم نه به عنوان عامل بلکه به عنوان تسهیل‌گر بخش خصوصی، تحقق این اهداف نه تنها زمینه بهبود عمومی در فضای حمل و نقل دارد بلکه از جنبه‌های مختلف دارای تئجیه اقتصادی است در تصویر ۶ بهبود هدف‌گذاری شده قابل رویت است.

۵- طرح جامع حمل و نقل را در سطح ملی تصویب و در سطوح دیگر تدوین کند!

امکان ندارد از آفت پروژه‌های نیمه تمام خلاص شـــویم مگر آنکه در سطوح ملی منطقه‌ای، اســـتانی و شـــهری دارای طرح جامع حمل و نقل باشـــیم. از اهمیت و ارتباط این بخش با پروژه‌های نیمه تمام همین بس که از بالغ بر ۹۰ هزار پروژه نیمه‌تمام کشور (بالغ بر ۱۰ هزار طرح ملی هستند.) در حدود ۳۸درصد آن پروژه‌های حوزه وزارت راه و شهرسازی‌اند.

در صورتی که ما در ۴ ســـطح تصویر ۷ دارای طرح جامع حمل و نقل باشـــیم، سلیقه، عوام‌فریبی یا تدابیر موضعی و موقتی دولت‌ها و نمایندگان مختلف مجلس عرفاً در چارچوب این طرح جامع قابل اجرا خواهد بود و بر ایجاد طرح‌های فاقد توجیه مالی و ملی خط پایانی کشیده‌می‌شود.

۶- در گذر (ترانزیت) برای کشور جایگاهی در زنجیره ارزش دست و پا کند!

تکمیل گذرهای ترانزیتی ترکیب مودهای حمل و نقلی از جمله دریایی و ریلی باید اولویت وزارت راه و شهرسازی باشد اما باید واقع‌بینی بر نگاه کلان در این حوزه حاکم باشد. به همان اندازه که تکمیل کریدورهای شرق و شمال- جنوب برای حضور در بازار ترانزیت جهانی مهم و راهبردی اســـت فقدان نگاه واقع‌بینانه به این تحلیل ضربه می‌زند. بسیاری از تحلیل‌های مطرح شده از سوی برخی مسئولان و حتی پژوهشکده‌های رسمی کشور تکمیل این کریدورها را مترادف با درآمدهای افزون بر ۱۰ یا ۲۰ میلیارد دلار در سال می‌داند در حالیکه به شرط تحقق عبور بار ترانزیتی هند از بندر چابهار به سوی اروپا و شکست طرح دریایی- ریلی طرح شده در اجلاس G۲۰ ســـال گذشته هند باز این درآمد از ۲ میلیارد دلار بیشتر نخواهد بود و از این روی برای بهره‌ور شدن شبکه حمل و نقل داخلی و ایجاد درآمد پایدار و جذاب باید به حضور در زنجیره ارزش حمل و نقل اعم از مباحث فرآوری‌های بار و کالا و بازرگانی آن چشم داشت و زیرساخت لجستیک آن هم‌پای زیرساخت حمل و نقلی‌اش مورد توجه باشد به این روش شاید بتوان در دهه دوم BRI چین (پروژه یک کمربند-یک جاده) نقش‌آفرینی و سهم بیشتری کسب کرد.

۷- با به نظر نشاندن لایحه مشارکت عمومی-خصوصی شعار امسال را محقق کند!

منابع مالی در بخش‌های عمرانی و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای هر ساله کاهش می‌یابد و با اتکا به مالیات و خام‌فروشی برای دولت شانسی باقی نمانده تا به اتکای خود کارفرمای حاکم بر توسعه زیربناهای کشور باشد چاره نیست مگر حرکت به سوی بخش خصوصی به نحوی که توأم با اعتماد عمیق زمینه جذب ســـرمایه‌های خرد و کلان مردمی در توســـعه زیربناها فراهم شـــود. به این منظور نیازمند قانون حمایتی بالغی هستیم که دولت را حاکم بلامنازع منابع داخلی و مردمی نداند و به اندازه کافی حمایتگر و کامل برای دفاع از منافع به حق مردم باشد با این رویکرد به نتیجه رساند لایحه مشارکت عمومی-خصوصی که در سه مجلس و دو دولت به نتیجه نرسیده است بر عهده دولت و وزیر جدید است تا زمینه مشارکت حقیقی مردم را فراهم آورد.

۸- به منابع مالی جدید درآمدی و ورود به توکنایز املاک توجه ویژه داشته باشد

بودجه عمرانی کشور بیش از یک دهه است که در سراشیبی و بحران کسری قرار دارد و به علت رکود پایدار و تحریم‌های عمیق جاری، در رویکرد اصلاح آن چشم‌انداز مثبتی دیده نمی‌شود لذا پرداختن به منابع مالی جدید درآمدی برای دولت گریزی ندارد. اگر این حقیقت را درک کنیم که در چشم‌انداز ۶-۷ سال آتی سهم دارایی‌های مجازی در بازار سرمایه به ۱۰درصد می‌رسد. حرکت به سوی توکنایز حاکمیتی و روش‌هایی چون بسترسازی بازار املاک در فضای بلاکچین اجتناب‌ناپذیر اســـت. در این سال‌های پیش یک حرکت و جنبش در ایجاد درآمد جدید برای دولت مورد نیاز است که غفلت از آن می‌تواند به صورت همیشگی این فرصت را از وی بگیرد.

۹- ۱۰۰۰ کیلومتر آزادراه جدید بسازد تا کشته‌های جاده‌ای این‌قدر داغ بر دل کشور نگذارد!

در ده سال گذشته بالغ بر ۹۵۰ کیلومتر ازادراه در کشور ساخته شده (تصویر شماره ۱۰) و به نوعی در این بخش زیرساخت که با ۳۸ سال سابقه تمرین شده‌ترین بخش مشارکت عمومی-خصوصی کشور است از سرمایه‌های خصوصی و نهادهای عمومی به نفع توسعه زیرساخت‌های کشور استفاده کنیم. پس از یک دوره موفق در کاهش سوانح جاده‌ای در سه سال اخیر هرساله متأسفانه سوانح جاده‌ای رشد داشته و غیر از بروز مصیبت‌های عمده به خانواده‌ها و به جامعه پدید آور خسران‌های مالی جدی بر پیکر نحیف اقتصاد شده است.

در شبکه جامع آزادراهی کشور نیازسنجی ۳۰۰۰ کیلومتر آزادراه جدید هدف‌گذاری و شناسایی شده است دولت جدید باید به سه دلیل ساخت ۱۰۰۰ کیلومتر آزادراه را در اولویت برنامه خود بگذارد. اول جذب منابع مالی بخش خصوصی در توسعه زیرساخت‌ها زمانی که منابع داخلی دولت حداقل اســـت. دوم توسعه زیرساخت‌های حیاتی تولید و ایجاد امکان مزیت‌های رقابتی بیشتر برای بازرگانی و سوم (مهم‌تر از همه) کاهش تلفات جاده‌ای.

۱۰- ساختار سازمانی وزارت را برای ورود نسل‌زدی‌ها مهیا کند

وزارت راه و شهرسازی با بالغ بر ۵۰ هزار پرسنل و ترکیبی از متنوع‌ترین مأموریت‌ها ساختار پیچیـــده‌ای برای مدیریت دارد در دهـــه اخیر جذب نیروهای متخصص در این وزارتخانه به حداقل رســـیده و بزودی با موجی از بازنشستگان وزارت راه باید برای ورود نسل‌زدی‌ها مهیا شود. دگردیسی و نوساختاری در این بدنه اجتناب‌ناپذیر است مدیران جدید باید بداند که با نسل جدید باید چگونه ارتباط برقرار کنند و سازمان به شدت عریض خود را چالاک و متناسب با شرایط روز کنند.

نمودار ۲. عملکرد ساخت و توسعه آزادراه‌ها، در سال‌های برنامه پنجم و ششم توسعه

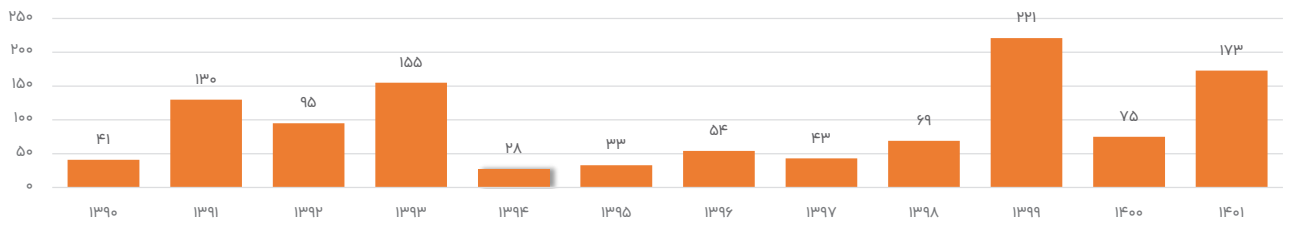

*عملکرد سال ۱۴۰۱ میزان احداث آزادراه‌ها در نظر گرفته شده است
*طول متوسط آزاد راه بهره‌برداری‌شده ۹۳ کیلومتر است

۱۵

صنعت | سوال اصلی: اقدامات کوتاه‌مدت یا بلندمدت؟

فیلترینگ، سدی مقابل توسعه

رفع فیلترینگ، مطالبه اول بخش خصوصی



مازیار نوربخش

رئیس کمیسیون تحول، نوآوری و بهره‌وری اتاق تهران

رئیس‌جمهور جدید کار سختی در پیش دارد. او با انبوهی از چالش‌های اقتصادی و سیاسی مواجه است و بحران‌هایی که هریک به‌تنهایی می‌تواند برای یک دولت کاری نفس‌گیر باشد. در حوزه اقتصاد دیجیتال و مشکلات آن باید گفت که فیلترینگ سه سال تجربه شد، اما راه‌حل نبود و کارزار انتخاباتی سال ۱۴۰۳ ثابت کرد که همه گروه‌ها فیلترینگ را ناکارآمد می‌دانند. فیلترینگ در دولت سیزدهم تجربه سختی بود و به نظر می‌رسد که اجماعی برای حل این مشکل وجود دارد و دولت باید به‌زودی برای آن چاره‌اندیشی کند. رفع اختلالات اینترنت مطالبه اول فعالان اقتصاد دیجیتال از دولت چهاردهم است؛ اقتصاد دیجیتال روی زیرساخت اینترنت فعال است و صاحبان کسب‌وکارها در حوزه اقتصاد دیجیتال از ناحیه سرعت و کیفیت اینترنت دچار ضرر و زیان‌های بسیاری شده‌اند.

تحریم مهم‌ترین چالش توسعه فناوری دیجیتال است. ایران با وجود چالش‌های زیرساختی و تحریم‌ها از نظر نرم‌افزاری و نیروی انسانی متخصص نسبت به سایر کشورها مزیت رقابتی در توسعه هوش مصنوعی دارد و سیاست‌گذار باید چالش‌های مرتبط به این دو حوزه را رفع کند. تحریم‌ها و نبود تعاملات بین‌المللی و مهاجرت نیروی انسانی متخصص مهم‌ترین چالش توسعه هوش مصنوعی در ایران است.

براساس پیمایشی که در زمستان سال ۱۴۰۲ توسط موسسه افکارسنجی جهاد دانشگاهی انجام شده است، اینستاگرام به‌رغم فیلتر شدن هنوز پراستفاده‌ترین شبکه اجتماعی کشور است و ۴۶.۵درصد مردم کاربر آن هستند. واتس‌اپ با ۳۵.۳درصد و تلگرام با ۳۴.۶درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. یوتیوب بزرگ‌ترین پلتفرم ویدئوی جهان است که در کنار انبوه محتواهای سرگرمی، تقریباً همه ویدئوهای آموزشی، علمی، خبری، فنی و دانشورانه جهان هم روی آن پخش و ذخیره می‌شود. پلی‌استور گوگل هم بزرگ‌ترین بازار نرم‌افزارهای موبایل جهان است که با توجه به سیطره اکوسیستم اندروید در ایران عملاً فیلتر بودن آن به معنای منع دسترسی شهروندان ایرانی به انبوهی از ابزارهای نرم‌افزاری مفید است. اما این سرویس‌های مفید و پرکاربرد فیلتر هستند، و مسیر رفع فیلتر از این سرویس‌ها مسیر سختی است؛ اما غیرممکن نیست.

علاوه بر کیفیت و سرعت اینترنت، اختلال فیلترینگ باعث ضرر و زیان کسب‌وکارها شده است. اقتصاد دیجیتال روی زیرساخت اینترنتی فعال است و باید دولت چهاردهم حل این مسئله را در دستور کار قرار دهد.

انتظار حذف کامل فیلترینگ فعلاً واقع‌بینانه نیست. ولی به‌طور مشخص از فیلتر خارج کردن پنج‌سرویس اینستاگرام، واتس‌اپ، تلگرام، یوتیوب و پلی‌استور گوگل می‌تواند موضوع تمرکز پزشکیان و تیم او باشد. این سرویس‌ها هم بیشترین تعداد کاربر در کشور را دارند و هم تاثیر آنها بر رشد اکوسیستم اقتصاد دیجیتال به‌شدت زیاد است

صاحبان کسب‌وکارها در حوزه اقتصاد دیجیتال از ناحیه سرعت و کیفیت اینترنت دچار ضرر و زیان‌های بسیاری شده‌اند، انتظار این است که در دولت جدید دسترسی به اینترنت آزاد و رفع اختلالات آن انجام گیرد. اقتصاد دیجیتال روی زیرساخت اینترنت فعال است، دسترسی آزاد به این زیرساخت باید به عنوان مطالبه نخست مطرح شود.

پزشکیان زمان زیادی ندارد و باید بتواند بین کارهای با خروجی کوتاه‌مدت و کارهایی که آثار بلندمدت دارد توازن ایجاد کند. به گمان من، بهترین کاری که پزشکیان برای ایجاد امید در جامعه باید انجام دهد، کاهش فیلترینگ اینترنت است. این موضوع، هم آثار فوری و ملموس دارد و هم بخش بزرگی از جامعه با آن درگیر است؛ اجرای آن هم نیازی به صرف منابع مالی و انسانی ندارد و حتی از اتلاف منابع قابل توجهی جلوگیری می‌کند

مردم به کارهای سیاستمداران بیشتر از حرف‌های آنها توجه می‌کنند؛ به‌خصوص به کارهایی که به بهبودهای ملموس منجر می‌شوند و آثار فوری دارند. کارهایی که پیچیده و تدریجی هستند، معمولاً زمان زیادی لازم دارند تا نتایج آنها ملموس شود. همچنین کارهایی که اجرای آنها پیچیده و مستلزم درگیر شدن نهادهای مختلف است یا به منابع زیادی احتیاج دارند، معمولاً چنان در بوروکراسی دولت گیر می‌کنند که هیچوقت به خروجی ملموس منجر نمی‌شوند و اگر هم خروجی داشته باشند آنچنان تقلیل یافته است که کسی را امیدوار و خوشحال نمی‌کند.

موضوع رفع تحریم‌های بین‌المللی، بهبود محیط کسب‌وکار و رسیدگی به مسائلی که شرکت‌ها در حوزه بیمه و مالیات با آن دست به گریبان هستند ضروری است؛ علاوه بر این، تغییرات مکرر و وضع دستورالعمل‌های خلق‌الساعه از دیگر مسائلی است که موجب سردرگمی فعالان اقتصادی شده است و امیدواریم که این مسائل در دولت جدید به حداقل برسد. دسترسی به اینترنت آزاد و رفع اختلالاتی که در دسترسی به اینترنت وجود دارد، مطالبه نخست فعالان اقتصاد دیجیتال است. از ابتدای سال در حوزه ارز دستورالعمل‌های متعدد صادر شد و امیدواریم این موارد مورد توجه قرار گیرد و در پایان دولت چهاردهم کارنامه دولت، نکات مثبت زیادی داشته باشد.

> مردم به کارهای سیاستمداران بیشتر از حرف‌های آنها توجه می‌کنند؛ به‌خصوص کارهایی که به بهبودهای ملموس منجر می‌شوند و آثار فوری دارند. کارهایی که پیچیده و تدریجی هستند، معمولاً زمان زیادی لازم دارند تا نتایج آنها ملموس شود

نیاز اساسی به تدوین استراتژی توسعه

چالش‌های بخش صنعت و پیشنهادهایی برای دولت چهاردهم



علیرضا کلاهی صمدی

رییس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران و عضو هیات نمایندگان اتاق تهران

چالش‌های اصلی بخش صنعت در چهار بخش فقدان استراتژی توسعه صنعتی، معدنی، تجاری و فناوری الزام‌آور، کاهش مزیت‌های تولید صنعتی در کشور (کاهش جذابیت برای جذب سرمایه صنعتی)، ناترازی‌های زنجیره‌های تولید در کشور و ناترازی انرژی ویژه صنعت کشور قابل بررسی است.

فقدان استراتژی توسعه صنعتی، معدنی، تجاری و فناوری الزام‌آور

چالش‌ها: با وجود تدوین بیش از ۷ برنامه توسعه صنعتی طی ۲۰ سال گذشته، هیچ برنامه و استراتژی جامع عملیاتی برای برنامه‌ریزی و هدایت بخش صنعت کشور به سمت اهداف توسعه‌ای کشور وجود ندارد. مهم‌ترین چالش سیاست‌گذاری صنعتی در کشور عدم تعهد تیم‌های مدیریتی جدید به برنامه‌های گذشته و عدم هماهنگی و اجماع‌سازی با ذینفعان بخش صنعت است.

پیشنهادها: تدوین برنامه توسعه صنعتی کشور با مشارکت بخش خصوصی در سطح معاونت اول ریاست جمهوری در این زمینه پیشنهاد می‌شود. در خصوص تدوین برنامه توسعه صنعتی کشور با توجه به حجم بالای پژوهها و مطالعات صورت گرفته در این حوزه، نیازی به تدوین یک برنامه جدید نیست، بلکه لازم است مطالعات گذشته تلفیق و جمع‌بندی شوند. همچنین یک تیم کارشناسی قوی حتی با حضور صاحب نظران بین‌المللی تشکیل شود.

کاهش مزیت‌های تولید صنعتی در کشور (کاهش جذابیت برای جذب سرمایه صنعتی)

چالش‌ها: کاهش مزیت سرمایه‌گذاری در کشور، نبود مشوق‌های موثر جذب سرمایه و خروج سرمایه از کشور از جمله چالش‌های این حوزه است.

پیشنهادها: بهبود فضای کسب و کار صنعت از طریق ۱ - حل چالش‌های سیاسی کشور خصوصاً تحریم‌ها به منظور اعطای فرصت رقابت عادلانه به صنایع ایرانی در مقابل رقبای بین‌المللی، ۲ - کاهش دخالت‌های دستوری دولت در زنجیره فعالیت‌های صنعتی و پرهیز از قیمت‌گذاری دستوری، ۳ - کاهش فرصت‌های سوداگری و فعالیت‌های اقتصادی غیرمولد از طریق حذف رانتهای اقتصادی در کشور از جمله نظام چند نرخی ارز، وامها و تسهیلات ترجیحی بی‌ضابطه و غیرکارشناسی از جمله پیشنهادها در این زمینه است.

ناترازی‌های زنجیره‌های تولید در کشور

چالش‌ها: ۱- ناترازی در طول زنجیره تامین و تولید (محدودیت سنگ آهن و ظرفیت بالای فولاد و...)، ۲- ناترازی در توزیع سود در زنجیره برخی از محصولات صنعتی، ۳-ناترازی در استقرار واحدهای صنعتی در سطح مناطق و ۴-ناترازی در توسعه زنجیره ارزش رشته فعالیت‌های مختلف (توسعه محدود زنجیره مس علی‌رغم وجود ظرفیت بالا و...) از جمله چالش‌های این حوزه است.

پیشنهادها: ۱-هدایت نظام مشوق‌گذاری کشور به سمت اعطای مشوق بر اساس خروجی‌های عملکردی بنگاهها نظیر حجم صادرات، توسعه و تکمیل زنجیره ارزش، اشتغالزایی، ۲-شناسایی و حذف مشوق‌های اخلال گر در بازار که موجب انحراف منابع به سمت فعالیت‌های نامتوازن میشود، ۳-رعایت مطلق ملاحظات آمایشی و زیست محیطی و کاهش زمینه دخالت و چانه‌زنی غیر کارشناسی مقام‌های محلی، ۴-عدم هزینه مشوق برای صنایع غیر اولویت‌دار و ۵-اصلاح ساختار صنایع اشباع کشور در این زمینه پیشنهاد می‌شود.

ناترازی انرژی ویژه صنعت کشور

چالش‌ها: با توجه به ملاحظات دولت برای عدم قطع برق خانگی و برق تجاری در کشور، عملاً ناترازی انرژی در کشور به معضلی ویژه صنعت تبدیل شده است. عدم تمایل سرمایه‌گذاری در این بخش نیز تابع نظام قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی در کشور است که موجب شده سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این حوزه فاقد صرفه اقتصادی باشد. بخش دولتی نیز منابع و توان مالی کافی برای توسعه ظرفیت‌های تولید انرژی در کشور را در فقدان سرمایه‌گذاری خارجی ندارد.

پیشنهادها: حل چالش ناترازی انرژی در گرو توسعه ظرفیت‌های تولید انرژی در کشور است نه فقط صرفه‌جویی و کاهش مصرف. با توجه به ظرفیت‌های بالای صنعت برق کشور در طراحی و تولید نیروگاههای فسیلی و تجدیدپذیر، تامین دانش مهندسی و فناوری این صنعت از داخل به سادگی ممکن است. بنابراین باید به مهم‌ترین ریشه این موضوع یعنی فقدان جذابیت سرمایه‌گذاری در صنعت انرژی کشور پرداخته شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود بسته‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی با تضامین بلند مدت تعریف و ارائه شود. در این خصوص به موضوع قیمت خرید انرژی به عنوان پاشنه آشیل جذب سرمایه در این بخش دقت شود.

همچنین پیشنهادهای زیر برای اصلاح ساختار و فرایندها توصیه می‌شود:

ساختار وزارتخانه: ۱-تعریف و تفکیک وظایف سطوح اداری و سازمانی زیرمجموعه وزارت در سه حوزه سیاست گذاری، توسعه‌ای و تنظیمی و تمرکز بر برنامه‌های توسعه‌ای، با توجه به شرایط کشور، ۲-بازتعریف نقش سازمان‌های توسعه‌ای زیرمجموعه و گذار از مالکیت و مدیریت صنعت و تجارت، به نقش توسعه‌ای، ۳-متناسب‌سازی ساختار ستاد وزارتخانه برای حمایت از فرایندهای توسعه‌ای و ۴- به اشتراک‌گذاری و یا واگذاری فعالیت‌های تنظیمی به تشکل‌های تخصصی رسته فعالیت‌های صنعتی

سرمایه انسانی: ۱-طراحی و پیاده سازی یک بسته سریع برای ارتقای مهارت و انگیزه منابع انسانی درون وزارت صمت در حوزه‌های تخصصی مربوطه، ۲- هماهنگی با شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم و شورای عالی مهارت، برای ایجاد تطابق در عرضه نیروی انسانی متخصص و ماهر متناسب با نیاز صنعت، ۳-تدوین و پیاده‌سازی برنامه

حفظ سرمایه انسانی صنعتی کشـــور و ایجاد تمایل برای حضور و بازگشت به کشور، ۴-تدوین و پیاده سازی سند ارتقای منزلت کارآفرینان و متخصصان صنعتی کشور و ۵-کوشش برای اصلاح نظامات ذیل قانون کار در سرفصل‌های تسهیل جذب و اخراج نیروی کار.

سیاست صنعتی: ۱-مشـــارکت و محوریت در تدوین فرادستگاهی و فرادولتی سند توســـعه صنعتی کشور، ۲-اتخاذ سیاســـت صنعتی انتخابی، ایجاد پوشش حمایتی اختصاصی برای توسعه صنایع منتخب در کنار حمایت عمومی از همه صنایع، ۳-اتخاذ سیاست مشخص برای تولید محصول نهایی، نیمه ساخته، مواد و تجهیزات فناورانه و یا مواد اولیه در هر صنعت منتخب، ۴- انتخاب حلقه‌های اصلی صنایع منتخب برای حضور و ارتقا در زنجیره ارزش منطقه‌ای، ۵-بهســـازی فضای کسب و کار اختصاصی رسته‌های منتخب با مشارکت تشکل‌های بخش خصوصی، ۶-هدف‌گذاری و تقویت ظرفیت‌های زیرساختی و لجستیک (حمل و نقل، گمرک و...) برای حضور در بازارهای منطقه‌ای و جهانی متناسب با نیاز صنایع منتخب، ۷-انجام توافقات دو و سه‌جانبه برای مشارکت در زنجیره‌های ارزش صنایع منتخب با کشورهای فعال در زنجیره‌های مربوطه و ۸-پیاده‌سازی نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نتیجه‌محور برای کلیه سیاست‌ها و برنامه‌های وزارت صمت.

فناوری: ۱-تدوین بسته حمایت و به روزرسانی سطح فناوری عمومی صنعت و همین طور اختصاصی برای صنایع منتخب متناسب با حلقه‌های انتخاب شده برای فعالیت، ۲-ایجاد و ارتقای مراکز ارتقای فناوری رشـــته‌ای و تقویت اتصال مراکز فناوری تخصصی در هر رشته با مراکز مشابه در کشورهای پیشرو در صنعت مربوطه با محوریت بخش خصوصی، ۳-تعریف ردیف بودجه ســـالانه با عنوان کمک فنی و اعتباری برای حمایت بلاعوض از ارتقای فناوری در صنایع، با اولویت صنایع منتخب (در سطح صنعت و نه بنگاه)، ۴-تدوین و پیاده‌سازی برنامه تقویت مولفه‌های انقلاب صنعتی چهارم در صنایع منتخب.

فضای کسب و کار: ۱-یکپارچه‌سازی سیلندرهای داده‌ای و اطلاعاتی موجود و تسهیل فرایندهای اداری، ۲-ایجاد نظام یکپارچه سنجش رتبه عمومی و اختصاصی مولفه‌های فضای کسب و کار در رشته فعالیت‌های منتخب، مبتنی بر ظرفیت‌های جدید حاصل از انقلاب ۴.۰ و هدایت و نظارت برای بهبود آنها و ۳-کوشـــش برای گذار از نظام‌های مبتنی بر مجوز به سمت گواهی و ثبت.

لجستیک: ۱-پیاده سازی نظام مدیریت لجستیک صنعت برای اعلام به هنگام نیازها و خواسته‌های صنعت به بخش‌های زیرساختی، حمل و نقلی و ... کشور برای هماهنگی و فعالیت همسو، ۲- تسهیل سرمایه‌گذاری برای ارتقای ظرفیت و فناوری شبکه حمل و نقل صنعت.

اقتصـــاد کلان صنعت: ۱-تدوین بســـته اقتضائات و نیازهای بخش صنعت کشـــور در حوزه‌های تجارت خارجی، ســـرمایه گذاری خارجی، حســـاب سرمایه و نرخ ارز و تصویب آن در شورای پول و اعتبار و ۲-حذف نظام نرخ‌گذاری مدیریت شده (و شناور مدیریت‌شده) ارزی در حوزه صنعت.

تقســـیم کار ملی: ۱-ایجاد اجماع برای کاهش حضور بخش‌های دولتی و نهادهای عمومـــی غیردولتـــی در فعالیت‌های بخش خصوصی به عنوان رقیب و یا شـــریک، ۲-هدایت و تســـهیل حضور نهادهای عمومی غیردولتی برای حضور در فعالیت‌های زیرساختی صنعتی به صورت سرمایه‌گذاری-خروج.

تأمین مالی: ۱-پیاده‌ســـازی نظام، مکانیسم‌ها و الگوهای جدید تأمین مالی صنعت و دعوت از نظام بانکی برای مشـــارکت در آن (گذار از اتکای صرف به روش‌های بانکی موجود)، ۲-کمک به همســـویی نظام بانکی با نیازهای تخصصی و اختصاصی تأمین مالی صنعت.

روابط خارجی: ۱-ایجاد مرکز (مراکز) تخصصی همجوشـــی صنعتی برای تســـهیل اتصال بنگاه‌های داخلی-خارجی و کوچک-بزرگ و سرمایه گذاری مستقیم خارجی، ۲-پیشنهاد و کمک به ایجاد توافقات دو و سه‌جانبه متناسب با نیاز رشته‌های صنعتی (به ویژه رشته‌های منتخب) و ۳-پرهیز از اعزام هیئت‌های صنعتی-تجاری مختلط و تأکید بر هیئت‌های تخصصی رشته‌ای.

صنعت

سوال اصلی: سرنوشت ناترازی چه می‌شود؟

نفت‌سوزی

اولویت‌های دولت آینده در حوزه انرژی



رضا پدیدار

رئیس کمیسیون توسعه پایدار، محیط زیست و استاندارد اتاق بازرگانی ایران

در ســـال‌های اخیر بـــه دلایل مختلـــف و بویژه سیاســـت‌های اقتصادی و مالی ناکارآمد، فســـاد، موانع ساختاری توسعه بخش خصوصی و همچنین مشـــکلات مربوط به تشـــدید تحریم‌ها و بیماری کوویـــد، اقتصاد ایـــران پویایی خود را از دســـت داده اســـت. در این راســـتا آیا می‌توان هدف کلی سیاست‌گذاری را در مسیر جامعه‌ای هوشمند که در آن خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در فعالیت‌های دانش‌محور متمرکز در بخش خصوصی که موتور اصلی رشد اقتصادی کشـــور است متصور شد. در چنین چارچوب راهبردی آیا می‌توان درآمد نفت و گاز را منحصر به سرمایه‌گذاری در عملیات توسعه و سازندگی زیر ساخت‌های لازم بـــرای یک اقتصاد دانش محور در نظر گرفت؟ اما بـــا ورود بحران انرژی در اقتصاد ملی کشور شرایطی حاصل آمد تا با حرکت اقتصاد جهانی به سمت انتشار کربن خالص صفر تا سال ۲۰۵۰ تقریباً همه کشورهای تولید کننده نفت از جمله ایران با چشـــم انداز زیان‌های قابل توجه اقتصادی روبرو باشـــند. مطالعات اخیر تخمین می‌زنند که منابع و دارایی‌های ســـوخت فسیلی به ارزش ده‌ها تریلیون دلار در جهان می‌توانند تا اواســـط قرن بیســـت و یکم به عوامل سرگردان یعنی بی‌ارزش تبدیل شوند. بنا براین برنامه‌های اقدام جامعی مورد نیاز است تا اطمینان حاصل شود که هر گونه سرمایه‌گذاری جدید در این کشورها از جمله ایران، تنوع اقتصادی را به دور از وابستگی به سوخت‌های فسیلی و به سمت بخش‌های فناوری جدید و کم‌کربن ارتقاء می‌دهد.

در چنین فضای آینده‌نگر و ابربحران انرژی که ایران با آن مواجه است، دولت ایران باید توجه ویژه‌ای داشته باشد بر مدیریت کارآمد انرژی پایدار. در این رابطه اولویت‌ها چندگانه هستند. نخست مدیریت یکپارچه انرژی با بنیان‌گذاری وزارت انرژی (متشکل از وزارت‌خانه‌های نفت و نیرو). در سیزده دولت قبلی، کشور ایران فقط وزرای تولید نفت، گاز و برق داشته، ولی وزیر مصرف انرژی و سیاست‌گذاری انرژی نداشته است. همچنین مدیریت کارآمد قیمت‌گذاری انواع انرژی مصرفی از جمله هدفمندی یارانه‌ها. چرا که یارانه‌های کلان انرژی کیفیت تولیدات صنعتی ایران را در موارد بسیار پایین‌تر از سطح رقابتی بین‌المللی آورده است. برای مثال، شـــدت مصرف انرژی اقتصاد ایران ۲ برابر میانگین جهانی و استفاده از انرژی در ســـاخت خودرو در ایران بیش از ۱۰ برابر آن در کشور ژاپن است. سوم اینکه در دهه اخیر، انباشت سرمایه در بخش نفت و گاز مسیر نزولی داشته است. از طرفی نیازهای تخمینی سرمایه‌گذاری در چند سال آینده برای توان‌بخشی تولیدات نفت و گاز در حدود چند صد میلیارد دلار خواهد بود. به علاوه در حوزه تولید انرژی‌های غیر فسیلی ایران هنوز در حال طی کردن قدم‌های اولیه است. بی‌توجهی به این چالش در کوتاه‌مدت و فقدان برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، می‌تواند لطمات جبران

ناپذیری به این صنعت زیر بنایی و مادر وارد کند و پیامدهایی حتی در سطوح اجتماعی و سیاسی به همراه داشته باشد. ایران در عین داشتن دومین ذخایر بزرگ گازی جهان، شاهد قطعی برق صنایع خود در روزهای گرم و قطعی گاز در سرمای زمستان است و این اتفاق نادری در مدیریت انرژی محسوب می‌شود. خاموشی‌های مکرر و تاریکی‌های گسترده و انبوهی از بدهی‌های کلان، زنگ خطری هولناک برای صنعت برق و انرژی ایران است که ریشه در مجموعه‌ای از عوامل نهفته در صنعت تنظیم‌گری و سیاست‌گذاری کارآمد در این حوزه دارد . وزارت نیرو غرق در گردابی از بدهی‌های کلان و سرسام آور، به بزرگ‌ترین مدیون دولت تبدیل شده است. برآوردها از انبوهی از مطالبات معوق در حدود ۴۰ تا ۸۰ هزار میلیارد تومان حکایت دارند. عاملی که بسیاری آن را در عرصه برق به قیمتی غیر واقعی جستجو می‌کنند. عقب ماندگی تولید برق از میزان مصرف که به آن تاترازی تولید و مصرف می‌گویند، نتیجه ناترازی اقتصادی در صنعت برق و بطور کلی حوزه انرژی است. به این معنا که عدم توازن درآمدها و هزینه‌ها باعث شده تا سرمایه‌گذاران تمایلی به حضور در این صنعت نداشته باشند. همچنین دولت که با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می‌کند، قادر به تامین منابع مالی لازم برای احداث نیروگاه‌های جدید با پرداخت مطالبات معوق نیروگاه داران، پیمانکاران و تولیدکنندگان تجهیزات نیست. در این میان دولت چاره‌ای جز اعمال برنامه‌های مدیریت باز بویژه برای صنایع بزرگ، نمی‌بیند. اما این راه حل اجباری ضررهای هنگفتی را به بخش تولید تحمیل می‌کند و عدم‌النفع‌های چند هزار میلیارد را برای فعالان این عرضه به بار می‌آورد. بررسی فرآیند تولید تا مصرف نهایی انرژی نشان می‌دهد که بهینه‌سازی انرژی در کشور مورد توجه قرار نگرفته و این حوزه ظرفیت بالایی دارد. اجرای طرح‌های بهینه سازی انرژی می‌تواند علاوه بر کاهش ناترازی انرژی، از هدررفت منابع و آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی جلوگیری کند.

مهم‌ترین مشکل در بازار بهینه‌سازی، نبود انگیزه اقتصادی کافی برای ورود بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری است که به ساختار چارچوب و نقش سایر بازیگران و همچنین شرایط اقتصادی و سیاسی کشور مرتبط است. بررسی عملیات تولید تا مصرف انرژی نشان می‌دهد که بهینه‌سازی در اولویت نبوده و رشد مصرف نهایی انرژی از عرضه انرژی اولیه پیشی گرفته است که ادامه این روند کشور را با چالش‌های جدی روبرو می‌کند. گذار انرژی و افزایش سهم انرژی تجدیدپذیر، تدوین سیاست جامع گذار عادلانه با توجه به پیش‌بینی اخیر سازمان بین‌المللی انرژی از رسیدن به نقطه اوج تقاضا و سپس کاهشی شدن آن تا قبل از سال ۲۰۳۰ برای ایران از اهمیت و فوریت بالایی برخوردار است. سال‌ها پیش تنها نگرانی کشورهای نفتی تمام شدن ذخایر نفت و گازشان بود که با کشف ذخایر جدید آن نگرانی به تعویق افتاد، اما اکنون آژانس بین‌المللی انرژی در گزارش خود از اوج تقاضا قبل از ۲۰۳۰ صحبت به میان آورده است. حتی گزارش میان مدت آژانس در خصوص بازار گاز تاکید می‌کند که رشد تقاضای جهانی گاز در میان مدت یعنی از سال ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۸ (پنج ساله) کاهشی خواهد بود. گزارش‌ها تاکید می‌کند که جنگ روسیه علیه اوکراین نقطه شروع برای تحولات بازار گاز در جهان بود و سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱ (ده ساله) را دوره طلایی گاز می‌داند که عملاً این دوره طلایی دیگر به پایان رسیده است. نکته‌ای که حائز اهمیت فراوان برای کشورهای نفتی از جمله ایران، پیامدهای ژئوپلیتیکی گذار انرژی است. سیستم انرژی مبتنی بر فناوری‌های انرژی پاک نسبت به سیستم مبتنی بر سوخت‌های فسیلی، به مقادیر بسیار بیشتری از مواد معدنی حیاتی نیاز دارد. جهان برای رسیدن به هدف کربن صفر تا سال ۲۰۵۰ به ۶ برابر مواد معدنی حیاتی در مقایسه با سال ۲۰۲۱ نیاز دارد. اما انتظار آن است که سیاست‌گذاران انرژی در ایران بدون اتلاف وقت و با توجه کافی به این امر که این گذار تمام شئون سیاست‌گذاری انرژی را از جمله دیپلماسی انرژی، استراتژی‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد، به طراحی و سیاست‌گذاری متناسب اقدام کنند. در این صورت و با حرکت اقتصاد جهانی به سمت انتشار کربن خالص صفر تا سال ۲۰۵۰ تقریباً همه کشورهای تولیدکننده نفت از جمله ایران با چشم انداز زیان‌های قابل توجه اقتصادی روبرو هستند. مطالعات اخیر تخمین می‌زنند که منابع و دارایی‌های سوخت فسیلی به ارزش ده‌ها تریلیون دلار در جهان می‌توانند تا اواسط قرن بیست و یکم به عوامل سرگردان یعنی بی ارزش شدن تبدیل شوند. بنابراین برنامه‌های اقدام جامعی مورد نیاز است تا اطمینان حاصل شود که هر گونه سرمایه‌گذاری جدید در این کشورها، از جمله ایران، تنوع اقتصادی رابه دور از وابستگی به سوخت‌های فسیلی و به سمت بخش‌های فناوری جدید و کم کربن ارتقاء می‌دهد. در چنین فضای آینده‌نگر و ابربحران انرژی‌ای که ایران با آن مواجه است، دولت ایران باید توجه ویژه‌ای داشته باشد بر مدیریت کارآمد انرژی.

برآوردها از انبوهی از مطالبات معوق در حدود ۴۰ تا ۸۰ هزار میلیارد تومان حکایت دارند. عقب‌ماندگی تولید برق از میزان مصرف که به آن ناترازی تولید و مصرف می‌گویند، نتیجه ناترازی اقتصادی در صنعت برق و به‌طور کلی حوزه انرژی است. عدم توازن درآمدها و هزینه‌ها باعث شده تا سرمایه‌گذاران تمایلی به حضور در این صنعت نداشته باشند

کلام پایانی اینکه اولویت‌ها چندگانه هستند، تحت مدیریت یکپارچه انرژی با بنیان‌گذاری وزارت انرژی (متشکل از ادغام وزارت خانه‌های نفت و نیرو). در ۱۳ دولت قبلی کشور ایران فقط وزرای تولید نفت، گاز و برق داشته ولی وزیر مصرف انرژی و سیاست‌گذاری انرژی نداشته است. دوم اینکه مدیریت کارآمد قیمت گذاری انواع انرژی مصرفی از جمله هدفمندی یارانه‌ها. از طرفی یارانه‌های کلان انرژی کیفیت تولیدات صنعتی ایران را در مواردی بسیار پایین‌تر از سطح رقابتی بین‌المللی آورده است. برای مثال شدت مصرف انرژی اقتصادی ایران ۲ برابر میانگین جهانی و استفاده انرژی در ساخت خودرو در ایران بیش از ۱۰ برابر آن در ژاپن است. سوم در دهه اخیر، انباشت سرمایه در بخش نفت و گاز سیر نزولی داشته است. نیازهای تخمینی سرمایه‌گذاری در چند سال آینده برای توان بخشی تولیدات نفت و گاز در حدود چند صد میلیارد دلار خواهد بود. بعلاوه در حوزه تولید انرژی‌های غیر فسیلی ایران هنوز در حال طی کردن قدم‌های اولیه هستیم. از منظر دیگر می‌توان گفت گرچه انرژی‌های تجدیدپذیر مانند باد در ایران پتانسیل تخمینی بسیار قابل توجهی دارند (توان انرژی باد بیش از ۳۰ هزار مگا وات برآورد شده) ولی میزان تولید این نوع انرژی (حدود ۲۰۰ مگا وات) فقط حدود یک درصد تولید کل انرژی کشور است. به هر حال تاکنون ایران در عرصه تولیدات صنعتی هوشمند بر مبنای انرژی‌های غیر فسیلی پیشرفت قابل توجهی نداشته است. برای برطرف کردن این کاستی‌ها می‌توان سرمایه‌گذاری‌های معقول را در نظر گرفت، از جمله برای تولید یا مونتاژ اتومبیل‌های الکتریکی، پنل‌های خورشیدی و آسیاب‌های برق بادی برای مصرف داخلی و صادرات. در نهایت، سرمایه‌گذاری‌های کلان داخلی و خارجی در این بخش مورد نیاز خواهد بود. برای متنوع کردن سبد انرژی بویژه ترویج انرژی‌های خورشیدی و بادی چند صد میلیارد دلار سرمایه‌های افزوده لازم خواهیم داشت. در نتیجه ادغام ایران در بازارهای جهانی و جذب سرمایه‌های کلان خارجی باید از اولویت‌های مهم دولت منتخب باشد.

۱۸

صنعت | سوال اصلی: بخش خصوصی می‌تواند در حل بحران‌ها به دولت کمک کند؟

احیای رابطه دولت و بخش خصوصی

راهکارهایی برای عبور از بحران



مهرداد صابری
عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران

جمعیت کشور در سال ۱۳۵۷ حدود ۳۵ میلیون نفر بوده و در سال ۱۴۰۳ حدود ۵۰ میلیون جمعیت دیگر در کشـــور زندگی می‌کنند که خاطـــره‌ای از انقلاب و جنگ ندارنـــد؛ این جمعیت دغدغه‌های متفاوت‌تری از نسل قبل از خود دارند و در حاکمیت باید دغدغه این جمعیت را بشنوند.

از طرفی کشور طی سال‌های اخیر دچار بحران‌های همزمان شده اســـت و برای حل این بحران‌ها لازم است که بین مردم و حاکمیت هماهنگی و همدلی ایجاد شود.

در حـــوزه اقتصاد و صنعت هر روز بـــا بحران‌های جدیدی روبه‌رو هستیم؛ ناترازی برق، گاز، آب و ناترازی مالی-بانکی اقتصاد را تهدید می‌کند و بدون مشورت با بخش خصوصی، دولت و حاکمیت توانایی لازم برای حل این بحران‌ها را ندارد و نخواهد داشت. اگر تغییری در سیاست‌ها حاصل نشود با این شرایط شعار سال تحقق پیدا نخواهد کرد و مشکلات بیشتر خواهد شد.

مشـــکل صنعت در شش دهه گذشته، نداشتن استراتژی توسعه صنعتی است؛ بخشنامه‌های خلق‌الساعه، قدرت پیش‌بینی‌پذیری را از اقتصاد ایران گرفته اســـت. از طرفی در طول دو دهه گذشته ترکیب ارزش‌افزوده بخش صنعت دچار تحولات اساســـی شده به طوری که ارزش‌افزایی صنعتی از سمت محصولات ساخت‌پایه به سمت صنایع هیدروکربوری و معدن پایه منتقل شده و توان ارزش‌زایی صنایع کشور با کاهش مواجه شده است.

وضعیت ارز، ناترازی انرژی، ســـاختار نادرســـت مشـــوق‌ها، نبود استراتژی توسعه صنعتی، شرایط نامطلوب بازار سرمایه و موضوعاتی از این دست، مجموعه‌ای از چالش‌های بخش صنایع کشور هستند.

در دهـــه‌ای اخیر ثبیت نرخ ارز مهم‌تریـــن عاملی بود که چرخه معیوب صنعت را کلید زد. در واقع این شـــرایط از انتهای دوره دولت اصلاحات شـــروع شـــد و در دولت‌های بعد تشدید و تداوم یافت. در نهایت صنعت‌گران بزرگ به سمت صنایع منبع‌محور رفتند و بخش قابل توجه ســـرمایه‌ها به حوزه مسکن ســـوق پیدا کرد. از سال ۹۷ تاکنون حدود ۲۳ درصـــد از ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصاد بازنگشته است و طبق بررسی‌ها حدود ۲۵ درصد صادرکنندگان بیش از ۶۰ درصد ارز خود را بازگردانده‌اند. در نتیجه بخش واقعی تولید با بازگشت ارز مشکلی ندارند.

راه‌حل مشـــکلات ناشی از سیاســـتگذاری فعلی دولت در زمینه تخصیص ارز این است که دولت برای برطرف کردن موانع تنها باید به فکر بازگشت به شرایط گذشته باشد. دولت باید سعی کند شرایط را به شکل قبل از سال ۱۳۹۸ بازگرداند. آن زمان با شروع جنگ اقتصادی جهانی با ایران و اعمال تحریم‌ها همراه بود اما پیش از آنکه خارجی‌ها کشور را تحت تحریم قرار دهند، این خود ایران بود که خودتحریمی را آغاز کرد. به نوعی با سیاستگذاری‌هایی که صورت گرفته، هم عرضه و کیفیت با کاهش مواجه شـــده و هم شرایط نوسازی تولید سخت شده است.

دولت باید درک کند که هیچ راه‌حلی جز بازگشت ارز وجود ندارد و دولت نباید در برابر تولیدکنندگان واقعی مقاومت نشان دهد. بیشتر فسادها و اتلاف منابع ارزی زمانی رخ داده است که ثبت‌سفارش برای محصولات مشخصی انجام شـــده و محصول دیگری توسط دلالان و برخی افراد وارد کشـــور شده اســـت. به نوعی فقدان نظام بازرسی و پیگیری نتیجه ارزهای تخصیصی مشـــکلی است که دولت با آن دســـت و پنجه نرم می‌کند و به جای حل آن، ترجیح داده است تا به صنایع ارزی ندهد و شـــرایط را سخت کند. همه تولیدکنندگان در سال‌های قبل با کارآیی بالا فعالیت می‌کردند و بخش اعظمی از تجارت کشور را ساخته بودند و در کشورهای دیگر فعال بودند اما با سیاستگذاری‌های فعلی دولت، شرایط به شدت سخت‌تر شده است و دیگر تولیدکننده‌ای توان ادامه دادن ندارد.

در اتاق تهران ظرفیت خوبی در حوزه کارشناسی وجود دارد. این مطالعات و تجربه‌های کارشناسی شده، می‌تواند نگاه درست و علمی را به دولت و سایر سیاست گذاران بدهد تا با همکاری خوب دولت و بخش خصوصی در چهار ســـال آینده، شرایط کشور به نقطه خوبی برســـد. دولت باید به بخش خصوصی اعتماد کند و بداند که هدف توسعه‌ای هدف همزمان دولت، حاکمیت و بخش خصوصی و مردم است. همه به دنبال مبارزه با فساد، رشد و توسعه اقتصادی، رانت‌زدایی و بهبود کیفیت زندگی مردم هستند. دولت باید به فکر نجات اقتصاد ایران با برداشتن تحریم‌ها، سرمایه‌گذاری و استفاده از ظرفیت همه استعدادها باشد.

البته دولت هم گام‌هایی برداشته؛ مثلاً در انتخاب وزرا کارگروه‌هایی متشکل از بخش خصوصی و دولت تشکیل شد و دغدغه‌های بخش خصوصی شـــنیده شـــد و امیدواریم ارتباط بین حاکمیت و بخش خصوصی ارتباط گسترده و منظمی شود. باید دولتف مجلس و قوه قضایی همراه و همسو باهم باشند و هدف همه آنها اصلاحات اقتصادی و اجتماعی در کشـــور باشد وگرنه اندک امید باقی‌مانده در کشور، به قهقرا می‌رود و کشور را با مشکلات زیادی مواجه می‌کند.

بایـــد خطاب به رئیس‌جمهور منتخب گفت که دولت به تنهایی توانایی حل این بحران‌ها را ندارد و بخش خصوصی می‌تواند در رفع آنها به دولت کمک کند.

از سال ۹۷ تاکنون حدود ۲۳ درصد از ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصاد بازنگشته است و طبق بررسی‌ها حدود ۲۵ درصد صادرکنندگان بیش از ۶۰ درصد ارز خود را بازگردانده‌اند. در نتیجه بخش واقعی تولید با بازگشت ارز مشکلی ندارند

۱۹

صنعت

سوال اصلی: آیا بی‌نظمی‌های سیاست‌گذاری رفع خواهد شد؟

شرط خروج از رکود

بهبود اقتصاد در گرو سروسامان دادن به بی نظمی‌ها



احمدرضا فرشچیان

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران

نخستین مطالبه فعالان اقتصادی در حوزه تجارت و بازرگانی ساماندهی به بی‌نظمی‌های موجود در حوزه وضع قوانین و مقررات است. همچنین اگر دولت می‌خواهد که فعالان اقتصادی را در کنار خود داشته باشد تا بتواند شرایط اقتصاد کشور را بهبود ببخشد باید دست اندازهایی که پیش روی آنهاست را بردارد. در حوزه تجارت چه صادرات و چه واردات، مهم ترین اقدامی که باید صورت گیرد سر و سامان دادن به بی نظمی‌هاست؛ بی نظمی‌های بسیاری در قوانین و مقررات به وجود آمده است، هر روز بخشنامه جدیدی اعلام می شود که به بلای جان اقتصاد و تجارت بدل شده است. دستورالعمل های خلق الساعه و بسیاری دیگر از مشکلاتی که در حوزه سیاست‌گذاری وجود دارد بیش از هر مسئله دیگری فعال اقتصادی را اذیت می‌کند و این رویه باید اصلاح شود. این مسائل فقط برای تجار مشکل ساز نشده‌اند، بلکه هر فعال اقتصادی که در کشور وجود دارد هر روزه با این مشکلات روبه‌روست. در نتیجه این سیاست‌گذاری‌ها اقتصاد و به صورت کلی کشور وارد رکود شده است. یکی از اثرات دیگر اعمال این فشارها و چالش‌های هر روزه‌ای که فعالان حوزه اقتصادی را درگیر می‌کند، کاهش ریسک پذیری و جرات فعالیت و سرمایه‌گذاری است آن هم در شرایطی که اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند جذب سرمایه گذاری است.

اولین درخواست ما به عنوان یک فعال اقتصادی از آقای مسعود پزشکیان به عنوان رئیس دولت چهاردهم این است که سروسامانی به این بی‌نظمی‌ها بدهند. اگر این بی‌نظمی‌ها برچیده شود و دست اندازهای قانون گذاری برداشته شود، شاید بتوان گفت که فعالان اقتصادی اولا جرات فعالیت را پیدا خواهند کرد و دوما در کنار دولت حضور داشته باشند و به آن کمک کنند.

حضور فعالان اقتصادی در کنار دولت موجب کمک به اقتصاد می‌شود و شرایط اقتصادی کشور بهبود پیدا می‌کند. در نهایت باید اینطور گفت که اگر دولت می‌خواهد فعالان اقتصادی را در کنار خودش داشته باشد که شرایط اقتصاد کشور را بهتر کند نیاز هست که شرایط را برای فعالیت فعالان اقتصادی فراهم کند. در حال حاضر بی‌نظمی‌های مربوط به قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری راه نفس فعالان اقتصادی را گرفته است.

۲۰

صنعت

سوال اصلی: دولت چگونه می تواند بحران بی‌برقی را حل کند؟

عاقبت ناترازی

جایگاه دولت و بخش خصوصی در تامین انرژی



حمیدرضا صالحی

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران

طی سال‌های گذشته به دلیل سیاستها و رویکردهایی که در تامین انرژی دنبال شد، شاهد عدم موفقیت دولتها در این زمینه بودیم و از سال ۱۳۸۴ به بعد که برنامه سوم توسعه به نوعی متوقف شد، سرمایه‌گذاری آنچنانی در صنعت برق صورت نگرفت. رویکرد غالب در این سال‌ها به این صورت بود که دولت سرمایه‌گذاری نداشته باشد؛ چرا که درآمدهای ناشی از نفت پایین آمده بود. از طرفی در این راستا که بخش خصوصی با حمایت دولت در صنعت برق و نیروگاههای جدید سرمایه‌گذاری کند و بتواند در چارچوب سیاستهایی که دولت تعیین می‌کند، در زمینه تامین انرژی حرکت کند، برنامه‌ریزی نشده بود. در نتیجه این رویکردها امروز شاهد هستیم دولت چهاردهم با شرایط حادی روبه‌روست و حدود ۱۸ هزار مگاوات ناترازی برق داریم. در مورد گاز هم در زمستان با کمبود مواجه هستیم. در این شرایط سوال این است که دولت جدید چه اولویت‌هایی را در حوزه انرژی و صنعت باید در دستور کار قرار دهد. دولت جدید باید فارغ از اینکه در گذشته چه اتفاقی افتاده است، این میراث ناترازی انرژی را بپذیرد و مسئولانه خواهان حل این موضوع باشد. اگر این اراده درست و جدی باشد، از بخش خصوصی طلب کمک کند و با بخش خصوصی که قصد سرمایه‌گذاری دارد به توافقاتی برسد و به سمت کاهش سالانه ناترازی پیش رود. اگر دولت جدید در این زمینه برنامه‌ریزی داشته باشد، بخش خصوصی‌ای که در ساخت و اداره نیروگاه و تولید برق دارای اهلیت است، می‌تواند وارد این عرصه و سرمایه‌گذاری در صنعت برق شود. در حال حاضر ۶۰ درصد نیروگاههای کشور در اختیار غیردولتی‌ها یعنی بخش خصولتی و خصوصی است که امکان تولید برق دارند. دولت می‌تواند برای مشارکت و سرمایه‌گذاری در زمینه تولید برق و حل مشکل ناترازی از همین ابتدا با این بخش‌ها توافق کند.

معتقدم مسئله ناترازی برق قابل حل است و باید در اولویت دولت و سیاست‌گذار قرار گیرد. چرا که صنایع کشور به دلیل مشکل ناترازی انرژی و کمبود برق متحمل ضرر و زیان‌های زیادی شده‌اند، بهره‌وری لازم را ندارند و به دلیل کمبود انژری در زمینه‌های اشتغال، صادرات، تامین زنجیره‌های ارزش و... با مشکل روبه‌رو شده‌اند. بنابراین لازم است بخش خصوصی در زمینه تولید برق و انرژی به طور جدی وارد کار شود و دولت هم تبدیل به رقیب بخش خصوصی در این زمینه نشود و با ۴۰ درصد نیروگاهی که در اختیار دارد تامین برق بخش‌های یارانه‌ای را دنبال کند. همچنین لازم است طی چند سال آینده به سمت واقعی شدن قیمت برق با محوریت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی پیش رفت. دولت از این مسیر می‌تواند از بابت حق انتقال برق و ترانزیت درآمدزایی داشته باشد. به عبارتی دولت از تصدی‌گری خارج شود و رگولاتوری در زمینه برق را دنبال کند، در این شرایط و وقتی دولت در بخش رگولاتوری قرار گیرد و بخش خصوصی وارد ساخت نیروگاه و تولید برق شود، عملاً شاهد رفع ناترازی خواهیم بود.

تاکید ما این است که دولت رقیب بخش خصوصی و به دنبال تصدی‌گری در این حوزه نباشد و نقش رگولاتاری بر عهده بگیرد. در مقابل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی حمایت و ترغیب شود. شرایط ایده‌آل این است که بخش خصوصی تولیدکننده برق باشد و برق را با قیمت واقعی در بورس انرژی به صنایع بفروشد و قیمتها به مرور واقعی شود. در بخش گاز هم میادین گازی‌ای داریم که هنوز مورد استفاده قرار نگرفته است و هرکدام ۳۰-۲۵ میلیون مترمکعب ظرفیت سرمایه‌گذاری دارد، این در حالی است که کنسرسیوم‌های داخلی و خارجی آماده سرمایه‌گذاری در این زمینه هستند.

وضعیت فعلی جای تاسف دارد و دولت باید با فراهم کردن شرایط امن از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی حمایت کند. وزارتخانه‌ها باید از حضور بخش خصوصی در این حوزه‌ها استقبال و امنیت سرمایه‌گذاران را تامین کنند. در این شرایط ایران می‌تواند هاب انرژی و صادرکننده انرژی باشد.

معدن | سوال اصلی: دیپلماسی اقتصادی در دستور کار دولت قرار می‌گیرد؟

بخشنامه‌های تشویقی به جای تنبیهی

نگاه دستوری به بخش تولید، آزاردهنده‌ترین مسئله برای توسعه کشور



محمدرضا بهرامن
عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران و نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران

نگاه دستوری به تولید، آزاردهنده‌ترین مسئله در خصوص توسعه کشور است و بخشنامه‌های تشویقی باید جایگزین مقررهای تنبیهی شود. اعتقاد دارم توسعه در کشور به یک حرکت نو و مهندسی جدید در خصوص سیاست‌گذاری‌ها نیاز دارد تا با سیاست‌گذاری‌های جدید بتوان عقب‌افتادگی‌هایی را که در سال‌های گذشته به وجود آمده است جبران کرد.

ما باید ابتدا این مطلب را عنوان کنیم که با توجه به شرایط اقتصادی فعلی و دورنمای اقتصاد کشور مردم ناراضی هستند. این نارضایتی به مردم محدود نمی‌شود، بلکه بخش‌های فعال اقتصادی مثل صنعت، تولید، بازرگانی و بخش مصرف‌کننده کشور از وضعیت موجود ناراضی هستند. بنابراین در این شرایط به یک تغییر و نگرش نو نیاز است. قاعدتاً رئیس دولت چهاردهم در ابتدای کار خود شرایط سختی را خواهد داشت که نیاز به اصلاح دارد. ما به عنوان فعالان اقتصادی اعتقاد داریم که این اصلاحات باید در کوتاه‌مدت و بلندمدت دیده شود. چرا می‌گوییم باید در کوتاه‌مدت دیده شود؟ یک فرصتی را تا پایان سال جاری داریم. از نظر نقدینگی شرایط مطلوبی وجود ندارد. ذخایر ارزی نیز در وضعیت خوبی به سر نمی‌برند. ما در کشور نمی‌توانیم به راحتی ارز مورد نیاز خود را برای وارد کردن تجهیزات و توسعه کسب و کار داشته باشیم. این شرایطی است که با آن مواجه هستیم. اما ما می‌توانیم با یک نگرش و مدیریت درست تا پایان سال یک میزان افزایش صادرات داشته باشیم.

بخشی از مشکل و چالش که پیش روی فعالان اقتصادی و بخش بازرگانی طی سال‌های گذشته وجود داشته، به دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌هایی برمی‌گردد که مانع از رشد صادرات شده‌اند. امروز کشور ما نیازمند ورود ارز از خارج به داخل است. بخش تولید ما امروزه مازاد تولید دارد، باید از تمام انگیزه‌های لازم در جهت استفاده از این فرصت برای صادرات محصولات تولید داخل بهره بگیریم.

باید بخشنامه‌های تشویقی جای بخشنامه‌های تنبیهی قرار بگیرد تا براساس آن بتوانیم بخشی از نیازهای ارزی خود را تامین کنیم، همچنین مازاد تولیدی را که در بخش‌های تولیدی کشور وجود دارد به کشورهای دیگر صادر کنیم. بنابراین این برنامه مبانی کوتاه‌مدت ماست. اگر این مبانی کوتاه‌مدت را خوب در نظر بگیریم و به درستی اجرا کنیم، قاعدتاً می‌توانیم این دستور کار را برای سال‌های آینده نیز در نظر بگیریم و برای آن هم برنامه‌ریزی داشته باشیم. اجرای این برنامه در شرایط موجود قطعاً کار سختی خواهد بود اما باید آن را ترسیم کنیم. ما نمی‌توانیم بدون نگاه به دیپلماسی اقتصادی توسعه را در کشور تعریف کنیم. دیپلماسی اقتصادی دسترسی ما برای رسیدن به بازارهای هدف است. بنابراین باید به این بخش نگاه حضور در بازارهای بین‌المللی که هدف تولیدات کشور است، داشته باشیم. این نگاه را باید نسبت به هر بخش دیگر هم داشته باشیم که از ظرفیت کشور بهره بگیریم و کالاهای تولیدی کشور را صادر کنیم

در این مسیر باید برای عوامل بازدارنده مثل تحریم‌ها و... راهکارهای لازم را پیدا کنیم تا از این جریان عبور کنیم. عبور کردن به معنای دور زدن نیست، بلکه باید ناهمواری‌ها را برداریم و شرایط را طوری مهیا کنیم که بخش تولید در مسر خود جهشی را لمس کند. کشورهای منطقه بایستی یکی از بازارهای هدف ما باشد.

اما فراموش نکنیم نگاه دستوری به بخش تولید، آزاردهنده‌ترین مسئله در بخش توسعه کشور محسوب می‌شود. سیاست‌گذاری دستوری معطوف به یک بخش نیست و همه بخش‌های اقتصاد کشور را از جمله صنعت، معدن، کشاورزی و... درگیر کرده و آثار نامطلوبی را به جای گذاشته است. بنابراین باید با دید بازتری به مسائل و مشکلاتی که برای فعالان اقتصادی وجود دارد نگاه کرد چراکه در نهایت اقتصاد کشور متضرر خواهد شد. مسائلی مثل FATF موضوعی نیست که بتوان به‌راحتی از کنار آن عبور کرد. ما امروز مصرف می‌کنیم و تصور این است که در جریان توسعه آثار نامطلوبی نخواهد داشت، اما قطعاً نیازمند تغییراتی در سیاست‌های کلان و درازمدت هستیم که حتماً باید از سوی دولت مدنظر قرار بگیرد. وقوع توسعه در کشور به یک حرکت نو و مهندسی جدید در خصوص سیاست‌گذاری‌های گذشته نیاز دارد تا با سیاست‌گذاری‌های جدید بتوان عقب افتادگی‌هایی را که در سال‌های گذشته به وجود آمده است جبران کرد.



۲۲

معدن | سوال اصلی: اولویت‌های دولت در حوزه معدن چیست؟

توسعه بخش معدن با اختلال مواجه است

خام‌فروشی مواد معدنی گزاره‌ای غلط است



سجاد غرقی
عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران

مسئله اصلی بخش معدن عدم امکان انباشت سرمایه مولد در این بخش اســت یعنی مبادی ورودی سرمایه در بخش معدن به لحاظ حکمرانی دچار اختلال است. ما دو منشــا اصلی تامین مالی و ارز داریم؛ یکی پاسخ به تقاضای داخلی اســت و دیگری پاســخ به تقاضای خارجی یا همان صــادرات. در حوزه فروش داخلی ما با قیمت‌گذاری دســتوری مواجه هســتیم و در حوزه صادرات هم وضع عوارض صادرات باعث می‌شــود که تامین مالی و انباشــت سرمایه مولد در بخش معدن با اختلال مواجه شود. از طرف دیگر هزینه‌های محیطی هم عمدتا به نوع حکمرانی وابســته است مثل حقوق. تاخیری که در اخذ تصمیمات یا مجوزها وجود دارد، هزینه بخش خصوصی را بالا می‌برد و علی‌رغم این‌که ما مزیت نسبی جدی در بخش معدن داریم، چه از نظر ذخایر و چه بازار داخلی و خارجی، توسعه این بخش با مشکل روبه‌رو شده است.

در کنار اینها در حال حاضر بخش معدن با انباشتی از گزاره‌های غلط هم روبه‌رو است که یکی از آنها بحث خام‌فروشی است. تمام کشورهایی که منابع و ذخایر معدنی دارند یکی از مبادی اصلی صادراتی‌شان مواد معدنی است. در ایران هم چیزی کمتر از ۳ درصد کل تولیدات مواد معدنی ما صادر می‌شــود اگر آن را به عنوان ماده خام در نظر بگیریم. پس می‌بینیم این بخش که ظرفیت و پتانسیل بالایی دارد به واسطه گزاره‌های غلط و سیاست‌گذاری‌های اشتباه در واقع دچار خونریزی در سرمایه‌گذاری است. اولین انتظاری که می‌رود این است که ما بتوانیم نه‌تنها در بخش معدن بلکه در کلیه حوزه‌های اقتصادی قیمت‌گذاری دســتوری را متوقف کنیم، یعنی برویم به این سمت که بین تمام فعالین اقتصادی (بخش عمومی و خصوصی) اجتماع ایجاد شــود، علی‌رغم این‌که ممکن است نهادهای اقتصاد سیاسی ما مزیت داشته باشند. موضوع قیمت‌گذاری دستوری باید حذف شود و باید دید که وزرای اقتصادی و دولت آینده به این سمت حرکت می‌کنند یا نه؟

دومین اقدام مهمی که باید صورت گیرد عدم ممانعت از صادرات اســت. تامین ارز و شاهرگ حیاتی سرمایه‌گذاری کشور از بخش صادرات اتفاق می‌افتد. انتظاری که از وزیر صمت می‌رود این است که موانع پیش روی صادرات و سرمایه‌گذاری در کشور را بردارد و مشکلات را حل کند. به نظرم باید در خصوص وضع عوارض صادرات تجدید نظر جدی صورت گیرد تا ما بتوانیم در بخش معدن به عنوان پیشران حلقه‌های بعدی زنجیره ارزش نقش‌آفرینی کنیم و هم تاب‌آوری اقتصاد ما تضمین شود.

با توجه به مزیت نســبی که کشــورمان در حوزه معدن دارد ما همواره در این حوزه بازارهای صادراتی داریم. اما وضع عوارض صادراتی در این حوزه علاوه بر این‌که ارزآوری را متوقف می‌کند تاب‌آوری اقتصاد کشور را هم کاهش می‌دهد.

معدن | سوال اصلی: آیا دولت می‌تواند به اقتصاد دستوری پایان دهد؟

۲۳

اقتصاد ایران نیازمند استراتژی بلندمدت است

فشار از روی صادرکنندگان باید برداشته شود



قدیر قیافه
عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران و نایب رئیس اتاق ایران

انتظار اصلی که بخش خصوصی از دولت چهاردهم دارد این اســت که حتما در چهار سال پیش رو استراتژی بلندمدت اقتصادی حداقل برای ۲۰ ســال تدوین شــود و به دنبال این باید استراتژی صنعتی کشور تعیین شود و حتما مطالعات آمایش سرزمینی باید کامل شود و هرگونه سرمایه‌گذاری و هرگونه توسعه صنعتی باید مبتنی بر این استراتژی‌ها و آمایش سرزمینی صورت گیرد. دومین انتظار ما این است که دولت در حوزه دستور به اقتصاد ورود نکند یعنی باید دولت جدید اقتصاد دســتوری را داخل یک گاوصندوق بگذارد و در آن را دقفله کند که دیگر قابل رمزگشــایی و بازشدن نباشد. حتما دولت باید در حوزه بهبود معیشت مردم کار کند. ما مردمانی داریم که امروز به دلیل تولید اندک ثروت متاسفانه با تنگناهای شدید مادی و معیشتی درگیر هســتند و همه ما برای حل این بحران باید فکر کنیم. دولت محترم اگر قرار اســت در حوزه نهادهها و قیمت‌گذاری برای کالاهای اساسی وارد شود (تاکید می‌کنم، کالاهای اساسی)، می‌تواند از ارز نفت و ارزی که متعلق به دولت اســت و در حقیقت قیمت تمام‌شده آن ارز برای دولت پایین است، استفاده کند و از فشار بر صادرکنندگان و صاحبان صنایع پرهیز کند که ارز را با قیمت ترجیحی در اختیار واردکنندگان محترم قرار دهند.

۲۴

کشاورزی

سوال اصلی: مهم‌ترین اقدامات حوزه کشاورزی کدام‌اند؟

چالش‌های آبی

۸ اولویت برای وزیر کشاورزی دولت چهاردهم



حسن فروزان‌فرد

رئیس کمیسیون حکمرانی سازمانی اتاق بازرگانی تهران

مدیریت بهینه منابع آبی و خاکی، توسعه زیرساخت‌های کشاورزی، حمایت از کشاورزی پایدار، مدیریت مناسب بازار، توسعه پژوهش و نوآوری، مدیریت شفاف و کاهش فساد، حمایت از کشاورزی خانوادگی و کوچک، و تقویت همکاری‌های بین‌المللی، هشت انتظاری است که بخش خصوصی از دولت آینده برای بخش کشاورزی و وزیر کشاورزی دارد. برای رفع مشکلات کشاورزی و ایجاد زمینه‌ای مناسب برای توسعه اقتصادی این بخش، انتظارات متعددی از وزیر کشاورزی وجود دارد. در زیر به برخی از این انتظارات اشاره شده است.

۱ مدیریت بهینه منابع آبی و خاکی

- اجرای برنامه‌های جامع برای کنترل مصرف آب و بهبود بهره‌وری آن در کشاورزی
- ارائه تسهیلات و حمایت‌های مالی برای استفاده از تکنولوژی‌های آبیاری نوین مانند آبیاری قطره‌ای و مدیریت منابع آب.

۲ توسعه زیرساخت‌های کشاورزی

- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های روستایی و افزایش دسترسی به خدمات اساسی نظیر آب و برق
- تقویت زیرساخت‌های حمل و نقل و بازاریابی محصولات کشاورزی.

۳ حمایت از کشاورزی پایدار

- تشویق به کشت محصولات مقاوم به تغییرات اقلیمی و بهبود نظام مدیریت خاک
- توسعه استفاده از کودهای ارگانیک و تکنولوژی‌های نوین در کشاورزی.

۴ مدیریت مناسب بازار

- ایجاد سیاست‌های تنظیمی مناسب برای تضمین حقوق تولیدکنندگان و تعادل قیمتی در بازار
- پشتیبانی از شبکه‌های توزیع محصولات کشاورزی و حمایت از تجارت داخلی و صادرات.

۵ توسعه پژوهش و نوآوری

- افزایش سرمایه‌گذاری در پژوهش‌های کشاورزی و ارتقای دانش فنی و علمی
- ایجاد برنامه‌های پشتیبانی از استارت‌آپ‌ها و کسب و کارهای نوپا در حوزه فناوری کشاورزی.

۶ مدیریت شفاف و کاهش فساد

- ارتقاء شفافیت در اعطای تسهیلات و حمایت‌های دولتی به کشاورزان.
- مبارزه فعال با فساد و بهبود نظارت و کنترل بر بودجه‌های مرتبط با کشاورزی.

۷ حمایت از کشاورزی خانوادگی و کوچک

- ارائه حمایت‌های خاص به کشاورزان خانوادگی و کوچک به منظور بهبود شرایط اقتصادی آنها
- ایجاد برنامه‌های توسعه برای افزایش تولید و درآمد کشاورزان در مناطق روستایی.

۸ تقویت همکاری‌های بین‌المللی

- گسترش همکاری‌های بین‌المللی در زمینه تجاری، تکنولوژی، و پژوهش کشاورزی
- تسهیل در دسترسی به بازارهای بین‌المللی برای محصولات کشاورزی ایرانی.

به طور کلی، این انتظارات نشان می‌دهند که وزارت کشاورزی نیاز به برنامه‌ریزی جامع و اجرای موثر دارد تا بهبودی مستدام در بخش کشاورزی ایران ایجاد کند و مواجهه با چالش‌های فعلی مانند مشکلات آبی، توسعه فناوری، و مدیریت بازار را به‌درستی مدیریت کند.

۲۵

کشاورزی

سوال اصلی: چرا بی‌ثباتی اقتصادی ایران پایان ندارد؟

دردهای اقتصادی

رفع تحریم داخلی و خارجی در اولویت



داوود رنگی

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران

از دولت آقای پزشکیان انتظار دارم در اولین اقدام برای رفع تحریم‌ها و سیاست صلح‌جویانه با کلیه دولت‌ها بخصوص همسایگان برنامه‌ریزی کند و همزمان اف‌ای‌تی‌اف را بپذیرد. در صورت عمل به این دو اقدام مهم معتقدم شرایط برای تک‌نرخی شدن ارز فراهم می‌شود؛ تک‌نرخی کردن ارز و پایان دادن به بی‌ثباتی ارزی اقدامی واجب در کشور است. کسب و کارها در سال‌های گذشته صدمات بسیار زیادی از ارز چندنرخی خورده‌اند و اقتصاد ایران به همین خاطر بیش از گذشته درگیر رانت و فساد شده است. در کنار اقداماتی که گفته شد باید رئیس جمهور شرکت‌های دولتی و شبه دولتی را از رقابت رانتی با بخش خصوصی منع کند و همچنین قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز را با نظر اتاق بازرگانی اصلاح کند. پایان دادن به اقتصاد دستوری و قیمت‌گذاری دستوری هم از دیگر خواسته‌های مهم فعالان اقتصادی و بخش خصوصی است که به تولید آسیب جدی وارد کرده است.

علاوه بر این ارتقای سرعت اینترنت و رفع فیلترینگ از دیگر برنامه‌های کاری دولت باید باشد. اگر این اقدامات انجام نشود عملا نمی‌توان به امیدوار بود و دولت آقای پزشکیان به ناچار ادامه دولت رئیس‌جمهور گذشته خواهد بود. اعتقاد دارم هرگونه اصلاح در حوزه اقتصاد، بازرگانی و تولید درگرو تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز با دنیا و کشورهای دیگر تحقق پیدا خواهد کرد و هم اکنون به دلیل تحریم خارجی اقتصاد ایران با مشکلات جدی رو به رو شده است. از طرف دیگر متاسفانه واحدهای تولید، کسب و کارها و فعالان اقتصادی با تحریم‌های داخلی هم رو به رو هستند که بدتر از تحریم‌های خارجی به ما ضربه زده است مثلا در ماه‌های گذشته شاهد بوده‌ایم به بهانه محدودیت ارزی، ثبت سفارش کالا به ۱۱۰ درصد نیاز کشور محدود شده است در شرایطی که پیش از این ۱۴۰ تا ۱۵۰ درصد بود و مدت اعتبار آن را هم کاهش داده‌اند؛ پر واضح است همه ثبت سفارش‌ها به دلایل مختلف قابلیت تبدیل به کالا را ندارد و اگر فرض کنیم ۱۰۰ درصد ثبت سفارش تبدیل به کالا شود که نمی‌شود با کوچک‌ترین عارضه در حواله ارز و حمل خارجی و بخصوص ترخیص کالا کشور با کمبود مواجه و قیمت‌ها روند صعودی خواهد داشت. این وضعیت درحالی در بخشنامه‌های جدید رخ داده که می‌بینیم موارد متعدد استثنا برای شرکت‌ها و افراد خاص در ثبت سفارش و تخصیص ارز وجود دارد. علاوه بر همه این‌ها تاسیس و احیای شرکت‌های دولتی و خصولتی که به وفور در دو، سه سال گذشته اتفاق افتاده و اعطای امتیاز ویژه به آن‌ها مانع بزرگ توسعه بخش خصوصی است.

کشاورزی

سوال اصلی: مشکل تأمین سرمایه واحدهای تولیدی حل می‌شود؟

گردش مالی واحدها مختل شده است

لزوم تقویت معاونت علم و فناوری ریاست‌جمهوری در دولت چهاردهم



مریم تاج‌آبادی ابراهیمی

عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران

در سال های گذشته سیاست‌گذاری‌ها در حوزه درمان و دارو بسیار غلط بوده و آسیب های گسترده ای به این بخش وارد ساخته است. به اعتقاد من دو مسئله قیمت‌گذاری دستوری و ارز ترجیحی مهم ترین معضلات فعالان حوزه سلامت بوده است آن هم در شرایطی که دولتها و در مجموع حاکمیت اقتصادی کشور بارها شعار داده‌اند که قصد دارند اقتصاد را دانش‌بنیان کنند، اما برخلاف این شعار عمل کرده‌اند. اولین قدمی که وزیر بهداشت دولت چهاردهم برای بهبود شرایط اقتصادی و به خصوص در حوزه دارو و درمان، که حوزه تخصصی وزارت بهداشت و درمان است، باید بردارد این است که به تولید دارو توجه ویژه داشته باشد. علی‌رغم تورم بالا و افزایش قیمت قابل توجهی که کالاها و خدمات در همه بخش‌های اقتصادی کشور در طی چند سال اخیر داشته، قیمت‌گذاری دستوری در حوزه درمان موجب شده که تولیدکنندگان حوزه دارو از تورم عقب بمانند. قیمت‌گذاری دستوری در کنار ارز ترجیحی دو معضلی هستند که به بزرگ‌ترین مشکل فعالان حوزه سلامت تبدیل شده است و دست تولیدکننده را برای ادامه فعالیت اقتصادی بسته است. چرا که در نتیجه اقتصاد دستوری و سیاست‌گذاری‌های ارزی دولتها طی سال‌های گذشته تولید کننده حوزه دارو و درمان نتوانسته هم‌پای تورم پیش رود و در نتیجه قادر به تامین هزینه‌های تولیدنیست.

بخش بزرگی از سرمایه در گردش واحدهای تولید در حوزه دارو و درمان با حوزه‌هایی درگیر است که با دخالت دولت محاصره شده است. نبودن اقتصاد آزاد گردش مالی واحدهای تولیدی را مختل کرده است. در واقع در این حوزه علی‌رغم این که قراردادها ۳ ماهه است اما به یک سال افزایش یافته است، یعنی تولیدکنندگان دارویی مطالبات یک ساله از بخش‌های دولتی دارند. عدم دسترسی به موقع به منابع مالی و مطالبات حاصل از فروش کالا به بخش‌های دولتی، چرخه تولید را در واحدهای تولید با مشکل مواجه کرده که در نتیجه ادامه دار بودن این شرایط وضعیت تولید با مشکل جدی مواجه خواهد بود

مسئله دیگری که امید است وزیر بهداشت تلاش مضاعفی برای حل آن داشته باشد به محصولات نوآور برمی‌گردد. در واقع معضل این بخش از تولید در زمان گرفتن مجوز و در بخش رگولاتوری رخ می‌دهد که کارشناسان به فرایندی که در حال شکل گرفتن است، آشنایی کافی ندارند. در نهایت بدنه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان غذا و دارو همکاری لازم و به موقع با شرکت‌هایی که قصد دارند محصولات نوآور تولید کنند، ندارند.

درخواستی که از وزیر بهداشت دولت چهاردهم داریم این است که کمیته زیست فناوری تشکیل شود تا این کمیته به تایید و پیشبرد مجوزها کمک کند. برای تولید محصولات نوآور باید تحقیقات بسیاری صورت بگیرد. هزینه‌های R&D در همه‌جای دنیا بالاست و در ایران به دلیل تحریم و محدودیت‌هایی که وجود دارد بیشتر است. علی‌رغم مسائل مربوط به تحقیقات و هزینه‌های بالای R&D برای محصولات نوآور، این بخش نیز درگیر قیمت‌گذاری دستوری شده است. دولتها و در مجموع حاکمیت اقتصادی کشور بارها شعار داده‌اند که قصد دارند اقتصاد را دانش‌بنیان کنند، اما برخلاف این شعار عمل کرده‌اند. بسیاری از این محصولات هیچ‌گونه ارزبری ندارند اما همچنان درگیر قیمت‌گذاری دستوری هستند، بنابراین اقداماتی که وزیر بهداشت باید انجام دهد به دو مسئله مهم قیمت‌گذاری دستوری و ارز ترجیحی برمی‌گردد که باید سایه سنگین این سیاست‌ها را از روی تولید کنار بزند. در قدم اول نیز باید این مشکلات در خصوص محصولات دانش‌بنیان برطرف شوند.

بخش دیگری که باید در دولت چهاردهم به آن توجه ویژه شود، معاونت علمی ریاست جمهوری است، چراکه این معاونت می‌تواند نقش بسزایی در در اکوسیستم دانش‌بنیان داشته باشد. در سال‌های قبل از ۱۳۹۰ اگر در دانشگاه شخصی می‌گفت که به دنبال تولید محصول دانش‌بنیان رفته، قبح دانسته می‌شد و افرادی که این سمت می‌رفتند معمولاً کاری که انجام می‌دادند را پنهان می‌کردند. از آن زمان تا اکنون شرایط به نحوی تغییر کرده که دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی نیز به این سمت حرکت می‌کنند که دانش‌آموختگان را به سمت تولید محصول سوق دهند. بنابراین یک تغییر نگرش و رشدی در اکوسیستم دانش‌بنیان رخ داده که فارغ‌التحصیلان به سمت وارد بخش تولید شده‌اند و دانشگاهها نیز آنها را تشویق می‌کنند. این اکوسیستم را معاونت علم و فناوری ایجاد کرد و مراکز تحقیقاتی و دانشگاهها نیز به آن کمک کردند اما مراکز تحقیقاتی و دانشگاهها در سطح آمادگی فناوری (TRL) می‌مانند و نمی‌توانند به سمت تجاری سازی و... پیش بروند و رسالتی هم در این خصوص ندارند. معاونت علمی و فناوری می‌تواند به‌خوبی این کار را انجام دهد.

اگرچه تغییر شرایط موجب امیدواری برای فعالان این بخش و نتیجه آن در اقتصاد کشور نمایان می‌شود اما در چند سال گذشته متاسفانه این توانمندی از معاونت علم و فناوری گرفته شد و به سمت بانکها سوق داده شد. در واقع در گذشته معاونت علم و فناوری در بحث تامین مالی نقش آفرینی می‌کرد و چون با محصولات و شرکت‌های دانش‌بنیان آشنایی کامل داشت و ادبیات این حوزه را می‌دانست، کارها با سرعت و تخصص بالا انجام می‌گرفت. در واقع این معاونت در سطح کلان به زنجیره تولید کالاهای دانش‌بنیان کمک می‌کرد. با سوق دادن شرکتها به بانکها، فعالان این حوزه با مشکل مواجه شدند. بنابراین اتفاقی که الان باید رخ دهد و دولت چهاردهم باید به آن کمک کند این است که به معاونت علم و فناوری توجه ویژه شود و قدرت این معاونت به خودش برگردد. همچنین باید تامین مالی تولید محصولات دانش‌بنیان از سوی این معاونت انجام می‌گیرد.

همچنین ایران در منطقه از نظر توسعه فناوری و به خصوص زیست فناوری جایگاه ویژه‌ای دارد، اما این حوزه باید بزرگ شود. موضوع توسعه فناوری باید به زنجیره جهان وصل شود، بنابراین توجه به بین‌المللی شدن شرکت‌های دانش‌بنیان خواسته دیگر است.

۲۷

سوال اصلی: چگونه باید فضای رقابت اقتصادی را ایجاد کرد؟

در اهمیت یافتن زبان مشترک

چگونه درباره اقتصاد گفت‌وگو کنیم؟



محسن خلیلی
صنعتگر پیشکسوت

ریاست قوه مجریه طبق قانون اساسی اختیارات نسبتاً بالایی دارد و بعد از مقام رهبری عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد.

ایـــن جایگاه و مقام هر چند در عمل و واقعیت به سبب تعدد مراکز قدرت و بسط قدرت آن‌ها در طول زمان و... آن‌چنان نیست که شاید در متن قانون بدان اشاره‌شده اســـت، اما به‌هرحال واجد قدرت و گستره نفوذی است تأثیرگذار در حوزه‌های مختلف زندگی و کار و کسب و حیات اجتماعی مردم این سرزمین. بر این اساس انتخابات ریاست جمهوری و تغییر و تحولات در رأس قوه مجریه می‌تواند جهت‌گیری کشور در حوزه‌های مختلف را تا حدودی جابه‌جا کند.

برای فعالان اقتصادی و صنعتگران که عمده مسائل و مشکلات آنان در حوزه اقتصاد و صنعت است بی‌شک اینکه رئیس‌جمهور دارای چه گرایش فکری و معتقد به کدام الگو و مدل توسعه‌ای باشد و تا چه حد با اصول علم اقتصاد آشنا و بدین اصول باور داشته و تیم همکارانش را از میان چه جریان فکری انتخاب کند، اهمیت کمی ندارد. آنچه اما فعالان اقتصادی و صنعتگران و ازجمله این خدمت‌گزار اقتصاد ملی، فارغ از آمدورفت دولت‌ها همواره بدان تاکید و خواستار تحقق آن بوده‌ایم، «آزادی و رقابت اقتصادی» در چارچوب بخش خصوصی مستقل و دولت سیاست‌گذار و در تعامل با جهان بوده است.

اعتقادم همواره بر این بوده است که وظیفه من صنعتگر و فعال اقتصادی و صاحب بنگاه تولیدی آن است که بر مبنای نقشه و طرح مشخص، برآمده از علم و دانش تجربه، فعالیت تولیدی خود را با فراهم آوردن ســـرمایه، نیروی انسانی و مواد اولیه آغاز و در روند انجام کار با درس‌گیری از ضعف‌ها و خطاها و یادگیری مستمر و بهینه‌کاوی و... به ارتقای کمیت و کیفیت محصولات و رشد و توسعه بنگاه تحت تصدی خود بپردازم. من بنگاهدار طبعاً برای بهبود امکانات لازم برای ارتقای فعالیت‌هایم می‌بایست در همکاری با سایر بنگاه‌ها در قالب انجمن‌ها و اتحادیه‌ها و سایر نهادهای تشکلی جهت پیگیری خواست‌ها و مطالبات مشترک و در نهایت ارتقای اقتصاد ملی تلاش کنم.

اما کار دولت آن‌چنان که تمام عالمان اقتصادی امروز بر آن تاکید دارند (به‌جز موارد خاص که همین عالمان از آن به «شکست بازار» یاد می‌کنند) تأمین کالای عمومی است. دولت موظف است قانون و امنیت و ثبات مؤلفه‌های اقتصاد کلان را تأمین کند و به‌عنوان نماینده منافع و خیر عمومی، فضای برون‌بنگاهی را برای حرکت روان و هرچه سهل‌تر بنگاه‌های اقتصادی و صنعتی فراهم آورد. علاوه بر دولت قوی، تحول توسعه‌ای یک جامعه نیازمند نهادهای مدنی کارآمد و تواناســـت. دولت می‌بایست جامعه را از طریق نهادهای مدنی پشـــت سر خود متحد و یکپارچه سازد و برای حل ابرچالش‌ها برنامه عملیاتی داشته باشد.

در سال‌های اخیر تقریباً مناسبتی اقتصادی را نمی‌توان سراغ گرفت که از جایگاه و ارزش بخش خصوصی و تشـــکل‌ها و نهادهای مرتبـــط با این بخش در حل‌وفصل مشکلات دامن‌گیر کشور حرف و گفتاری به میان نیامده باشد. این اتفاق را باید بسیار ارج نهـــاد و میمون و مبارک دانســـت، چراکه تحول و تغییر از تغییر ذهن‌ها و تغییر ادبیات و گفتار آغاز و با جدوجهد به تغییر رفتار و عملکردها می‌انجامد. اما نکته‌ای که در این میان وجود دارد شاید درک غلط دو طرف ماجرا از خواست و نیاز طرف مقابل است. چنان‌که فعالان اقتصادی و صاحبان بنگاه گاه به‌غلط و شاید به‌واسطه تنگناها و مشکلات، دولت را محل توزیع امتیاز و رانت و بهره‌گیری از امتیازات ویژه و خاص تصور می‌کنند و به دنبال تأمین چنین مواردی از دولت‌ها هســـتند و دولت‌ها نیز دچار این اشتباه می‌شوند که به جای حل ریشه‌ای مشکلات و علل و عوامل اصلی کاهش سود و چرایی عدم افزایش فعالیت مولد اقتصادی که ناشی از سیاست‌گذاری‌های نامناسب و غلط اســـت، با تخصیص تسهیلات و ارز و انرژی و... ارزان‌قیمت، فعالان اقتصادی و صنعتی را حمایت کنند.

به گمان این خدمت‌گزار صنعت و اقتصاد ملی، این ارتباط و تصور طرفین از حمایت و حل مسائل و مشکلات صحیح نیست و اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت و در گستره کوچک چند بنگاه جواب دهد اما بی‌شک در افق بلندمدت و در گستره ملی در خدمت پیشرفت و توسعه میهنمان نیست. بالعکس این نوع از امتیازدهی و امتیازگیری به ایجاد اقتصاد و صنعتی کوچک و گلخانه‌ای منجر می‌شود.

چاره کار و حل مســـئله و راه صحیح به گمانم، آن‌چنان‌که در تمامی کشورهای پیشرفته و صنعتی و کشورهای موفق در مسیر توسعه نیز تجربه‌شده است، ایجاد فضای مناسب کسب‌وکار و رقابت و نیز وجود ثبات در اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و همچنین احترام به شخصیت کارآفرینان و ارزش قائل شدن برای تخصص و... است

در سوی فعالان اقتصادی نیز بی‌شک می‌بایست اصولی همچون: وجود چشم‌انداز و برنامه و مأموریت مشخص، ارتقای کیفیت و کاهش قیمت از طریق افزایش بهره‌وری و تحقیق و توسعه، مشتری‌مداری، رعایت اصول حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی و... مدنظر باشد.

به نظر می‌رسد چنانچه دو سویه ماجرا یعنی دولت و بخش خصوصی در جهات فوق سیاست‌گذاری و عمل نمایند، نه دولت با دخالت‌های اختلال‌زا و بی‌منطق در مؤلفه‌های اقتصادی (نرخ ارز و سود بانکی و دستمزد و...) و تصدی‌گری بنگاه‌ها، فضای اقتصاد و کسب‌وکار را نامناسب و ناامن می‌سازد و نه بخش خصوصی و فعال اقتصادی با دریافت امتیازات و رانت‌های مختلف دچار فســـاد و ضعف و رکود شده و توان تولیدی خود را ازدست‌داده و چه‌بسا بازار را به رقیبان خارجی خود واگذار نمایند. لذا دولت چهاردهم می‌بایســـت در این جهت و ایجاد زبان مشترک با فعالان اقتصادی و صنعتی بخش خصوصی تلاش کند؛ دولت سیاست‌گذار و بخش خصوصی تصدی‌گرا، رفیق هم و نه رقیب یکدیگر برای ایجاد ایرانی پیشرفته و توسعه‌یافته‌اند!

دولت چهاردهم و زایشی تاریخی

مسیر تغییر بوروکراسی کدام است؟



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

فوکویاما در کتاب «نظم و زوال سیاسی» هر نظم سیاسی را بر سه نهاد استوار می‌داند: «دولت، حاکمیت قانون و سازوکارهای پاسخگو بودن». لذا اگر چه نظم و انضباط و قدرت بوروکراتیک و کارشناسی امر بسیار مهمی در فرآیند توسعه است اما این قدرت و توان سازمان‌دهی به‌تنهایی و بدون حاکمیت «قانون» برآمده از اراده آزاد شهروندان و پاسخ‌گویی حکومت به جامعه در پرتو حق آزادی اندیشه و بیان و تجمع و... کارآمد نیست و هویت ملی را نمایندگی نمی‌کند

«بعضی هستند که نسب به سلطانی یا پادشاهی می‌رسانند لیکن روزگار بتدریج از اوج رفعت به حضیض ذلتشان انداخته است و مانند اهرام از قاعده عریضی به نوک تیزی ختم شده‌اند؛ برخی نیز از طبقات پست سر برآورده و بتدریج مدارج تعالی را پیموده‌اند تا از زمره خوانین بزرگ شده‌اند، به قسمی که این تفاوت مابین آن دو دسته هست که گروهی آن بوده‌اند که اکنون نیستند و گروهی دیگر آن هستند که قبلاً نبوده‌اند.»
دن کیشوت

۱

حاصل اقتصاد جدید بی‌شک بر هم زدن اصالت‌های کاذب و بر کرسی نشاندن شایستگی‌ها و شایستگان بر اساس منطق آزادی و رقابت، البته در حد مقدورات بشری بوده است. یک قرن بعد از انتشار رمان «دن کیشوت» که سرگذشت فرد خیال‌پروری است که خود را شوالیه می‌پندارد و به نبرد با دشمنان فرضی از اینجا به آنجا می‌شتابد، «ثروت ملل» قواعد تحرک آزاد انسان‌ها و تحقق آرزوهایشان و گسست از ساختار متصلب فئودالی را ترسیم می‌کند. اگر سروانتس سرگیجه انسان عصر رنسانس و روشنگری را از فروپاشی جهان قدیم تصویر می‌کند، آدام اسمیت روح آزادی و عاملیت انسان‌ها در ربط با دگرگونی‌های بزرگ انقلاب صنعتی و چگونگی تولید ثروت را صورت‌بندی می‌کند. «خیال» جنبه واقعیت می‌یابد و امکان فرا رفتن انسان از جایگاه سنتی و طبقاتی‌اش به شانی فراهم می‌آید که برای دستیابی به آن تلاش کرده و رنج بسیار برده است. البته آزادی و رقابت مطلوب همگان نیست و چه بسیار انسان‌هایی که همان فضای بدون خطر و زحمت و معیشت مختصر را می‌پسندند و در پی ساختاری‌اند که همه‌چیز را برای او برنامه‌ریزی کند و هیچ ریسکی باقی نگذارد. چنین انسانی دیگر البته از فقر و عقب‌ماندگی خود شرمسار و سرافکنده نیست چراکه «قدرت‌های فرا انسانی که تعیین‌کننده تمامی رویدادها هستند، رتبه و شان وی را مقرر کرده‌اند» (فون میزس). این در حالی است در اقتصاد آزاد، موقعیت اجتماعی و میزان درآمد افراد بسیار به عمل خود آنان مرتبط است. اگر نجات بشر و رفاهش را محصول قوه عاقله وی که طبیعت به او بخشیده بدانیم، کار دولت‌ها آن است که فرصت‌های لازم را برای ظهور این استعدادها و کسب جایگاه شایسته افراد در ساختار اجتماعی از طریق امکان ایجاد نهادهای مناسب فراهم آورند. امری که با اقتصادی دستوری و رانتی و دشمنی با جهان (جهانی دن کیشوتی) و با مردمی فاقد کرامت و نیازمند و طبقه متوسط ضعیف شده‌ای که «با اعتبار فرهنگی و اجتماعی خود نمی‌تواند به ثروت و قدرت دست یابد» قابل تحقق نیست.

۲

اتکا کامل به تحول اوضاع از مسیر تغییرات بوروکراتیک آن هم بوروکراسی بیمار و به شدت ضعیف شده در طی حدود دو دهه اخیر کشورمان بدون توجه به دمکراسی در معنای برتری قانون، به نظر از موانع اصلی تحول مثبت اوضاع در دولت چهاردهم خواهد بود. چراکه «بوروکراسی، فی‌نفسه نه خوب است و نه بد. روشی مدیریتی است که می‌تواند در سپهرهای گوناگون فعالیت‌های انسانی بکار رود.... آنچه امروزه بسیاری از مردم شر می‌دانند محدودیت تدریجی آزادی فردی شهروندان ... و جایگزینی کنترل حکومتی بجای ابتکار خصوصی است» (بوروکراسی- میزس). البته مهم‌ترین برنامه دولت آتی چنانکه بارها از زبان رئیس‌جمهور بر آن تاکید شده است اصلاح نظام کارشناسی دولت یا همان تغییر بورکرات‌هاست بی‌آنکه به چرایی مهجور ماندن نگاه کارشناسی در ساختار سیاسی پرداخته شود (با توجه به اینکه اصولاً یک جریان واحد «کارشناسی» برخلاف نگرش رئیس‌جمهور منتخب وجود خارجی ندارد و آنچه هست کارشناسان مختلف از چپ چپ تا راست راست است و این فرد تصمیم گیر است که باید بر مبنای دانش و منش سیاسی خود افراد و گرایش‌هایی مطلوبش را برگزیند).

فوکویاما در کتاب «نظم و زوال سیاسی» هر نظم سیاسی را بر سه نهاد استوار می‌داند: «دولت، حاکمیت قانون و سازوکارهای پاسخگو بودن». لذا اگرچه نظم و انضباط و قدرت بوروکراتیک و کارشناسی امر بسیار مهمی در فرآیند توسعه است اما این قدرت و توان سازمان‌دهی به‌تنهایی و بدون حاکمیت «قانون» برآمده از اراده آزاد شهروندان و پاسخ‌گویی حکومت به جامعه در پرتو حق آزادی اندیشه و بیان و تجمع و... کارآمد نیست و هویت ملی را نمایندگی نمی‌کند.

این امر متأسفانه در منظومه فکری جریان‌های سیاسی حاضر در نظام حکمرانی و بعضاً جریان پشتیبان رئیس‌جمهور و گفتار خود وی آشکار نیست و شهروندان بر اساس باورهای فکری و اعتقادی و در قالبی ایدئولوژیک از هم متمایز و درجه‌بندی‌شده و شهروندان درجه دو و سه و... و غیر همگن با این ارزش‌ها، امکان حضور در رده‌های تصمیم‌گیری را ندارند و شعاع پرواز آنان حداکثر حضور در بدنه کارشناسی و ایفای نقش مشورتی و نه تصمیم سازی است. اگر یک سوی گذار به توسعه چنانکه داگلاس نورث صورت‌بندی می‌کند، «مهار خشونت با قبول حدی از خلق رانت در ائتلاف مسلط» است، سوی دیگر آن «اعتمادی فراگیر نسبت به نهادها و ایجاد رضایت اجتماعی» برای تحمل سختی‌ها است و این نیز حاصل نمی‌شود مگر با افق‌گشایی بر بستر آزادی و فرصت‌های برابر برای ظهور استعدادها و کسب جایگاه شایسته افراد در ساختار اجتماعی. چراکه «اگر درکی عام از کرامت انسانی ایجاد نکنیم محکوم به تحمل کشمکشی تاریخی هستیم» (هویت- فوکویاما). آیا دولت چهاردهم چنین عزمی خواهد داشت؟!

۳

نهاد دولت یا همان قوه مجریه در ساختار سیاسی کشورمان البته تنها بخش محدودی از قدرت را در اختیار دارد که بسته به شخصیت رئیس‌جمهور و جریان و تیم همراه و پشتیبانی‌کننده وی و مقبولیت اجتماعی‌اش و نیز برآیند سایر نیروها و نهادهای داخلی و اوضاع‌واحوال بین‌المللی و... این قدرت تا درصدهای کمی بالا و پایین می‌شود. همچنین ضرورت‌های اداره جامعه اصولاً رئیس‌جمهور را وادار به انعطاف و پاسخگویی در مقابل مطالبات



مردم و ســـایر ارکان و نهادی قدرت اعم از مجلس (با تصویب قوانین و نظارت بر کار وزرا و...) و قوه قضاییه (رســـیدگی به تخلفات و تخطی از قوانین و...) و نهادهای نظامی و امنیتی و بنیادهای اقتصادی و... می‌کند کـــه نه آن‌چنان کم قدرت‌تر از قوه مجریه و البته بیرون از دایره نظارت آن‌اند. بر این اســـاس حل ابر چالش‌های فقر و نابرابری و رشـــد پایین اقتصادی و بحران‌های آب و محیط زیســـتی و... نیازمند توافق با سایر بازیگران ساختار قدرت و اقناع و مشارکت جامعه است.

گذار از این وضعیت به نظر از دو طریق امکان‌پذیر است: ۱-احیای دولت، چنانکه بیش از یک قرن اســـت که جامعه ایران فاقد نظریه مشخص و منسجم از «دولت» و کارکرد آن و در تکاپوی «دولت‌سازی» اســـت. دولتی که در آن همه افراد صرف‌نظر از دین و مذهب و قوم و نژاد و... صاحب حقوق برابرند و ظرفیت آن را دارد تا خدمات عمومی مناسب ارائه کند و مستقل است تا تحت سیطره گروه خاصی نباشد، و مقید است به این‌که مردم بر آن نظارت داشته باشند. دولتی که وظیفه دارد امکان تأمین معیشت سالم جامعه و اعتراض مسالمت‌آمیز مردم را فراهم نماید. دولتی که بجای حصارکشی، حصارها را بین خود و جامعه (خودی- غیرخودی) و جهان (شـــرق- غرب) بردارد و امکان توسعه این ســـرزمین را فراهم نماید. ۲-کاهش شکاف دولت-ملت با تغییر نگـــرش به روش «اقناع» جامعه. جامعه‌ای که در طی بخصوص چند ســـال اخیر و پس از حوادث ۹۶ و ۹۸ و جنبش ۱۴۰۱ هزینه بسیار ســـنگینی پرداخته و فاعلیت خود را باور و در انتخابات نیز به اثبات رسانده است. جامعه‌ای که در صورتی حاضر به حضور در عرصه‌های مورد نیاز حکومت اســـت که باور کند مسئولان نهادهای انتخابی و انتصابی «هم می‌دانند و هم می‌خواهند و هم می‌توانند» مطالبات او را برآورده نمایند. دانش و خواست و اراده‌ای که پیش‌زمینه آن انجام گفتگوی ملی و ایجاد فضای بازتر سیاسی است و نتیجه آن «امید» به تأمین حقوق بنیادین و آزادی‌های فردی و اجتماعی در قالب نظمی قانونی است.

۴

جامعه ایـــران اکنون هم نیازمند حکومـــت قوی و هم جامعه‌ای قوی است «نیل به آزادی راه باریکی است که طی آن حکومت و جامعه یکدیگر را متوازن می‌سازند. این توازن محصول مبارزه‌ای دائمی است که طی آن فرا دستان (قدرتمندان) زنجیر مهار جامعه بر خود را می‌پذیرند (مجبور می‌شوند) و جامعه نیز می‌پذیرد که با قدرت همکاری کند. جامعه برای مهار قدرتمندان بسیج می‌شود و قدرت نیز ظرفیت‌های خود برای حل‌وفصل مناقشات، حاکمیت قانون و ارائه خدمات عمومی را افزایش می‌دهد» (راه باریک آزادی).

ملت ایران یک‌صد و بیست سال پس از مشروطیت بار دیگر در آستانه زایشی تاریخی است و جنبش ۱۴۰۱ و نحوه مواجهه با انتخابات اخیر از علائم واضح و آشکار این زایش؛ زایشی که حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و حقوق شهروندی، نوزاد آن. عملکرد «پزشک» آینده در این زایمان و میزان سلامتی نوزاد، جایگاه و نام وی را در ســـپهر سیاسی و خاطره جمعی و تاریخی ایرانیان مشـــخص می‌کند و البته درهرصورت نباید ناامید شد.

«از چه دل‌تنگ شدی؟
دلخوشی‌ها کم نیست: مثلاً این خورشید،
کودک پس‌فردا
کفتر آن هفته.»

سهراب سپهری

در طلب از منتخب

پیشنهادهایی به دولت چهاردهم و رئیس‌جمهور

پریسا مطرانلویی
کارشناس ارشد اقتصادی

یکی از مهم‌ترین برنامه‌هـــای دولت چهاردهم در ابتدای راه، انتخاب مسئولان اقتصادی کابینه، متناسب با فضای حاکم بر اقتصاد و سیاست کشور و در راستای حل مسائل مبتلابه کشور است. بدون شـــک پس از استقرار کابینه منتخب پیش از هر اقدامی، لازم اســـت نقشـــه‌ای از وضع موجود ترسیم شود؛ در رسم این نقشه، احصای چالش‌ها و مسائل مبتلابه حوزه‌های مختلف با اجماع نظر بخش خصوصی و فعالان هر حوزه یک گام اساســـی خواهد بود. در ادامه لازم است راه‌حل‌های اثربخش برای هریک از مسائل، شناسایی شده و سپس راه‌حل‌ها در قالب برنامه‌های عملیاتی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت مبتنی بر ظرفیت‌های موجود، طبقه‌بندی شود. در ادامه لازم است برای ایجاد بسترهای لازم به منظور پیشبرد برنامه‌ها ضمن توجه به محدودیت‌های موجود (از جمله این محدودیت‌ها در حال حاضر وجود تحریم‌ها و مساله FATF است) تلاش شود و در عین حال برای رفع مسئولانه این محدودیت‌ها که در مجموع بر اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌های اتخاذ شده اثرگذار است، اقدام شود. بازگرداندن اعتماد به جامعه و بازسازی سرمایه اجتماعی نیز لازم است در صدر اقدامات آتی قرارگیرد.

طی ســـالیان اخیر محیط اقتصاد کلان به واسطه چند عامل اصلی و عوامل ذیل هریک در مســـیر نامساعد شدن حرکت نموده است. قوانین نامناسب مالیاتی و سوءکارکردهای نظام بانکی و بازار سرمایه، موجب تضعیف توان تأمین مالی در فضای کسب و کارها شده است. در دیگر سو رواج سرکوب قیمتی در بازارها، رواج انحصار و مجوزمحوری، ممیزمحوری در نظام مالیات‌ستانی و بازرس‌محوری در تأمین اجتماعی، محیط کسب وکار را شدیداً ضدانگیزشی نموده است که مجموعه این عوامل در کنار انزوای ناشی از تحریم‌ها، عرصه را بر فضای تولید تنگ نموده است؛ لذا برای خروج از وضعیت موجود می‌بایست تمامی برنامه‌ها از مسیر رفع این علل عبور نماید. مهار پایدار تورم و اصلاح سیاست‌های ارزی، دو گام اصلی برای بهبود در فضای حاکم بر اقتصاد کلان است. برنامه‌ریزی برای حذف قیمت‌گذاری دستوری، دیگر اقدام دارای اولویت برای بهبود محیط کسب وکار است. در کنار تمام این موارد، توجه به این نکته حائز اهمیت است که این سیاست‌گذاری‌ها حتی با وجود محدودیت‌هایی همچون وجود تحریم‌ها و شـــرایط فعلی FATF نیز موضوعیت دارد، اما حل هریک از این محدودیت‌ها بر کاهش ریسک شکست این سیاست‌ها بسیار موثر خواهد بود؛ لذا لازم است دولت چهاردهم با برنامه‌ریزی برای گفتمان سازی با غرب موجبات کاهش هزینه مبادلات مالی فرامرزی و حضور هرچه فعالانه‌تر بخش خصوصی در عرصه تولیـــد و تجارت را فراهم آورد؛ لذا نقش فعالانه و تسهیلگر دولت برای رفع موانع ورود به عرصه بین‌الملل بیش از پیش حائز اهمیت اســـت. پس از شناخت دقیق مسائل محوری کسب و کار، لازم است دولت چهاردهم چهار بحران اصلی در حوزه بهره‌وری، انرژی و محیط زیست، فقر و صندوق‌های بازنشستگی را در ابتدای مسیر سیاست‌گذاری مورد توجه قرار داده و در کنار تمامی برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، بر لزوم برنامه‌ریزی برای حل این بحران‌ها نیز تمرکز نماید.

بحران بهره‌وری

اقتصاد ایران طی ســـال‌های اخیر وارد مرحله جدیدی از تحولات شده که مشخصه اصلی آن استمرار رشد اقتصادی و بهره‌وری پایین است و تحریم‌های اقتصادی نیز تشدیدکننده این روند بوده اســـت؛ تله بهره‌وری به نحوی است که افت شدید بهره‌وری در ابعاد مختلف انـــرژی، نیروی کار، منابع طبیعی... برای مدت طولانی ماندگار شـــده و حتی تزریق منابع بیشتر، موجب افزایش چشمگیری در بازدهی نمی‌شود. این مرحله از حیات اقتصادی کشور را می‌توان «بحران بهره‌وری» نامید که به این دلیل اینکه منابع ســـرمایه‌ای در فرآیندهای تولیدی مولد و اشتغال‌زا به‌کار گرفته نمی‌شود، موجب اتلاف منابع شده و یا این منابع عظیم در بازارهای مالی نامرتبط با بخش واقعی اقتصاد، دستخوش سوداگری‌های بی‌حاصل می‌شود، حاصل شـــده است. بنابراین موضوع ارتقای بهره‌وری به عنوان مهم‌ترین راهکار برای خروج غیرتورمی از رکود و مقابله با تحریم‌های اقتصادی مطرح است و تاکید هرچه بیشتر بر روی مقوله بهره‌وری بسیار ضرورت دارد.

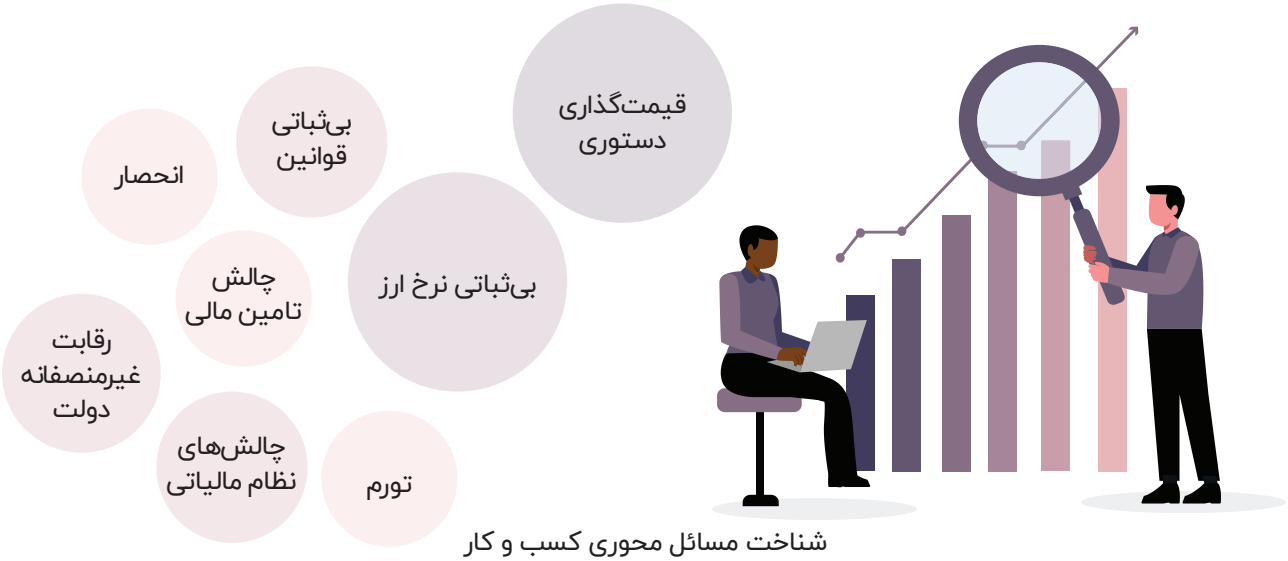

شناخت مسائل محوری کسب و کار

بحران انرژی و محیط زیست

برنامه‌ریزی برای جلوگیری از تخریب هرچه بیشـــتر ظرفیت‌های زیست محیطی همچون مساله فرونشست زمین، بحران آب و خاک و بحران انرژی که در قالب بحران برق در تابستان و بحران گاز در زمستان بروز می‌یابد، و یا نیاز به واردات بنزین که باعث می‌شود در شرایط کمبود منابع ارزی، بخش زیادی از ارز موجود در کشور به موضوع واردات بنزین اختصاص یابد، همگی از اولویت‌های سیاست‌گذاری دولت چهاردهم خواهد بود.

بحران فقر و رکود تورمی

رکود تورمی پایدار در ایران منجر به ایجاد نابرابری‌های اقتصادی نامتعارف و تضعیف طبقه متوسط شده است به نحوی که نرخ فقر در ایران از ابتدای دهه ۹۰ تا سال ۱۳۹۶ روند ثابتی داشـــته است اما از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ با افزایش ده درصدی به ۳۰ درصد رسیده است و بعبارتی ۸ میلیون نفر به جمعیت فقرا در کشور افزوده شده است. نکته مهم دیگر این است که بخش زیادی از این جمعیت در فقر فرورفته، شاغلان دارای دستمزد هستند که به دلیل کیفیت پائین اشتغال و پائین بودن سطح درآمدها در قبال تورم، شاغل بودن این خانوارها نیز باعث بهبود وضعیت معیشتی آنها نشده است. این در حالی است که یک دهه قبل، داشتن شغل می‌توانست باعث خروج خانواده از محدوده فقر شود. لذا رشد اقتصادی و افزایش اشتغال با کیفیت می‌بایست پس از تورم در اولویت سیاست‌گذاری قرار گیرد.

بحران صندوق‌های بازنشستگی

نظام بازنشستگی در ایران با چالش‌های متعددی روبه‌رو است که شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر کشور نیز آن را تشدید نموده است. تورم بالا و مستمر، نرخ بالای بیکاری و به دنبال آن کاهش ورودی صندوق‌ها (نرخ بیمه‌شدگان جدید) و افزایش خروجی‌ها (بازنشستگان) و در نهایت کاهش ضریب پشتیبانی در کنار سوءمدیریت، از مهم‌ترین علل چالش‌های صندوق‌های بازنشســـتگی در کشور است. لذا می‌بایست اصلاحات ساختاری در حوزه صندوق‌ها یکی از برنامه‌های دولت آینده باشد.

مثلث سه‌نرخی اقتصاد ایران

نرخ تورم

نگاهی به شـــرایط اقتصادی نیم قرن اخیر کشور و بررسی چالش‌های دولت‌ها در طول این دوره، نشـــان‌دهنده این است که کشور در یک ســـیکل معیوب و تکرارشونده از مجموعه مشکلاتی نظیر سطوح بالا و ماندگار تورم دورقمی، نرخ بیکاری قابل توجه و فقر و نابرابری گرفتار شده است. دلیل اصلی تورم‌های مزمن و دورقمی در اقتصاد کشور بعنوان عامل اصلی فرسایشگر نظام اقتصادی و تضعیف مستمر سرمایه اجتماعی را می‌توان کسری‌های مستمر و فزاینده در تراز عملیاتی بودجه‌های سالانه برشمرد. به نحوی که کسری تراز عملیاتی و تأمین مالی آن از مســـیر استقراض از بانک مرکزی، موجب شکل‌گیری تورم‌های دورقمی مستمر شده است. از آسیب‌های تورم همین بس که با تحت تاثیر قرار دادن معیشت اقشار کم درآمد موجب تشدید فقر و نابرابری شده است، محیط اقتصاد کلان را برای سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی نامطمئن نموده و موجب آسیب جدی به تولید شده است و این مساله تا جایی پیش رفته است که بر اساس گزارش پایش محیط کسب و کار، غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات طی چند فصل اخیر به عنوان یکی از مهم‌ترین مشکلات فعالان اقتصادی برشمرده شده است.

لـــذا در بین تمام اهداف اقتصادی دولت چهاردهم، مهار پایـــدار تورم باید در اولویت اصلی برنامه‌های دولت قرار گیرد. در این مسیر لازم است از اشتباهات گذشته برگشت، زیرا تجربه دولت‌های گذشته -مقابله با تورم با کنترل دستوری قیمت‌ها به جای اتخاذ یک رویکرد علمی برای ریشه یابی تورم- نشان می‌دهد تا زمانی که ریشه‌های اصلی تورم خشکانیده نشود، مقابله با تورم از طریق قیمت‌گذاری دستوری و سرکوب قیمت‌ها، درمانی موقت با پیامدهای سنگین در میان‌مدت و بلندمدت خواهد بود. لذا در اولین گام لازم اســـت از اجرای هرگونه سیاست تورم‌زا در افق زمانی کوتاه‌مدت جلوگیری نموده و در مسیر میان مدت، اصلاح قیمت‌ها مطابق با سازوکارهای بازار و ظرفیت‌های موجود، صورت پذیرد.

نرخ ارز

در یک بررسی کلی شاهد هســـتیم که سیاست‌های ارزی دولت‌های قبلی، حتی مدیریت بازار نیز تلقی نمی‌شـــود زیرا بیش از آنکه به آرامش بازار منتج شـــود، موجب دامن زدن به بی‌ثباتی و فضای نااطمینانی اقتصاد شده و نهایتاً موجب شده است هرگونه تصمیم بنیادی در ســـطح بنگاه، منجمد شـــده و با اصطکاک در روند رشد تولید و تجارت مواجه شود. لذا برون‌رفت از شرایط موجود نیازمند یک نگرش جامع با رویکرد حل مساله در سطح ساختار و سیاست‌گذاری‌ها، منطبق بر اصول بازار، تجربیات کشورها و ارائه چارچوب عملیاتی است.

در این راستا از دولت چهاردهم درخواست می‌شود با توجه به ثبات نسبی موجود در بازار، نسبت به برنامه‌ریزی برای تک‌نرخی نمودن ارز اقدام نماید. در این مسیر لازم است راهبردهای «حرکت از سمت سیاست‌های دستوری در قالب مداخلات قیمتی و نرخ‌گذاری‌های چندگانه به ســـمت نرخ‌های تعادلـــی بازار»، «مدیریت بهینه ورود ارزهـــای نفتی به اقتصاد با هدف ثبات‌بخشـــی به بازار ارز»، «حرکت به سمت سیاست ارزی تثبیت نرخ حقیقی ارز به جای سیاست تثبیت نرخ اسمی» و «برنامه‌ریزی برای یک نظام حمایتی و تعرفه‌ای مناسب بعنوان مکمل نظام ارزی» در دستور کار قرار گیرد.

نرخ رشد اقتصادی

توجه به این نکته حائز اهمیت است که رشدهای اخیر در کشور ناشی از سازوکارهای باثبات و پایدار نبوده است بلکه ماحصل نوسانات مقطعی همچون رشد قیمت نفت، رشد مقطعی صادرات... بوده است لذا می‌بایست یکی از اولویت‌های دولت چهاردهم تامین منابع بلندمدت، باثبات و پایدار برای تحقق رشـــد باثبات در بلندمدت و میان‌مدت باشد. بدیهی است فراهم آوردن زمینه رشد سرمایه‌گذاری یکی از پیش‌الزامات تحقق رشد ۸ درصدی است. موضوعات مهمی همچون تاثیرپذیری بالای بسیاری از صنایع از آسیب تحریم‌ها، مشکلات این بخش در زمینه ناترازی انرژی و پایین بودن نرخ تشـــکیل ســـرمایه که همگی در نهایت منجر به کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری در این بخش شده از چالش‌های آشکار این حوزه هستند که در گام نخست سیاست‌گذاری برای رشد پایدار می‌بایست لحاظ گردد. پرواضح است تورم بالای موجود در کشور از مسیر ایجاد ناکارایی در تخصیص منابع و ایجاد چشم‌انداز نااطمینانی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری در اقتصاد اثر منفی داشته و موجب کاهش انگیزه تولید و به تبع آن تضعیف رشد اقتصادی در سال‌های آتی خواهد شد.

احیای جایگاه بخش خصوصی	تدوین استراتژی توسعه صنعتی و توسعه صادرات
پذیرش این باور که قطار بهبود اقتصاد از ایستگاه بخش خصوصی می‌گذرد منوط بر این است که در گام اول سیاست‌گذاری، توجه به اصول امنیت محیط کسب و کار در کنار ثبات و پیش‌بینی‌پذیر بودن آن برای تضمین حقوق مالکیت بعنوان یک اصل پذیرفته شود. در گام بعدی تقسیم کار مناسب بین بخش خصوصی و دولت (و نهادهای عمومی غیردولتی) به ویژه پایبندی به مواد ۲ و ۳ قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار از الزامات سیاست‌های اصلاح اقتصادی درنظر گرفته شود. جلب اعتماد بخش خصوصی نسبت به سیاست‌های میان‌مدت و بلندمدت برای ورود به عرصه سرمایه‌گذاری و همچنین اطمینان از رقابت منصفانه بین نهادهای عمومی غیردولتی با بخش خصوصی و عدالت و برابری در قراردادهای دستگاه‌های اجرایی با فعالان اقتصادی را از جمله اصول لازم برای احیای بخش خصوصی توانمند می‌توان برشمرد.	یکی از دلایل آشفتگی بخش‌های مختلف صنعت در ایران را می‌توان نبود استراتژی بلندمدت برشمرد. تدوین استراتژی صنعت و سیاست‌گذاری در این چارچوب از الزامات عملکردی دولت چهاردهم است تا صنعت از آشفتگی‌های تصمیمات خلق‌الساعه و نظام حکمرانی دستوری رهایی یابد. این استراتژی می‌بایست با تمرکز بر بازسازی جایگاه کشور در اقتصاد جهانی و جایابی در زنجیره‌های ارزش جهانی ترسیم شود. همچنین ضرورت تعریف پروژه‌های توسعه‌ای برای مناطق محروم و کمتربرخوردار در سیاست صنعتی با هدف کاهش فقر و کمک به رشد و تولید بسیار حائز اهمیت است.

مات: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
twitter.com/T
اینستاگرام: gram.com/
آپارات: w.aparat.com/T C
t.me/Tehran
پستی: ۱۵۱۱۹۱۷۶۱۳ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۸۱۸

۱۳۹۶

مرکز تماس اتاق تهران

TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE, INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE Since 1864

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران



ما را بشنوید

یادکست

آینده‌نگر

یادکست

کارنامه

سرگذشت کارآفرینان

روابط عمومی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

www.tccim.ir

توئیتر: twitter.com/TCCIM

اینستاگرام: instagram.com/TCCIM.pr

تلگرام: t.me/TehranChamber

آپارات: www.aparat.com/TCCIM

کدپستی: ۱۵۱۱۹۱۷۶۱۳

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۸۱۸